

# سیمای تازه‌ای از تاریخ بیهقی



می‌تواند تا این حد به توفیق دست یابد و در میان آثار ادب یک ملت تا این پایه نشینی کند؟ تاثیر کلام و پیام بیهقی در چیست؟ در مضمون در جادوی زبان، در اعتقاد و اخلاصی که نویسنده از خود به خرج داده، یا در هر سه؟

کتاب بیهقی اگر تاریخ است، چرا این همه دلنشین و تاثر انگیز و در عین حال خردپذیر از کار درآمده است؟ بیهقی بی تردید متنی است تاریخی و واقعگرا و نه اثری عاطفی و صرفاً خیال پردازانه. اما آیا هر اثر تاریخی حتی اگر با قلمی شیوا و فاخر نوشته شده باشد

شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۸۹  
۲۵ ربیع الثانی ۱۰۱۴۳۱  
شماره ۲۲۶، پیاپی ۸۷۷  
صفحه ۲۰، تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۶۱۵۱-۴  
سازمان آگهی‌ها: ۰۲۱-۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



بی عدالتی  
در جامعه آمریکا  
موج می‌زند

۲۰



مسیر علمی نویسی  
برای کودکان  
از کجای گذرد؟

۱۴



وقتی حافظه  
تاریخی خود را  
از دست می‌دهیم

۱۱

## سرآغاز

### بهار کتاب پیش روست

اگر طبیعت یک بهار دارد، کتاب را چندین بهار است و چندین قالب که هر بار می‌تواند نو شود. اگر بهار طبیعت با نخستین روزهای فروردین آغاز می‌شود، هر صفحه کتاب می‌تواند بهاری دیگرگونه باشد و آغازی دیگر. هر کلمه می‌تواند رستاخیز دیگر در اندیشه باشد و هر لحظه، توفانی دیگر به راه اندازد که هیچ سدی جلودارش نیست. انسان به کلمه زنده است و کلمه‌ها در کتاب متولد می‌شوند. با این همه، کتاب بهارهای دیگری هم دارد: نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، نمایشگاه کتاب‌های کودک و نوجوان، نمایشگاه کتب دانشگاهی، نمایشگاه فرانکفورت، پاریس، قاهره و هزاران نمایشگاه دیگری که عاشقان کتاب را دور هم جمع می‌کند و این گونه است که اگر بهار طبیعت فصل اول خود را پشت سر می‌نهد، بهار کتاب در پیش روست: نمایشگاه کتاب تهران. رژه کلمات بر سفیدی کاغذ پیش روی ماست و جهان هر لحظه می‌تواند دوباره، دوباره آغاز شود، با کتاب هر لحظه می‌توان از نو متولد شد.

### همزمان در تهران، اصفهان و شیراز

## نخستین همایش شاعران ایران و جهان برگزار می‌شود

برنامه‌های تدارک دیده شده برای این همایش گفت: «شعر خوانی، سخنرانی با موضوع ادبیات ایران و جهان، اجرای موسیقی سنتی و بازدید از مراکز فرهنگی و تاریخی از جمله برنامه‌های این همایش اند. همچنین در این نشست مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان از برگزاری این همایش با حضور مسئولان، شاعران، هنرمندان و فرهیختگان در مجتمع فرهنگی هنری استاد فرشچیان خبر داد.»

همزمان با برگزاری این همایش، کتاب «دریچه‌ای به باغ شعر ایرانی» که شامل آثاری از ۳۳ شاعر معاصر ایرانی است به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر خواهد شد. این کتاب با هدف معرفی شاعران مطرح و پیشکسوت ایرانی به جهان در روزهای برگزاری همایش چاپ و توزیع خواهد شد.

سید سعید میر محمدصادق، مدیر روابط عمومی همایش شاعران ایران و جهان نیز از حضور ۳۰ خبرنگار به عنوان نمایندگان رسانه‌های مکتوب، الکترونیک و دیداری و شنیداری در این همایش خبر داد و گفت: «به منظور پوشش مناسب و هر چه بهتر نخستین همایش شاعران ایران و جهان از نمایندگان ۳۰ رسانه دعوت شده تا با حضور در محل برگزاری همایش، این برنامه را پوشش خبری دهند.

ادامه در صفحه ۴

نخستین همایش شاعران ایران و جهان با حضور ۵۰ شاعر خارجی و ۵۰ شاعر ایرانی ۲۸ تا ۳۱ فروردین امسال تهران با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تالار وحدت تهران افتتاح می‌شود. به گزارش روابط عمومی همایش شاعران ایران و جهان، در این همایش شاعرانی از کشورهای مختلف جهان از جمله آلبانی، آذربایجان، اردن، ارمنستان، افغانستان، اندونزی، اروگوئه، بنگلادش، پاکستان، پرو، تاجیکستان، ترکیه، تونس، چین، روسیه، رومانی، سریلانکا، سنگال، سودان، سوریه، صربستان، دانمارک، لبنان، فیلیپین، قزاقستان، قطر، عمان، عراق، هندوستان، هلند و یونان شرکت می‌کنند.

نخستین همایش شاعران ایران و جهان که در آن ۵۰ شاعر مطرح و نام‌آشنای ایرانی نیز حضور دارند در سه شهر تهران، اصفهان و شیراز ۲۸ تا ۳۱ فروردین ماه برگزار می‌شود.

مصطفی امیدی در نشست برنامه ریزی این همایش که هفته گذشته با حضور سید علیرضا حسینی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، موسی بیج، دبیر همایش، محمدرضا عبدالملکیان، مدیرعامل دفتر شعر جوان و عضو شورای سیاستگذاری جشنواره شعر فجر و علی شجاعی صائین، مدیرعامل موسسه خانه کتاب برگزار شد، درباره برخی از



۲  
انتظار بالا  
از نهادهای فرهنگی  
برای همت و کار  
مضاعف

۳  
• رونمایی از اثر ۳ شاعر سوری همزمان  
با حضورش در تهران

• کشف یک فیلم  
ویدئویی از زندگی  
سنت آگروپری

۴  
مقبره  
عطار نیشابوری  
گلباران می‌شود

دراهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده اند و روابط فرهنگی جامعه بشری نیز از پوشش کتاب و مبادلات فرهنگی تقویت شده است.

پیام مقام معظم رهبری به مناسبت برگزاری اولین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۱۳۶۶/۸/۱۴

### انتشار تفاسیر قرآنی ملاصدرا

کتاب «صدر المتألهین و تفسیرش» یکی از مجلدات مجموعه «ایرانیان و قرآن کریم» با هدف آشنا کردن جوانان با مفسران ایرانی قرآن کریم منتشر می شود. چاپ این کتاب را انتشارات خانه کتاب برعهده دارد.

مجید فلاح پور، نویسنده این اثر در گفت و گو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) کتاب های این مجموعه را دارای روش یکسانی دانست و گفت: «براین اساس، ابتدا به شرح زندگانی به ویژه زندگی علمی مفسر و همچنین آثار، استادان، شاگردان و روش علمی آنها پرداخته می شود و در ادامه، روش شناسی تفسیری هر یک از مفسران درج خواهد شد.» وی افزود: «طبق این روش، فصل نخست این کتاب به شرح زندگی و منابع آموزه ها و اندیشه های ملاصدرا اختصاص یافته است. معرفی آثار تفسیری، تبیین روش شناسی تفسیری و گرایش های تفسیری صدر المتألهین، موضوعات این کتاب را تشکیل می دهند.» فلاح پور درباره مجموعه «ایرانیان و قرآن کریم» گفت: «معرفی ۴۰ مفسر، همراه روش های تفسیری آنها، هدف این مجموعه را تشکیل می دهد که تاکنون حدود ۱۵ مجلد از آن منتشر شده است. این آثار در حجمی اندک، حداکثر تا ۲۰۰ صفحه منتشر می شوند و به زبان ساده نوشته شده اند تا به آسانی از سوی جوانان مطالعه شوند.» کتاب «صدر المتألهین و تفسیرش» تا پیش از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از سوی انتشارات خانه کتاب منتشر می شود.

### انتشار «تسنیم» (۱۹ و ۲۰)

مسئول انتشارات اسراء از انتشار جلد های نوزدهم و بیستم تفسیر تسنیم که تفسیری ترتیبی از قرآن کریم بر مبنای سخنان آیت الله جوادی آملی است خبر داد.

حمید رضا بابایی در گفت و گو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) گفت: «علاوه بر این آثار، یک عنوان از آثار تالیفی این مرجع تقلید شیعی نیز به زودی منتشر خواهد شد.» وی با بیان این که در جلد هجدهم تسنیم، تفسیر آیات هفدهم تا چهل و دوم سوره نساء آورده شده اند گفت: «تسنیم ۱۹ با تفسیر آیه ۴۳ سوره نساء آغاز می شود. تفسیر تسنیم با استناد به آیات قرآن کریم، روایات و مباحث عرفانی، می کوشد مفاهیم این کتاب آسمانی را به صورت آیه به آیه برای مخاطبان خاص خود تبیین کند.» به گفته وی جلد های این مجموعه، ممکن است تا شماره ۸۰ ادامه یابند. این مجموعه یک دوره تفسیر ترتیبی قرآن کریم است که برای جامعه قرآن پژوه در نظر گرفته شده و از ابتدای سوره حمد تا پایان کتاب آسمانی مسلمانان را دربر می گیرد.

### «بینات» بر پیشخان نشر نشست

شماره جدید «بینات» نخستین نشریه قرآنی به زبان فارسی - به کوشش موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) روانه بازار نشر شد. آیین ۱۵ سال تلاش، آیین بینات بر اساس حروف الفبا، نمایه موضوعات، نمایه اشخاص و نمایه کتاب ها از جمله موضوعاتی است که در این شماره عنوان شده اند.

بینات به کوشش موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) با قیمت ۷۵۰۰ ریال منتشر شده است.

## وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عنوان کرد

# انتظار بالا از نهادهای فرهنگی برای همت و کار مضاعف

برای جوانان، از دست اندرکاران فرهنگ و هنر کشور خواست تا علاوه بر تلاش های روزانه، زمینه فعالیت در همه امور را بیش از گذشته فراهم آورند تا در سال جدید با توجه به رویکرد فرهنگی دولت گام های موثرتری در عرصه فرهنگی کشور برداشته شود.

وی نام گذاری سال ۸۹ به نام «همت مضاعف و کار مضاعف» از سوی مقام معظم رهبری را نشانگر ژرف اندیشی ایشان دانست و با اشاره به انتظارات بالا از دستگاه های کشور، به خصوص نهادهای فرهنگی تحقق این امر را منوط به عزم و اراده جدی تمام دست اندرکاران عنوان کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «کسانی که اهل قلم و اندیشه بوده اند و در طول تاریخ به اهداف والا و بزرگ دست یافته اند، سال های سخت و مرارت های بسیاری را پشت سر گذاشته اند.»

وی به گوشه هایی از زندگی و مشکلات بزرگان ادب، علم و دین اشاره کرد که با وجود مصایب و مشکلات عدیده زندگی، لحظه ای از تلاش و کوشش دست برنداشتند و در سخت ترین شرایط با همتی والا توانستند به طور گسترده منشأ خیر و برکت باشند.



هنری از سوی هنرمندان خواستار شد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تاکید بر دقت بیشتر در تهیه آثار هنری به دور از سرگرمی صرف

سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۴ فروردین در دیدار نوروزی با مسؤلان، کارمندان و کارکنان این وزارتخانه، با اشاره به نامگذاری سال ۸۹ از سوی مقام معظم رهبری به عنوان سال «همت مضاعف و کار مضاعف» فراهم کردن زمینه های مناسب برای انجام کار های ارزشمند با کمک اهالی فرهنگ و رسانه را از برنامه ریزی ها و اقدامات اساسی این وزارتخانه در سال ۸۹ عنوان کرد و با اشاره به انتظارات بالا از دستگاه های کشور، به ویژه نهادهای فرهنگی تحقق این امر را منوط به عزم و اراده جدی تمامی دست اندرکاران عنوان کرد.

حسینی با قدر دانی از تلاش های مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تهران و دیگر استان های کشور، از برگزاری جشنواره خلیج فارس در سال جاری خبر داد و افزود: «اهالی هنر باید در تهیه آثار مناسب و مورد علاقه مردم و ایرانیان خارج از کشور که پاسخگوی نیاز های آنان باشد، تلاش بیشتری داشته باشند.»

وی ایران را در حال پیشرفت خواند و با اشاره به زمینه های فراوان علمی، فناوری و سایر عرصه ها، توجه به پیشرفت و تعالی بیشتر کشور را در آثار

## رضایت نهادهای شهری از نقشه نمایشگاه کتاب تهران

حسین صفری، مدیر کمیته اجرایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، از بازدید نمایندگان نهادهایی چون آتش نشانی، اورژانس، نیروی انتظامی و ستاد مدیریت و بحران شهرداری تهران از محل های آماده شده برای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران خبر داد و افزود: «این نمایندگان از کلیت نقشه نمایشگاه، اظهار رضایت کردند.»

صفری در این باره گفت: «برای ایمنی بیشتر و امکان ارائه خدمات دهی و مسپردی، این بازدید توسط نمایندگان نهادهای شهری انجام شد. در این بازدید میدانی، نقشه های اصلی نمایشگاه به نمایندگان نهادهای شهری ارائه شد و این نمایندگان از نقشه های نمایشگاه کتاب استقبال و اظهار رضایت کردند.»

مدیر کمیته اجرایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران همچنین تصریح کرد: «برای جابه جایی سالن های مختلف نمایشگاه پیش بینی لازم را انجام داده ایم و وسایل ایمنی مورد توجه قرار گرفته؛ اما همواره از مشاوره این نهادها بهره مند شده و نظرات کارشناسی ایشان را اعمال می کنیم تا ضریب ایمنی نمایشگاه افزایش یابد.»

صفری افزود: «در صحن اصلی، بخشی به شکل کارگاهی است که به طور کامل از فضای نمایشگاه کتاب جدا شده و از سمت ایستگاه متروی مصلی نیز به سمت شبستان، سالن های بخش های مختلف در نظر گرفته شده اند.»

به گفته صفری، زیرزمین سالن شبستان که ناشران عمومی در آن مستقرند، به کمیته فعالیت های جنبی اختصاص یافته است و بخش ریالی ناشران خارجی نیز در سمت جنوبی مصلای امام خمینی (ره) مستقر خواهد شد.

### محمد رضا سرشار تصریح کرد

## تازه ترین مصوبات هیأت علمی جایزه کتاب فصل



محمد رضا سرشار، دبیر علمی جایزه کتاب فصل گفت: «در نخستین جلسه هیأت علمی جایزه کتاب فصل که من به عنوان دبیر در آن حضور داشتم، مصوبات تازه ای مورد توافق اعضا قرار گرفت.» وی همچنین، از بازبینی آیین نامه اجرایی جایزه پروین اعتصامی خبر داد و تصریح کرد: «طبیعی است که در داوری جایزه پروین، اولویت با داوران زن خواهد بود.»

سرشار به خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) گفت: «نخستین مصوبه، درباره شرکت دادن آثاری بود که پیش از این با ترجمه یا ترجمه های دیگری نیز منتشر شده بودند که مقرر شد تنها در صورتی ترجمه های تکراری داوری شوند که برجستگی خاص نسبت به آثار قبلی داشته یا ضرورتی باعث ترجمه جدید این اثر شده باشد.»

ترجمه از زبان اصلی اثر و ضعیف بودن ترجمه های قبلی، از جمله مواردی اند که سرشار برای صدور اجازه شرکت ترجمه های تکراری در جایزه کتاب فصل به آنها اشاره کرد.

وی ادامه داد: «دومین مصوبه در پاسخ به این پرسش بود که آیا اگر کتابی از یک مولف در جشنواره ای جایزه گرفت، کتاب دیگری از این مولف در فصل بعد به عنوان اثر برگزیده انتخاب شود یا

خیر؟ مقرر شد دریافت جایزه مانع گزینش اثری در فصل بعد نباشد.» دبیر علمی جایزه کتاب سال تصریح کرد: «آخرین مصوبه نیز محدودیت برای شرکت کتاب هایی است که شامل مجموعه مقالات پراکنده اند و در این زمینه مصوب شد تنها در صورتی که همه مقاله های یک کتاب درباره یک موضوع باشند، در جایزه کتاب فصل داوری شود.» وی همچنین درباره جایزه دو سالانه پروین اعتصامی که سال جاری برگزار خواهد شد، گفت: «جوایزی چون پروین اعتصامی و جلال آل احمد از تجربه داوری های جایزه کتاب فصل بهره برده و زحمت کمتری دارند، به ویژه این که جایزه پروین شاخه های محدودتری را پوشش می دهد.»

### با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجموعه «کتاب و کتابخوانی در جهان» رونمایی می شود

محمد الهیاری فومنی، مدیر کل اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از رونمایی مجموعه هشت جلدی «کتاب و کتابخوانی در جهان» در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران خبر داد. این ۸ جلد به بررسی وضعیت کتاب و کتابخوانی در کشورهای آمریکا، انگلیس، چین، تایلند و استرالیا می پردازد.

الهیاری فومنی به خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) گفت: «این کتاب ها با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و توسط انتشارات شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر منتشر می شود.»

وی افزود: «این مجموعه به شکل کامل به بررسی وضعیت کتاب و کتابخوانی در سطح جهان می پردازد و اطلاعات ارزشمندی را در اختیار مخاطبان قرار خواهد داد.»

به گفته وی در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران علاوه بر رونمایی از این ۸ جلد کتاب، جلسات نقد و بررسی این آثار نیز در سرای اهل قلم برگزار می شود. بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از ۱۵ تا ۲۵ اردیبهشت در مصلای امام خمینی (ره) برگزار می شود.

### محمود سالاری در گفت و گو با ایبنا:

## مترائز غر فیه همه ناشران نمایشگاه کتاب مشخص شده است

محمود سالاری، مدیر کمیته ناشران داخلی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران گفت: «مترائز غر فیه ناشران بخش های مختلف نمایشگاه تعیین شده و تنها مترائز غر فیه آن دسته از ناشران بخش عمومی که هنوز اطلاعات خود را تکمیل نکرده اند، مشخص نشده است.»

سالاری افزود: «جانمایی ناشران بخش کودک و نوجوان به شکل کامل در نقشه مصلی انجام شده است و جانمایی بخش ناشران دانشگاهی و آموزش نیز به زودی به پایان خواهد رسید و ناشران هر سه بخش دارای مترائز مشخص خواهند شد.»

به گفته سالاری غر فیه بندی سالن شبستان به احتمال زیاد تا ۲۵ فروردین ماه به پایان خواهد رسید.



## رونمایی از ۱۳ اثر شاعر سوری همزمان با حضورش در تهران



دگرگون کردن نمادهای تاریخی و اساطیری است. مترجم آثار نوری الجراح همچنین درباره این که چرا شاعر نام «باغ ایرانی» را برای یکی از آثارش انتخاب کرده یادآور شد: «نوری الجراح ایران را کشور خودش می داند، ضمن این که بخشی از این کتاب را با الهام مستقیم از سه شاعر ایرانی، حافظ، مولانا و سعدی سروده است. تأثیرپذیری شاعر در شعرهای این بخش که نام گاهان را برای نسخه فارسی آن برگزیده ام بیشتر معنوی و تحت تأثیر

همزمان با برگزاری نخستین همایش شاعران ایران و جهان با حضور ۱۰۰ شاعر ایرانی و خارجی، چهار مجموعه شعر از نوری الجراح شاعر سوری مقیم انگلستان از سوی انتشارات افروز منتشر می شود. نوری الجراح از جمله شاعران سوری است که در همایش شاعران ایران و جهان که ۲۸ تا ۳۱ فروردین امسال برگزار می شود حضور می یابد. اعظم کیان افروز، مدیر انتشارات افروز در گفت و گو با کتاب هفته با اعلام خبر چاپ ترجمه فارسی آثار نوری الجراح، در پاسخ به این سوال که آیا این چهار مجموعه تمامی شعرهای نوری الجراح را شامل می شود؟ گفت: «نوری الجراح، آثار بسیاری دارد و ما در مرحله اول چهار کتاب او به نام های «کودکی مرگ»، «باغ های هملت»، «باغ ایرانی» و «قصیده و قصیده در آینه» را همزمان با برگزاری همایش شاعران ایران و جهان و ورود نوری الجراح به ایران منتشر می کنیم.

کیان افروز همچنین از برگزاری آیین بزرگداشت نوری الجراح در روز ۲۶ فروردین در محل انتشارات افروز با حضور حمزه کوتی، مترجم آثار وی و جمعی از اهالی قلم خبر داد.

حمزه کوتی، مترجم آثار نوری الجراح نیز در گفت و گو با کتاب هفته درباره مهم ترین ویژگی های آثار نوری الجراح گفت: «نوری الجراح گفتمان ویژه و خاصی دارد و فضای شعری او فضای جدیدی است و شاید بشود گفت مهم ترین ویژگی شعر او

### روایت ساراماگو از جنایت های رژیم صهیونیستی منتشر شد



«دفترچه یادداشت» اثر اعتراض آمیز ژوزه ساراماگو، برنده پرتغالی نوبل ادبیات علیه رژیم صهیونیستی وارد بازار کتاب انگلیسی زبان شد و بخشی از این نوشته های کوتاه، وقایع نگاری ساراماگو از جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین است. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از روزنامه ایندپندنت، «دفترچه یادداشت» اثر تازه ساراماگو، حاصل نوشته های او در وبلاگ شخصی اش در خلال سپتامبر ۲۰۰۸ تا آگوست ۲۰۰۹ است که هفته ای سه تا چهار بار روزآمد می شد.

او در این نوشته ها طبیعتی غیرانسانی را ترسیم می کند که به نظر می رسد در آن تنها انسان های بی پناه و ضعیف آماج بی عدالتی و وحشی گری هستند. هدف ساراماگو از انتشار این مجموعه رهایی مخاطب از طناب های به هم پیچیده ای از دروغ و ظاهر سازی های سازمان یافته است که انسانیت او را به بند می کشد. او با لحنی صریح و تکان دهنده انسان را با واقعیت حاضر دنیای امروز مواجه می سازد. ساراماگو که بیشتر سال های زندگی اش را تحت سلطه رژیم فاشیستی سالزار (۶۸-۱۹۳۲) سپری کرده در فضا های سیاسی سرشار از دروغ و تعرض رشد یافته و با همه این ظاهر فریبی های رژیم های دیکتاتور آشنایی کامل دارد. او در اثر تازه اش جورج بوش را به ریشخند گرفته و او را با عنوان «کاوچرانی که دنیا را به ارث برده است» و «هرزه ای که حقیقت را از گفتمان سیاسی تبعید کرده» تمسخر می کند.

این یادداشت ۲۸۸ صفحه ای با عنوان «دفترچه یادداشت» به زبان انگلیسی از سوی نشر ورسو با قیمت ۹۵/۲۳ دلار منتشر شده است. این اثر ۶ ماه پیش به زبان پرتغالی منتشر شده بود.

عرفان این سه شاعر است و البته تأثیرپذیری زبانی هم در این شعرها به چشم می خورد. کوتی در توضیح ویژگی کلی آثار نوری الجراح گفت: «نوری الجراح سعی می کند قرائت و خوانش دیگر گونه ای از نمادهای اساطیری مختلف، چه نمادهای یونانی، چه شرقی، چه اسلامی و چه یهودی یا توراتی ارائه دهد.»

مترجم آثار جهان عرب با اشاره به این که جای اشعار نوری الجراح در بین آثار ادبی ایران خالی بوده یادآور شد: «ما در ایران غالباً چند شاعر معهود عرب از جمله جبران خلیل جبران، غاده السمان و نزار قبانی را می شناسیم که آثار همین شاعران نیز متأسفانه گاهی گرفتار مترجمان بازاری شده اند. اما همه سعی من همواره این بوده که بیشتر سراغ شاعرانی از جهان عرب بروم که در ایران کمتر به آنها پرداخته شده است و نوری الجراح نیز در زمره همین شاعران قرار دارد.» به گفته حمزه کوتی این اولین بار است که نوری الجراح اجازه انتشار ترجمه آثارش را می دهد و از وی تاکنون تنها چند قطعه شعر به زبان های انگلیسی و فرانسه ترجمه شده که علت این امر عدم اجازه شاعر برای ترجمه آثارش به زبان های دیگر بوده است.

نوری الجراح در سال ۱۹۵۶ در دمشق متولد شد و در آغاز دهه هشتاد میلادی در تاسیس بسیاری از مجلات ادبی از جمله «فکر بیروت»، «النقاد» و «الکاتب» در لندن شرکت کرد.

### کشف یک فیلم ویدئویی از زندگی سنت اگزوپری



فیلم کشف شده از «آنتوان دو سنت اگزوپری»، نویسنده فرانسوی رمان «شازده کوچولو» در بزرگ ترین مرکز حراج اشیاء هنری به فروش گذاشته خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) از سایت خبری اینفورمادور مکزیک، پس از ناپدید شدن این نویسنده در دریای مدیترانه نزدیک مارسل در جولای ۱۹۴۴ تا امروز هرگز تصاویر رنگی از زندگی او پیدا نشده بود.

این فیلم کوتاه قرار است به عنوان یک سند گرانبهای تاریخی در هجدهم ماه آینده در ساتبی که به عنوان یکی از بزرگ ترین مراکز حراج اشیاء هنری شناخته می شود، به فروش گذاشته شود. ارزش و اعتبار اثر تنها به خاطر رنگی بودنش نیست بلکه فیلم ویدئویی سنت اگزوپری را همراه با خانواده اش نشان می دهد. این فیلم ۱۶ میلیمتری ۲ دقیقه و ۱۹ ثانیه است و توسط یک سینماگر آماتور در ماه می ۱۹۴۲ در رودخانه ای نزدیک مونترآل گرفته شده است. آنتوان دو سنت اگزوپری نویسنده و خلبان فرانسوی در ۲۹ جولای ۱۹۰۰ در شهر لیون به دنیا آمد و در سال ۱۹۴۴ هنگامی که در جنوب فرانسه در حال خلبانی بود از چشم برج مراقبت ناپدید شد و دیگر اثری از او پیدا نشد.

### کرملین و بی توجهی به بزرگداشت تولستوی

### روسیه به ترک میراث ادبی پیشین خود متهم شد

دولت روسیه با عدم برپایی بزرگداشت صدمین سال درگذشت «لئو تولستوی» به بی اعتنائی نسبت به میراث ادبی گذشته خود متهم شد. با وجود این که کشورهای چون کوبا و مکزیک اعلام کرده اند که امسال برنامه های ویژه ای برای بزرگداشت تولستوی دارند، کشور زادگاه او هنوز برنامه ای در این زمینه تدارک ندیده است.

تولستوی که در میان خوانندگان غربی از جایگاه ویژه ای برخوردار است و دوستداران ادبیات کلاسیک همواره از اثری چون «جنگ و صلح» وی استقبال کرده اند، در میان دانشگاہیان غربی نیز جایگاه خاص خود را دارد و همواره مورد تقدیر قرار گرفته است. امسال همچنین ترجمه جدید از آثار تولستوی در آلمان و آمریکا منتشر شده و «هلن میرن» و «کریستوفر پلامر» برای بازی در فیلم «آخرین ایستگاه» که دو سال آخر زندگی تولستوی را در برمی گیرد در فهرست نامزد های جایزه اسکار قرار گرفتند.

بی توجهی به این رویداد در سرزمین زادگاه او یعنی روسیه، قصور مهمی محسوب می شود که از نظر بسیاری از دوستداران ادبیات قابل بخشش نیست. کرملین در این زمینه، سکوت در پیش گرفته و تهیه کننده فیلمی که بر مبنای رمان تولستوی «آنا کارنینا» فیلمی ساخته نیز اعلام کرده که بیش از یک سال است که برای یافتن توزیع کننده ای برای این فیلم با ناکامی روبه رو شده است. او در این باره گفته است می توانم با اطمینان بگویم که هیچ یک از تماشاگران جوانی که برای تماشای این فیلم می روند نمی دانند آنا کارنینا کیست. با این حال او ابراز امیدواری کرد که مراسم صدمین سال درگذشت او بتواند یادآور این چهره مهم ادبی باشد.

در روسیه تنها چهره کلیدی که می تواند این امر را زنده نگه دارد، ولادیمیر تولستوی پسر نتیجه تولستوی است که قصد دارد با برپایی یک کنفرانس ادبی در ۱۲۵ مایلی جنوب مسکو در اواخر امسال، بزرگداشتی رسمی برای او برپا کند.

### در «ایبنا» بخوانید

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی (www.ibna.ir)، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دست یابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

#### هر تهرانی: ۳۲ دقیقه مطالعه

مرکز افکارسنجی و رصد فرهنگی پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، میانگین مطالعه غیردرسی هر شهروند تهرانی در شبانه روز را ۳۲ دقیقه برآورد کرده است. قائم مقام این مرکز در مصاحبه با «ایبنا» درباره میانگین مطالعه شهروندان تهرانی گفته است: «بر اساس آخرین نظرسنجی درباره میزان مطالعه کتاب نزد شهروندان تهرانی، میانگین مطالعه در شبانه روز ۷۹ دقیقه و میانگین مطالعه درسی ۴۷ دقیقه است که در نتیجه میزان مطالعه غیردرسی در هر شبانه روز ۳۲ دقیقه برآورد شده است.»

محمدحسین ساعی در این مصاحبه ادامه داده است: «برخی اوقات تصویری از جامعه خود داریم، اما وقتی با بررسی علمی با آن روبه رو می شویم، نتایج متفاوتی را مشاهده می کنیم. بر اساس این مطالعه می توان میزان مطالعه در کشور را نیز بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه تخمین زد.»

به گفته وی این نتایج که طی یک نظرسنجی تلفنی توسط افکارسنجی و رصد فرهنگی پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حاصل شده است نشان می دهد بین میزان مطالعه شهروندان تهران و میزان درآمد آنان رابطه ای وجود دارد. به طوری که معمولاً افراد با میزان درآمد بالاتر، بیشتر از سایرین به مطالعه ابراز علاقه کرده اند.

البته ساعی در مصاحبه دیگری با «ایبنا» تأکید کرده که این نظرسنجی به صورت تلفنی انجام شده و شاید کاملاً دقیق نباشد و آمار نظرسنجی میدانی مرکز افکارسنجی و رصد فرهنگی پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که بیشتر منطبق با حقیقت است به زودی منتشر خواهد شد. مشروح این مصاحبه و آمار مستخرج از نظرسنجی اخیر مرکز افکارسنجی و رصد فرهنگی پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در «ایبنا» بخوانید.

#### اندکی تا نمایشگاه

با نزدیک شدن بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، اخبار حوزه کتاب بیشتر به سمت این نمایشگاه که آن را بزرگ ترین رخداد فرهنگی سال در ایران می دانند، سوق پیدا می کند. در «ایبنا» خبرها و مصاحبه های مختلفی به نمایشگاه کتاب که از ۱۵ تا ۲۵ اردیبهشت در مصلاهی امام خمینی (ره) برگزار می شود، اختصاص یافته. گفت و گوهایی با مسوولان برگزارکننده نمایشگاه که از روند آماده سازی مصلاهی تهران خبر می دهد و مصاحبه هایی با نویسندگان، شاعران و مترجمان، ناشران و پدیدآورندگان آثار که از جدیدترین آثار خود که در نمایشگاه کتاب عرضه خواهد شد، خبر می دهند. این اخبار در صفحه اختصاصی نمایشگاه کتاب در «ایبنا» که «نمایشگاه کتاب - ۲۳» نام دارد منتشر می شوند.

#### نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گوهایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی است که می توان آنها را در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.

## نخستین همایش شاعران ایران و جهان برگزار می شود

ادامه از صفحه اول

مهمانان خارجی این همایش که جمعه ۲۷ فروردین وارد تهران خواهند شد، روز شنبه پس از بازدید از خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) و موسسه خانه کتاب و نیز کتابخانه ملی ایران، در ضیافت ناهار در این کتابخانه حاضر خواهند شد.

مراسم افتتاحیه این همایش، شنبه ۲۸ فروردین از ساعت ۱۷ با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و شاعران مدعو و جمعی از اهالی فرهنگ در تالار وحدت تهران برگزار می شود.

به گفته موسی بیدج، دبیر نخستین همایش شاعران ایران و جهان، شاعران دعوت شده به این همایش براساس رایزنی های متعدد شورای سیاستگذاری همایش و رایزنی های فرهنگی خارج از کشور، انتخاب شده اند. به گفته وی ویژگی هایی چون برجسته بودن و نام آوری، از جمله مسائلی اند که در انتخاب این شعرا موثر بوده اند.

پنججاه و یک شاعر خارجی از کشورهای مختلف جهان در این همایش حضور دارند که اسامی آنان به این شرح است: آرین لکا از کشور آلبانی، چنگیز علی اوغلو از آذربایجان، فاکس سیرونیان از ارمنستان، نصرالله پرتو نادری از افغانستان، جورجی کنستانینتوف از بلغارستان، اسد چودری از بنگلادش، (سید اختر عباس) خاور نقدی از پاکستان، ریکاردو سیلواسانتیستین اولیوس از پرو، رستم وهاب (وهاب نیا) از تاجیکستان، خالد النجار از تونس، مایی از چین، پروفیسور میخائیل سینل نیکوف از روسیه، منیر سعود صالح الصلاحات از رومانی، بوداها ساگالاپتی از سریلانکا، منعم الفقیر از دانمارک، محمد الامین از هلند، خالد علی المعمری خامس از عمان، مهی محمود ابراهیم عتوم، سلمی صبحی سعید الخضراء و می برهان کمال الجبوسی عزالدین المناصره از اردن، عبدالهادی و جمال د. رحمان از اندونزی، لئوناردو کارت و خورخه آریلچه از اروگوئه، علی اورال مصطفی اصلان و دکتر توران کوچ از ترکیه، عمر قدور علی و الفتاح علی مصطفی حمدتو از سودان، نوری الجراح از سوریه، دکتر جیمی نوهنسون آباد از فیلیپین، کمیسبایف اوتگین از قزاقستان، محبت ملدالیوا ازبک اونا از قرقیزستان، خالد محمد احمد علی محمود از قطر، نیکلای جامبولویچ ساجینف از کالمیکیا، طیب جبار امین، عبدالله طاهر برزنجی، مریوان حلبچه ای از کردستان عراق، مبریا کیتهاکا از کنیا، جودت فخرالدین و جرجی شکورا بیروت، مختار قاسم زاده از نخجوان، دکتر گنگا پرساد ویمال و گوبند پرساد از هندوستان و یانیس یافانتیس از یونان.

۲۳ فرورین برگزار می شود

## نشست خبری همایش شاعران ایران و جهان در سرای اهل قلم

نشست خبری نخستین همایش شاعران ایران و جهان، از ساعت ۱۰ صبح دوشنبه بیست و سوم فروردین در سرای دائمی اهل قلم برگزار خواهد شد. در این همایش پنج روزه که از ۲۸ فروردین تا اول اردیبهشت برگزار می شود، ۵۰ شاعر از کشورهای مختلف حضور پیدا می کنند.

در این نشست، موسی بیدج و مصطفی امیدی دبیران علمی و اجرایی این همایش به سوال های نمایندگان رسانه ها پاسخ خواهند داد.

همچنین شاعران ایرانی و خارجی این همایش پس از برگزاری مراسم افتتاحیه در تالار وحدت تهران با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بیست و هشتم فروردین، به شهرهای اصفهان و شیراز سفر خواهند کرد.

۲۵ فروردین روز بزرگداشت عطار نیشابوری

## مقبره عطار نیشابوری گلباران می شود

«چهارشنبه (۲۵ فروردین) که روز بزرگداشت عطار نیشابوری نام گذاری شده، طی برنامه ای در تالار فردوسی دانشگاه سه سخنرانی ارائه خواهد شد.» وی به موضوع هر یک از این سخنرانی ها و نام سخنرانان اشاره و تصریح کرد: «هوشنگ مرادی کرمانی درباره «قصه های عطار»، حسن علوی در ارتباط با مسائل عطار شناسی در پاریس» و فرزانه بهار درباره «نمادهای اسطوره ای سیمرغ» به ایراد سخنرانی می پردازند.

مدیر قطب علمی فردوسی شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد با تاکید بر این که برنامه های دیگری از سوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به مناسبت این روز در نیشابور برپا خواهد شد، اظهار داشت: «در اواخر سال گذشته تصحیح من از کتاب «تاریخ بیهقی» توسط نشر جامی منتشر شد و به احتمال زیاد در این مراسم «تاریخ بیهقی» برای حضاران در مراسم بزرگداشت عطار نیشابوری معرفی و توضیحاتی درباره این کتاب ارائه خواهد شد.»

مراسم بزرگداشت عطار نیشابوری، چهارشنبه (۲۵ فروردین) از ساعت ۱۰ تا ۱۳ در تالار فردوسی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار می شود.

فریدالدین ابو حامد محمد عطار نیشابوری (۵۴۰ قمری - ۶۱۸ قمری) یکی از عارفان و شاعران ایرانی در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری

همایش بزرگداشت روز ملی عطار چهارشنبه ۲۵ فروردین با پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سید محمد حسینی و با حضور شخصیت ها، عطار شناسان و اندیشمندان کشور در نیشابور برگزار می شود.

همایش بزرگداشت و بررسی آثار و احوال عطار نیشابوری در محل فرهنگسرای سیمرغ با حضور محققان و اندیشمندان علم و ادب و عرفان و استادان مطرح کشور برگزار خواهد شد. گلباران مقبره این عارف نامی و همچنین برگزاری مراسم شب شعر و موسیقی عرفانی نیشابور از دیگر برنامه های این روز خواهد بود.

برنامه های این روز با به صدا درآمدن زنگ عرفان در دبیرستان عطار آغاز می شود.

همچنین دانشگاه فردوسی مشهد نیز روز عطار را گرامی خواهد داشت. محمد جعفر یاققی، مدیر قطب فردوسی شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد از برپایی یک مراسم و ایراد سخنرانی درباره عطار نیشابوری به مناسبت روز بزرگداشت این شاعر توسط استادان زبان و ادبیات فارسی در تالار فردوسی این دانشگاه در روز بزرگداشت عطار (چهارشنبه ۲۵ فروردین) خبر داد.

وی درباره برنامه هایی که دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد به مناسبت روز بزرگداشت عطار نیشابوری برگزار خواهد کرد گفت:

### توسط انتشارات موسسه خانه کتاب

### «بیان رمزی در غزلیات شمس» منتشر می شود

توضیح داد: «این کتاب عنوان پایان نامه مقطع دکتری من بود که زیر نظر دکتر تقی پورنامداریان انجام شد و به عنوان پایان نامه برتر به انتخاب انجمن استادان زبان فارسی توسط انتشارات موسسه خانه کتاب در دست چاپ است.»

وی با تاکید بر این نکته که «بیان رمزی در غزلیات شمس» با مبحث زبان و بیان در عرفان و ادبیات عرفانی بر مبنای آثار مولانا و ماهیت حقایق و تجارب عرفانی آغاز می شود ادامه داد: «این کتاب کوششی است برای نزدیک شدن به فضای ذهنی مولانا و

«فرهنگ نامه رمزهای غزلیات شمس: بیان رمزی در غزلیات شمس» (پیوند معنایی میان محسوس و معقول در غزل های مولانا)، پایان نامه دوره دکتری رحمان مشتاق مهر، به انتخاب انجمن استادان زبان فارسی در قالب کتابی توسط انتشارات موسسه خانه کتاب در دست چاپ است. این کتاب خواننده را با جهان بینی و فضای ذهنی مولانا آشنا می کند. این کتاب مشتمل بر ۳۰۰ مداخل اصلی است. مشتاق مهر در گفت و گو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، درباره کتاب «بیان رمزی در غزلیات شمس»

## برنامه هفتگی سرای اهل قلم

سرای دائمی اهل قلم، این هفته با چهار برنامه به کار خود ادامه می دهد. در اولین روز کاری هفته جاری، شنبه ۲۱ فروردین، جلسه نقد و بررسی کتاب «آدم سازی در روان شناسی خانواده» با حضور بهروزی بیرشک، فرشاد بهاری و سپیده باطنی در سرای اهل قلم برگزار خواهد شد. نشست نقد و بررسی کتاب «طوفان و زنیق» با حضور نرگس آبیاری و منیرالسادات موسوی نیز یکشنبه ۲۲ فروردین در این مرکز دایر خواهد بود.

برخی از شاعران روز سه شنبه به سرای اهل قلم می آیند تا در جلسه شعرخوانی به دبیری مژگان عباسلو شرکت کنند. همچنین در آخرین برنامه این مرکز کتاب «مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن» نقد و بررسی خواهد شد.

سرای دائمی اهل قلم در نشانی خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره دو قرار گرفته و شرکت در برنامه های این مرکز برای عموم آزاد است.

## مدیر انتشارات پرواز درگذشت

کیوان سپهر، روزنامه نگار، گرافیکست، ویراستار، مدیر انتشارات پرواز و همکار سابق نشریه «کتاب هفته»، سه شنبه ۱۷ فروردین، به دلیل عفونت ریه و نارسایی کلیه در بیمارستان مسیح دانشوری دارآباد درگذشت.

وی ششم تیر سال ۱۳۱۸ در شهر شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی تا دبیرستان را در همان شهر به پایان رساند و سپس در دانشکده روزنامه نگاری به ریاست دکتر کاظم معتمدنژاد در رشته روزنامه نگاری، گرافیک و علوم ارتباطات پذیرفته شد. سپهر از سال های انتهایی دهه ۴۰ وارد کار روزنامه نگاری شد و در نشریاتی چون نگین، تماشایا و سپس در روزهای اوج انقلاب در روزنامه کیهان به روزنامه نگاری پرداخت. شهرت عمده وی در گرفتن مصاحبه های جاندار بود که معروف ترین آنها مصاحبه او با ژاک تاتی، کارگردان و بازیگر شهیر فرانسوی است.

پس از انقلاب او همکاری اش را با نشریاتی چون کتاب هفته، سروش، نگاه نو و برخی جراید دیگر ادامه داد و همزمان در سمت مشاور فرهنگی پژوهشگاه



است. او در سال ۵۴۰ هجری مطابق با ۱۱۴۶ میلادی در نیشابور متولد شد.

نام او «محمد»، لقبش «فریدالدین» و کنیه اش «ابوحامد» و در شعرهایش بیشتر عطار و گاهی نیز فرید تخلص کرده است. او داروسازی و عرفان را از شیخ مجدالدین بغدادی فرا گرفته بود و به شغل عطاری و درمان بیماران می پرداخت. وی یکی از پرکارترین شاعران ایرانی به شمار می رود و بنا به نظر عارفان در زمینه عرفانی از مرتبه ای بالا برخوردار بوده است.

۲۵ فروردین ماه در تقویم رسمی کشور به نام عطار نیشابوری نامگذاری شده است و هر سال مراسم بزرگداشت این شاعر و عارف نامی در شهر نیشابور برگزار می شود.



علوم انسانی به کار فرهنگی مشغول شد. راه اندازی انتشارات پرواز و انتشار دو کتاب از نوشته های خود با عنوان های «یاد و تجلیل» و «لوح احترام» از جمله کارهای سپهر به شمار می رود.

دکتر بهاءالدین خرمشاهی، نویسنده و مترجم پیشکسوت، او را خادم خادمان فرهنگ لقب داده است. کیوان سپهر تجربه هایی در گرافیک داشت و برخی از کارهای گرافیکی نمایشگاه بین المللی کتاب تهران و هفته کتاب را او طراحی کرده که با نام سهراب پارسی نقش خورده است.

او در سال های بعد از انقلاب به فکر راه اندازی انجمن ویراستاران ایران افتاد و توانست جمعی از شاخص ترین ویراستاران ایران را در مرکز نشر دانشگاهی گرد آورد و حتی خود مدیریت اجرایی و دبیری این تشکل را به عهده بگیرد، اما این تشکل پا نگرفت و در نهایت در همان روزهای اولیه فعالیت متوقف شد و استمرار پیدا نکرد. «کتاب هفته» درگذشت این فعال فرهنگی را به بازماندگان او و جامعه فرهنگی ایران تسلیت می گوید.





پدیده کپی برداری غیرقانونی کتاب و راهکارهای مقابله با آن از نگاه ناشران

# دیگر کوتاه نیایم

به ویژه جاعلان اثر هنرمندان و نویسندگان بیاموزند که حق ندارند بدون اجازه صاحب اثر و بدون هماهنگی با آنها، آثارشان را کپی یا تکثیر کنند. اگرچه نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این میان از همه پررنگ تر است.»

وقتی همه نگاه‌ها به سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، طبیعی بود که نظر مسوولان این اداره نیز پرسیده و راهکارهایی که آنان در این باره به ناشران و انجمن پیشنهاد می‌کنند شنیده شود، اما این کار میسر نشد. ابتدا از بخش حقوقی اداره خواسته شد که در این باره اظهار نظر کند و این پاسخ دریافت شد که قرار است کارگروهی ویژه در این باره تشکیل شود و به محض برگزاری جلسه توسط این کارگروه، نتیجه به اطلاع می‌رسد. خوشحال از این خبر، از بخش فرهنگی وزارتخانه نیز خواسته شد که اگر راهکاری در این باره دارد اعلام شود تا ناشرانی که ضرر و زیانی در این راه دیده‌اند، از این به بعد کمتر دچار خسارت شوند. این معاونت نیز انجام یک مصاحبه همراه با اقداماتی که بخش فرهنگی اداره در این باره انجام داده است را وعده داد. البته دوازدهم اسفندماه جاری، جلسه کارگروه ویژه معاونت حقوقی تشکیل شد و درباره راه‌های مقابله با کپی برداران غیرقانونی بحث شد. در بخش فرهنگی نیز پیش نویس اقدامات انجام شده در این باره نوشته شده است.

در این باره باید به قانون دفاع از حقوق مصنفان تکیه کنیم که این قانون شامل دو بخش است. بخش نخست آن شامل فضای فرهنگی و روحی و روانی است و بخش دوم شامل مجازات می‌شود که انجمن روی بخش نخست، یعنی آسیبی که پدید آورنده اثر یا ناشر از این موضوع می‌بیند، کار می‌کند.»

یک ناشر کتاب‌های فلسفی که دفترش در خیابان انقلاب قرار دارد، در این باره می‌گوید: «چندی پیش با هزار بدبختی کتابی را به چاپ رساندم، اما هنوز پخش و توزیع کتاب‌هایم در شهر به خوبی انجام نشده بود که با کمال تعجب نویسنده اثر نسخه‌ای از همان کتاب را با طرح و جلدی دیگر و البته با کیفیتی پایین‌تر به من نشان داد.» شهرزاد قربانی در ادامه می‌گوید: «ابتدا تصورم این بود که اشتباهی رخ داده است، اما بعد که از آن کتابفروشی شکایت کردم و پرونده‌ای نیز در دادگستری در این باره باز شد، فهمیدم تنها انتشاراتی من نیست که دچار چنین ضرر و زیانی شده است. هر چند که تاکنون هیچ ناشری نتوانسته حق و حقوق خود را از این افراد خطای دریافت کند.

به نظر من وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید مجوز ناشران متخلف را ابطال و جریمه‌های سنگینی برای آنان منظور کند تا دیگر کسی به خود جرأت انجام چنین کارهایی را ندهد.»

دکتر نوروش، نماینده انتشارات کتاب نوپیشنهاد دیگری را مطرح می‌کند. به نظر او بهتر است برای آگاهی ناشران دانشگاهی، فهرست نام همه جاعلانی که به مجازات حقوقی و کیفری محکوم شده‌اند یا اقدام به جعل کتاب می‌کنند، روی سایت انجمن قرار گیرد تا همگان آنها را بشناسند. از طرف دیگر، سعید حبیبی نیز به فرهنگ سازی معتقد است و می‌گوید: «اگرچه هنوز هم بر این باورم که پیوستن به کنوانسیون‌های مربوطه تا اندازه‌ای مشکل را حل می‌کند، اما باید در این باره فرهنگ سازی انجام شود. به نظر همه نهادها و سازمان‌های مسوول از پلیس تا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و محاکم قضایی، باید آموزش‌های جدی را در این زمینه شروع کنند تا کم‌کم مردم

نمی‌شود. در صورتی که اسم کتاب، فیلم و حتی موسیقی و محتوای آنها باید تحت حمایت قانون باشد تا کسی آنها را به نام خود ثبت نکند. در گذشته دستگاه فتوکپی ریسوگراف و چاپ وجود نداشت، اما اکنون توسط این دستگاه‌های جدید بسیاری از کتاب‌ها به صورت غیرقانونی چاپ می‌شوند و حقوقی هم نه تنها به پدیدآورنده آن اثر داده نمی‌شود که حق را هم برای ناشر آن در نظر نمی‌گیرند! بنابراین، برای جلوگیری از این کار، دست اندرکاران این حوزه باید گردهم آیند و با برگزاری جلسات بیشتر، پیگیری مطالبات قانونی خود باشند.»

عضو هیات مدیره انجمن فرهنگی ناشران دانشگاهی در ادامه با بیان این که قوانین حقوق مالکیت معنوی در کشورهای دیگر به صورت کیفری دیده شده‌اند، می‌گوید: «در کشور فرانسه مجازات کیفری خاصی برای متخلفان پیش‌بینی شده است. برای مثال ۵۰ هزار یورو جریمه کپی برداری غیرقانونی است و البته ضمانت‌اجرائی مدنی هم برای هر یک از قوانین وجود دارد، اما در ایران هنوز این اتفاق به طور روشن و واضح نیفتاده است.»

مدیرعامل انجمن ناشران دانشگاهی در پاسخ به این خواسته ناشران می‌گوید: «ما هم اعتقاد داریم که افراد بسیاری از موضوع جعل کتاب آسیب دیده‌اند. برای همین هم پیگیر تهیه و تدوین قانونی مناسب برای حمایت حقوق مادی و معنوی نویسندگان و ناشرانیم. در سال گذشته نیز به وزارت دادگستری مراجعه کردیم و عواقب این کار را برای آنان برشمردیم. مسوولان وقت نیز وعده دادند کار گروهی ویژه برای بررسی این مشکل ایجاد شود و با متخلفان نیز برخورد می‌کنند، اما این را هم باید اضافه کنم که برخی مشکلات قانونی نیز در این باره وجود دارد.»

محمدرضا حاتمی، موضوع وکالت را مشکل اصلی می‌داند و می‌گوید: «همه می‌دانند که وکالت کلی برای انجمن مقدر نیست و ناشران باید خودشان به وکیل حقوقی وکالت بدهند زیرا این موضوع دعوی شخصی محسوب می‌شود. البته

پدیده کپی برداری غیرقانونی کتاب، که به تازگی در بین برخی ناشران رایج شده، موضوعی است که باعث نگرانی بسیاری از ناشران شده است. به طوری که انجمن ناشران دانشگاهی طی فراخوانی از ناشران دولتی و خصوصی و نویسندگان می‌خواهد تا در نشست که به همین منظور برگزار می‌شود، شرکت کنند. این اتفاق با حضور جمعی از این افراد در دفتر مدیرعامل انجمن صورت گرفت.

در این نشست که هدف آن بررسی نحوه برخورد و مقابله با تکثیرکنندگان غیرقانونی کتاب بود، راهکارهایی از سوی کارشناسان ارائه شد. انتشار فهرست ناشران جاعل کتاب‌های دانشگاهی، ارائه دادخواست قضایی و درخواست ابطال مجوز نشر و اعمال جریمه نقدی برای متخلفان از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و... از جمله پیشنهادهای مهمانان این نشست بودند.

پس از این نشست و در فرصت باقیمانده پایانی سال، بسیاری از ناشران دولتی و خصوصی، نویسندگان کتاب‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی از انجمن خواستند تا هر چه در توان دارد، انجام دهد که جلو این کار گرفته شود. آنان همچنین خواستار شنیدن نظرات و پیشنهادهای دیگر همکاران خود شدند و از اداره حقوقی و فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز خواستند که در این باره چاره‌ای بیندیشد. این گزارش‌های روز دارد به خواسته‌های این افراد. اگرچه دنیای امروز با کمک صنعت چاپ و دستگاه‌های مجهز آن، عمل کپی برداری را آسان کرده است، اما از سوی دیگر شاهدیم که مجازات‌های شدیدی برای چنین افرادی در نظر گرفته می‌شود. سعید حبیبی، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران در اعتراض به این موضوع می‌گوید: «اگر قرار است در این زمینه کاری انجام گیرد، کنوانسیون‌های بسیاری وجود دارند که ایران می‌تواند با پیوستن به آن، تا حد زیادی جلو این عمل ناپسند، یعنی کپی برداری غیرقانونی کتاب و به یغما بردن حاصل یک عمر تلاش نویسنده دیگر را بگیرد. مانند کنوانسیون (WCT) که کشور ما در بخش مالکیت ادبی و هنری آن عضو نیست. برایم بسیار جالب است که ما در حوزه‌های دیگر مانند پخش مستقیم فوتبال، هزینه زیادی برای کپی رایت آن می‌پردازیم تا بتوانیم آن را به موقع پخش کنیم - که البته کار درستی است - اما در حوزه‌های دیگر مانند کتاب، هنر و... چندان به این موضوع اهمیت نمی‌دهیم، در صورتی که با ملحق شدن به این کنوانسیون‌ها، ناشران بین‌المللی تنها دو درصد قیمت رایت را خواهند پرداخت که به نظر می‌رسد این موضوع مشکلی را ایجاد نخواهد کرد. از سوی دیگر، حق ناشر و نویسنده اولیه نیز ضایع نخواهد شد.»

همکار حبیبی، موضوع قانونگذار و حمایت او از ناشران را مطرح می‌کند و معتقد است قانونگذار در همه نظام‌های حقوقی دنیا از حقوق مالکیت صنعتی و اختراعات و حقوق مالکیت ادبی و هنری صاحبان آنها حمایت می‌کند تا پدیدآورندگان آثار خلق شده از حقوق مادی و معنوی آن منتفع شوند. سیدعباس حسینی نیک، مدیر مسوول انتشارات حقوقی مجد، از این که در جامعه نشر کشور نقض حقوق مادی پدیدآورندگان اثر موضوعی بسیار شایع است، گلّه دارد و می‌گوید: «اگرچه قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ تصویب شده و در آن دو حق سرپرستی یا احترام به نام پدیدآورنده و حق تمامیت یا حق احترام به محتوا و مطالب ارائه شده، صحبت شده است، اما گویا در حوزه چاپ و نشر و عرضه کتاب، مقاله و... این موضوع به خوبی رعایت

**استخدام مدیر انتشارات**  
تمام وقت  
با تخصص فروش کتاب

درخواست و رزومه خود را ارسال نمایید  
ایمیل: [pr@paykebartar.ir](mailto:pr@paykebartar.ir)  
تلفن: ۲۳۰۵۱۱۰۹  
فکس: ۲۳۰۵۱۱۱۴



سایر محمدی

«زین دایره مینا» جدیدترین کتاب دکتر محمدجعفر یاحقی است که به تازگی از سوی انتشارات سخن منتشر شده است. مولف در این کتاب و در پنج بخش به شهرها و دیدنی‌های بسیاری پرداخته است؛ از پکن و کلکته و بانکوک و دوشنبه شرق گرفته تا ونیز و لندن و کراکف و تورنتوی غرب. علاوه بر این «تاریخ بیهقی» تالیف ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی با تصحیح و تعلیقات و توضیحات و فهرست‌ها و مقدمه دکتر یاحقی و مهدی سیدی در دو جلد از سوی انتشارات سخن به بازار آمد. یاحقی متولد ۱۳۲۶ فروردین از جنوب خراسان، دکترای زبان و ادبیات فارسی را سال ۱۵۹ از دانشگاه تهران گرفت و پس از آن در دانشگاه مشهد به تدریس مشغول شد. وی در طول سال‌ها تدریس و تحقیق و پژوهش، بیش از سی عنوان کتاب در حوزه قرآن پژوهی، شاهنامه پژوهی، ادبیات معاصر، ترجمه تاریخ و ادبیات جهان تالیف و منتشر کرده است. «فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی» او در سال ۷۵ برگزیده کتاب سال اعلام شد. در سال ۷۶ تصحیح تفسیر «روض الجنان» ابوالفتح رازی، به قلم او، کتاب برگزیده ششمین دوره نمایشگاه قرآن معرفی شد. در سال ۷۸ به عنوان استاد نمونه دانشگاه‌های کشور انتخاب شد و از وی تقدیر به عمل آمد. وی در سال‌های ۶۹ و ۷۰ در دانشگاه توکیو و از سال ۷۹ تا ۸۲ در دانشگاه‌های انگلستان به تدریس مشغول بود. «فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی» را در سال ۸۶ از سوی موسسه نشر فرهنگ معاصر منتشر کرد.

## گفت و گو با دکتر محمدجعفر یاحقی

# سیمای تازه‌ای از تاریخ بیهقی

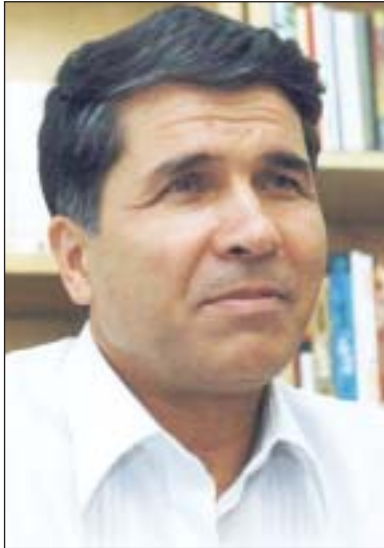
برای مراجعات ادبی احساس می‌کردم. در هیچ یک از پنج جلدی که از تاریخ بیهقی میان سال ۱۸۶۲ میلادی تا امروز در هند و ایران صورت گرفته، مقدمه‌ای درخور و بایسته که به همه جوانب کتاب و نسخه‌های آن پرداخته باشد دیده نمی‌شود. همین امر میدان را برای ما خالی گذاشت که به شکل مشروح‌تر بر این کتاب مقدمه بنویسیم و به زندگی، زمانه و آثار بیهقی بپردازیم.

### لطفاً در مورد شیوه کارتان در تصحیح این متن توضیح بدهید.

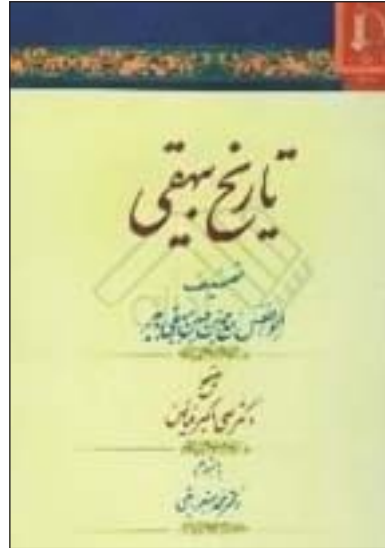
در مدتی که بیهقی می‌خواندیم و چاپ فیاض را با دیگر چاپ‌ها و برخی از نسخه‌های دم‌دست مقایسه می‌کردیم، هر چه بیشتر پیش می‌رفتیم هم مشکلات متن فیاض برآیمان روشن‌تر می‌شد و هم دشواری کار او را بیشتر و بهتر درمی‌یافتیم و بر همت جانانه او که در روزگار فقدان بسیاری از امکانات، دست تنها این‌گونه خوب از عهده کار برآمده است، درود می‌فرستادیم و افسوس می‌خوردیم که نادره مردی چنان، چرا چنین زود از میان ما رفت و توفیق آن را نیافت که تعلیقات کتاب را به جایی برساند یا حتی برای مقدمه تصحیحی که کرده بود، یادداشت‌هایی فراهم کند. این بود که در تمام مراحل کار تقدم فضل و فضل تقدم او را پیش چشم داشتیم و به خود اجازه ندادیم در شیوه کار آن یگانه دستی ببریم. در مورد شیوه کار خود باید بگویم از میان ۱۷ نسخه خطی که برای تصحیح خود به دست آوردیم، اگر با مسامحه تاریخ کتابت کهن‌ترین آنها را با احتمال تا اواخر سده نهم هم عقب ببریم، باز هم بیشتر از چهارصد و پنجاه سال با زمان تالیف کتاب فاصله داشت و بنابراین هیچ یک نمی‌توانست و به دلایل نسخه‌شناسی آن اهمیت و اعتبار را نداشت که به عنوان نسخه اساس مبنای کار قرار گیرد و بقیه نسخه‌ها با آن مقایسه شود. این بود که اینجا هم به تبعیت از فیاض ناگزیر بودیم شیوه التقاطی را برگزینیم، تنها امتیازی که می‌توانستیم به آن تکیه کنیم، داشتن چهار نسخه خطی یک جهت و متفاوت و البته محکم‌تر و کهن‌سال‌تر بود که وقتی هر چهار نسخه را بر سر یک ضبط متفق و هم‌عنان می‌یافتیم، کمتر می‌توانستیم در انتخاب آن ضبط تردید به خود راه دهیم. با این حال اختلاف دیگر نسخه‌ها را که از نظر ما کم‌اعتبارتر هم بود، نادیده نگرفتیم و در حاشیه می‌دادیم تا خواننده را از داشتن گونه‌های زبانی، غلط‌خوانی‌ها و حتی تصرفات بی‌جا و با جای دستنویس‌ها محروم نگذاریم. هنگام مقایله هر پنج چاپ قبلی هم پیش روی ما بود و از همه آنها مثل نسخه خطی استفاده می‌کردیم و اختلاف آنها را هم می‌دادیم. در این میان برای چاپ فیاض به دلیل اهمیت آن و نیز به دلیل ضرورت پاسداری از حرمت کار او، حساب ویژه‌ای باز کرده بودیم و برای آن که ضبط‌های آن را بر جسته و شناختن نشان بدهیم، همه جا با دقت تمام در زیرنویس با نام کامل و نه با علامت اختصاری، از آن یاد کرده و اختلاف‌ها را می‌دادیم.

**در باره تعلیقات و فهرست نویسی هم امکان دارد که بفرمایید چه کرده‌اید؟**

تعلیقات این کتاب را در سه بخش عمده مطرح کردیم. تعلیقات عام که عبارت است از توضیحات



تاریخ بیهقی را تصحیح می‌کردیم، بنا گذاشتیم تا در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد کلاس آزاد بیهقی خوانی بگذاریم تا اسفند ۸۳ که همان چاپ پیشین فیاض را می‌خواندیم؛ در ضمن بیهقی خوانی هم به غلط‌های چاپی و ابهام و اجمال‌هایی برمی‌خوریم که آنها را در حاشیه نسخه خود یادداشت می‌کردیم. بعد به فکر افتادیم که از چاپ‌های دیگر کتاب هم نسخه‌ای تهیه کنیم. چاپ مورلی در هیچ کتابخانه ایرانی نبود، به جز در کتابخانه وزیری یزد که با زحمت زیاد CD این چاپ را به دست آوردیم و مثل یک نسخه خطی کنار دستمان گذاشتیم. نسخه «فاضلیه» را هم قبلاً از کتابخانه آستان قدس رضوی تهیه کرده بودیم، در فهرست‌ها به دنبال نسخه‌های دیگر بودیم که متوجه شدیم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران چند نسخه‌ای هست. مشخصات چهار نسخه را دادیم که دوستی برایمان تهیه کرد. وقتی با متن فیاض مقایسه کردیم دیدیم به زحمتش می‌آزد که اختلاف‌ها را روی متن فیاض تا آنجا که ممکن است وارد کنیم و بعد هم به نام خود او به چاپ برسانیم و می‌کشیدیم که حتی صفحه‌بندی چاپ ۸۳ فیاض به هم نخورد. پیش‌تر که رفتیم، رمز برخی از نسخه‌های فیاض برایمان گشوده شد و این زمانی بود که به تعداد بیشتری از نسخه‌ها دست یافته بودیم. تغییرات اندک اندک بیشتر شد و دیگر قادر نبودیم سامان صفحه‌بندی چاپ فیاض را حفظ کنیم. در این مرحله برخی دیگر از نسخه‌های کتابخانه مرکزی را از نزدیک دیدیم و در گام بعدی، چند نسخه دیگر از کتابخانه مجلس به دست ما رسید و دیگر تردیدی نداشتیم که داریم یا توجه به چاپ فیاض تصحیح تازه‌ای از تاریخ بیهقی به دست می‌دهیم. این اختلاف‌ها را با هر کس که در میان می‌گذاشتیم با شگفتی رویه‌رو می‌شد و در نهایت چاره‌ای جز قبول آنها نبود. به این ترتیب بود که ناخواسته یا شاید هم دلخواسته سرازوادی تصحیح تاریخ بیهقی درآوردیم. از همان آغاز که با تاریخ بیهقی سروکار داشتم، جای خالی فهرست لغات و ترکیبات این کتاب را



کردند، غالباً تصحیح فیاض را مقابل خود داشتند. در واقع نسخه‌های قبلی را می‌گرفتند و بر اساس ذوق و سلیقه و برداشت خود تغییراتی در متن می‌دادند. نسخه خطی تاریخ بیهقی را فقط فیاض و ادیب پیشاوری در اختیار داشتند که بر مبنای همان نسخه خطی، تاریخ بیهقی را تصحیح کرده بودند. البته بیش از همه دکتر فیاض بود که روی تاریخ بیهقی کار کرده بود.

**همکاری شما با آقای مهدی سیدی در زمینه تصحیح تاریخ بیهقی چگونه و از چه زمانی شروع شد؟**

از سال ۶۷ که آشنایی من با رفیق و همکار کنونی ام مهدی سیدی آغاز شد یکی از دغدغه‌های کاری مشترک ما تاریخ بیهقی بود. من تدریس این درس را بر عهده داشتم و سیدی سرگرم پژوهش در تاریخ غزنویان با محوریت تاریخ بیهقی بود. ما آرزوی تصحیح تازه تاریخ بیهقی را البته در سر داشتیم، اما گمان می‌کردیم استاد علی‌اکبر فیاض کار را به جایی رسانده که دیگر به این زودی حاضرورتی برای پرداختن به این کار پیش نخواهد آمد؛ به ویژه که ما فکر می‌کردیم نسخه‌ای سزاوار توجه از این کتاب در دست نیست. طی سال‌های ۷۸ تا ۸۱ که در لندن به سر می‌بردم، به صورت فتنی دو سه نسخه از دستنویس‌های تاریخ بیهقی محفوظ در کتابخانه موزه بریتانیا و دیوان هند را از نزدیک دیدم و صفحات زیادی از آن را با متن چاپی مقایسه کردم. آن روزها مشتاقانه در پی یافتن بخش‌های گمشده تاریخ بیهقی بودم. بنابراین اختلاف‌های لفظی و عبارتی اندک و بسیاری که در این نسخه‌ها می‌دیدم، نظرم را جدی به خود جلب نکرد. به ایران که بازگشتم دانشگاه فردوسی مشهد علاقه مند بود تاریخ بیهقی را که در بازار به شدت نایاب بود تجدید چاپ کند، پیشنهاد کردیم که تجدید حروف چینی و فهرست لغات آن هم تکمیل شود. با آقای سیدی مشورت کردم و چون قول همکاری داد پذیرفتم. فهرست تفصیلی مطالب و عناوین سر صفحات فرد را با کمک هم تکمیل کردیم. به این ترتیب خواسته و ناخواسته مشترکاً به تاریخ بیهقی نزدیک شدیم. از اوایل سال ۸۳ که نمونه‌های چاپی

### آقای یاحقی، نوشتن را از چه زمانی و با چه آثاری شروع کردید و نخستین کتاب‌های شما در چه زمینه‌ای است؟

نخستین کتاب من یک تفسیر قرآن بود که به «تفسیر شنقوشی» معروف است. بعدها تفسیر «روض الجنان» را که تفسیر قرآن به قلم ابوالفتح رازی است، در بیست جلد تصحیح و منتشر کردم. به دنبال آن «فرهنگنامه قرآنی» را در پنج جلد به دست چاپ سپردم. یک ترجمه فارسی قرآن هم دارم که به «ترجمه قرآن ری» معروف است. در حوزه شاهنامه پژوهی کتاب «پهین‌نامه باستان» خلاصه و شرح بخش‌هایی از شاهنامه را کار کردم. در زمینه سفرنامه نویسی هم چند کتاب نوشته‌ام که «جزیره بی‌آفتاب»، سفرنامه انگلستان من است، زمانی که در دانشگاه این کشور تدریس می‌کردم. بعد، خاطرات دوران کودکی و نوجوانی ام را به نام «آن سال‌ها» در قالب سفرنامه -خاطره نوشته و چاپ کردم، که جلد دوم آن هم آماده چاپ است. کتاب دیگری در جریان سفر به آسیای میانه به نام «از جیحون تا و خش»، همراه دوستم آقای سیدی نوشتم. «راهنمای نگارش و ویرایش» را که تاکنون بیش از ۲۵ بار چاپ شده به اتفاق آقای دکتر ناصح نوشته و منتشر کردم. دو کتاب ترجمه کردم که یکی به نام «تاریخ سیسیل در دوره اسلامی» منتشر شد و کتاب دیگر نیز به اسم «تاریخ تفکر هند» به بازار آمد. در زمینه ادبیات معاصر کتاب «چون سبوی تشنه» را نوشته و منتشر کردم که شکل تکامل یافته و تغییر وضعیت یافته‌اش به نام «جویبار لحظه‌ها» به بازار آمد.

### تصحیح تازه‌ای از «تاریخ بیهقی» را با همکاری آقای مهدی سیدی منتشر کرده‌اید، در حالی که تصحیح‌های مختلفی از تاریخ بیهقی موجود است، چه ضرورتی شما را به این کار واداشت؟

سال ۱۷۳ اولین چاپ «تاریخ بیهقی» را منتشر کردم که به اسم «دیبای خسروانی» به بازار آمد. این کتاب انتخابی از متن تاریخ بیهقی با رویکرد و شکل خاصی بود که با همکاری آقای سیدی، همراه با شرح و توضیحات به دست چاپ سپرده شد و تا الان هم بیش از ۱۰ بار چاپ شده است. از سبوی، نسخه «تاریخ بیهقی» که امروز همراه با مقدمه، تعلیقات و توضیحات و فهرست نویسی تصحیح و در دو جلد منتشر کرده‌ایم، از اساس با نسخه‌ای که فیاض تصحیح کرده، فرق دارد. نسخه فیاض مربوط به قرن نهم و دهم و یازدهم بود که تصحیح کرده‌اند. اما تصحیح ما بر اساس نسخه‌ای نویافته و چندین نسخه از منابع مختلف صورت گرفته که یکدیگر را کامل می‌کردند و نقاط ضعف و قوت یکدیگر را می‌پوشاندند. بنابراین، چاپ جدید تاریخ بیهقی سیمای تاریخ بیهقی موجود در بازار را دگرگون خواهد کرد.

**بعد از فیاض افراد دیگری مثل دانش پژوه، خطیب رهبر و دیگران هم روی تاریخ بیهقی کار کرده‌اند...**

بله، این افراد هم نسخه تازه‌ای از تاریخ بیهقی در اختیار نداشتند، همچنان که نسخه‌هایی که ما از کشورهای مختلف چون انگلستان، هند و پاکستان و تهران فراهم کردیم، در اختیار فیاض نبود. افرادی که پس از فیاض به تصحیح این متن گرانگسگ اقدام



و تعلیقات عام لغوی، زبانی، مأخذ و منابع امثال، اشعار و هر آنچه به فهم بهتر متن کمک می کند به ترتیب صفحات که موارد تعلیق در متن هم با ستاره مشخص شده است. تعلیقات تاریخی با اختصار هر چه تمام تر، به ترتیب الفبایی نام اشخاص و اقوام و دودمان ها و در نهایت تعلیقات جغرافیایی به ترتیب الفبایی اسامی امکانه. در این دو مورد اخیر مخاطب خود را متخصصان آگاه به کلیات تاریخ و جغرافیا فرض کردیم و بنابراین از توضیحات اضافی و غیر مرتبط با تاریخ بیهقی خودداری کردیم.

در هر سه مورد این تعلیقات از منابع دست اول و تخصصی سود بردیم. در شرح موارد مبهم و دشواری های کتاب همه کارهایی که پیش از ما صورت گرفته، اعم از کتاب ها و مقالات و یا توضیحات شارحان پیشین از ادیب پیشواری و محمدعلی جوهری گرفته تا سعید نفیسی و فیاض و خطیب رهبر و مقاله های یادنامه بیهقی و پژوهش های اندک و بسیار بعدی ها همه را دم دست داشتیم و به آنها ارجاع داده ایم. در این میان از ذکر خطاها و نادرستی های شارحان قبلی هم چشم نپوشیدیم. تا آنجا که تعلیقات ما در حد خود گاه می تواند در حکم نقد کار شارحان قبلی به شمار آید. در تغییر موارد مجمل و مبهم به خود متن رجوع کردیم، سپس به متون عصر غزنوی و سلجوقی و سایر متون. این کار هم در مورد مباحث لغوی و زبانی صورت گرفته و هم برخلاف معمول در مورد اجمال های تاریخی، برای شرح و تغییر تاریخ بیهقی شعر دوره سامانی و غزنوی که عموماً در خراسان و ماوراءالنهر پدید آمده، به ویژه دیوان سه شاعر بزرگ این دوره یعنی فرخی، منوچهری و عنصری که در واقع هم روزگار با بیهقی در دربار مسعود زیسته و ناظر اغلب حوادث کتاب بوده اند، بسیار به کارمان آمد. فهرست های چندگانه کتاب را برای راهنمایی پژوهشگران و سهولت امر مراجعه به کتاب لازم دیدیم. ما معتقدیم یکی از دلایل کم توجهی نسبی به تاریخ بیهقی به ویژه از سوی تاریخ نگاران روزگار ما نداشتن فهرست های کارگشا برای این کتاب بوده است و با به دست دادن این فهرست ها خواسته ایم جنبه های گوناگون و وجوه اهمیت کتاب را برای ورود به زمینه های مختلف آن خاطر نشان کنیم. در این میان به طور خاص فهرست لغات و ترکیبات را قدری مبسوط و حدوداً بسامدی گرفتیم تا خود به مثابه کشف الکللماتی باشد برای این متن پرارزش تاریخی، ادبی و اجتماعی. فهرست مطالب آغاز کتاب را هم قدری مبسوط تر استخراج کردیم تا نکته های تاریخی و صحنه های متنوع و متفاوت کتاب را آشکارتر و برای جویندگان آسان یاب تر کنیم.

**شیوه تاریخ نگاری بیهقی چه تفاوتی با دیگر مورخان دارد که این اثر را ماندگار کرده است؟**

تاروگار بیهقی کتاب های تاریخ معتبری همچون تاریخ بلعمری، تاریخ سیستان، زین الاخبار یا تاریخ گردیزی به فارسی و اخبار الامم و الملوک، تاریخ یمینی، غرالسیر و بسیاری دیگر به عربی نوشته شده، ولی هیچ یک به دقت و زیبایی کار بیهقی از آب در نیامده است.

بیهقی روشی دقیق و سبکی زنده و جامع در تاریخ نگاری برگزیده است که پیشینیان او فاقد آن بودند. وی عمده منابع پیش از خود را خوانده و آنچه را دیده و شنیده بر خواننده هایش افزوده است. خود او می گوید: «تاریخ ها دیده ام بسیار که پیش از من کرده اند و من که بوالفضلم کتاب بسیار فرو نگرستم. خاصه اخبار و از آن نقاط ها کرده.» بنابراین بیهقی مایه تاریخی لازم را داشته، علاوه بر آن ایام جوانی در اندیشه تدارک تاریخ نویسی بوده و هر جا نکته ای بوده به قول خودش در آن می آویخته است و بر تقویم هر سال تعلیق (یادداشت) می کرده است. مجموعه همین یادداشت هاست که یک بار مفقود شده یا برخی آنها را به قصد ناچیز کرده اند و بیهقی بر فقدان آن «روضه های رضوانی» بسیار دریغ خورده است که اگر می بود این تاریخ بدان چیزی نادر می شد. در اخلاق عملی و شیوه تاریخ نگاری بیهقی به حد کفایت سخن گفته اند. بر این اساس می توان گفت بنیاد اندیشه

در شیوه تاریخ نگاری بیهقی «قضا محوری» است. در همان آغاز کتاب اعلام می کند «و قضای ایزد عزوجل چنان رود که وی خواهد و گوید و فرماید. نه چنان که مراد آدمی در آن باشد». این تقدیرمداری ظاهراً با دقت در جزئیات و علت یابی رویدادها تناقض دارد. همین ویژگی دوم سبب شده که بیهقی سخن خود را در لغافه ادبیات پنهان کند، به طوری که شیرینی سخن و جاذبه تاریخ او چنان خواننده را با خود می برد که هرگز حس نمی کند که با اثری کاملاً تقدیرگرایانه مواجه است. با این حال برای پی جویی فلسفه سیاسی ایران، تاریخ بیهقی پیش از سیاست نامه هم می تواند نظر پژوهنده را به خود جلب کند. یا مثلاً برای تحلیل مسائل اجتماعی عصر مولف و شناخت جامع عصر غزنوی، و به عنوان مستوره برای همه دوره های مفید باشد. اهمیت چندگانه تاریخ بیهقی سبب شده که معاندان و موافقان هر دو با این کتاب سروکار داشته باشند. معاندان پس از بیهقی و چه بسا به تحریک کسانی که رویدادهای کتاب وی موجب رسوایی آنان بوده، در این کتاب به دیده بغض بنگرند و در مسیر انتشار آن اخلال کنند و یا حتی در نابودی آن بکوشند. به سبب همین تلاش های مغرضانه تنها بخشی از کتاب سر از حوادث ایام به سلامت برده و همان هم قرن ها از دسترس تاریخ نگاران دور ماند.

**تاریخ بیهقی را باید به عنوان یک اثر ادبی یا کتاب تاریخی محض ارزیابی کرد؟**

این پرسش همیشه مطرح بوده است که تاریخ بیهقی تاریخ است یا ادبیات؟ کتاب بیهقی بی تردید متنی است تاریخی و مبتنی بر واقعیت که با قلمی فاخر، شیوا و موثر نوشته شده است. همین خصیصه دوم که در بیهقی به کمال هست سبب شده است که آن را به حوزه کارهای ادبی سخت نزدیک کند تا آن پایه که اغلب آنها که به مر تاریخ توجه دارند، زبان آراسته و موثر بیهقی را که می تواند خواننده را در جریان حوادث تحت تاثیر قرار دهد و او را با نویسنده هم عقیده و هم نظر کند، دور از واقعیت تاریخ دانسته و آن را یکسره اثری ادبی قلمداد کرده اند. واقعیت این است که اثر بیهقی را می توان متنی تاریخی - ادبی دانست که تاریخی حماسی و پرنشیب و فراز را با قلمی فاخر و زبانی باشکوه و پرنینالی روایت کرده است.

کتاب بیهقی اگر تاریخ است، چرا این همه دلنشین و تاثر انگیز و درعین حال خریدپذیر از کار درآمده است؟ بیهقی بی تردید متنی است تاریخی و واقعهگرا و نه اثری عاطفی و صرفاً خیالی پردازانه. اما آیا هر اثر تاریخی حتی اگر با قلمی شیوا و فاخر نوشته شده باشد می تواند تا این حد به توفیق دست یابد و در میان آثار ادب یک ملت تا این پایه قله نشینی کند؟ تاثیر کلام و پیام بیهقی در چیست؟ در مضمون در جادوی زبان، در اعتقاد و اخلاصی که نویسنده از خود به خرج داده، یا در هر سه؟ کتاب بیهقی آیا بیشتر خسروانی است یا پرنینالی؟ و اصلاً چرا بیهقی مورخ کتاب خود را دبیبی خسروانی خوانده است؟ آیا می توان گفت که او با این نامگذاری اثر خود را متنی تاریخی - ادبی دانسته است؟

**ویژگی و خصوصیات زبانی تاریخ بیهقی را چگونه می توان تبیین کرد؟**

برای آن که به وجه ادبی کتاب و بخشی از پرسش شما بهتر و روشن تر پاسخ دهیم، به پاره ای از جنبه های ادبی تاریخ بیهقی اشاره می کنم. تاریخ بیهقی در واژگان و نحو و قالب جمله تصرفاتی کرده و نثری آفریده که هر ناآشنای غیر متخصص که مقداری از کتاب را خوانده باشد زبان و سبک آن را با هیچ کتاب دیگری اشتباه نمی کند. در زبان فارسی و شاید در بسیاری از زبان های دیگر هم کتابی نمی توان پیدا کرد که تا این پایه با سبکی شخصی و انحصاری نوشته شده باشد. توصیف این تصرفات زبانی برای یک محقق کار ساده ای نیست. بیهقی با به کار بردن جملات کوتاه، پس و پیش کردن ارکان جمله، حتی گاه به شیوه زبان عربی و با تقدیم فعل و قید یا استفاده از فعل مجهول به جای معلوم، انسجام تازه ای در ساختمان جمله و در نتیجه دریافت سخن هیات و ترکیب بدیعی پدید آورده است. درباره هنر نویسندگی

بیهقی با تاکید بر جنبه های لفظی و واژگانی مقاله شادروان غلامحسین یوسفی در یادنامه بیهقی بر کار دیگران مقدم است. «متن در غیاب استعاره» نام کتاب دیگری به قلم سینا جهانپنده به بررسی ابعاد زبانشناسی تاریخ بیهقی پرداخته است. کتاب جنبه های ادبی در تاریخ بیهقی، تالیف حمید عبداللهیان با تفصیل بیشتر جنبه های ادبی کتاب را مورد مطالعه قرار داده است. عباسقلی محمدی در کتاب بنیان های استوار ادب فارسی، با تحقیق در کارکردهای نثر فارسی تحلیل تازه و تفصیلی تنها از داستان حسنک وزیر به دست داده است.

با این حال اگر بخواهیم از بعضی مشخصه های سبکی بیهقی که تقریباً به خود او منحصر است یا اگر دیگرانی هم دارند به احتمال زیاد از او وام گرفته اند، اغراق های مشخص اوست که به نظر می رسد قالب و هیاتی منحصر به فرد پیدا کرده و به نام او رقم خورده است.

**جدد از ویژگی های سبکی و زبانی و جنبه های ادبی تاریخ بیهقی که برای شاعران و نویسندگان معاصر می تواند جذاب و آموزنده باشد، مطالعه این اثر برای خوانندگان عام چه فایده ای دارد؟**

در تاریخ بیهقی فواید باریک تاریخی و فرهنگی کم نیست و می توان از این جهت کتاب را دوباره مورد مطالعه قرار داد. مثلاً در سرگذشت حضرت رضاع(ع) و موضوع ولایتعهدی آن حضرت، نکته های باریکی است که تاکنون به دلیل نداشتن فهرس لازم کمتر به آن توجه شده است، یا فی المثل اطلاعاتی درباره وقف و موقوفات در این کتاب هست که باید آن را در زمره کهن ترین آگاهی های مربوط به وقف و بالاخص موقوفات آستان قدس رضوی به حساب آورد. از آن جمله اشاره به آبادانی مشهد علی بن موسی الرضاع(ع) یا به قول بیهقی آثار خوش بویگر شمرد که خدای فائق الخادم خاصه که سوری در آن زیادت های بسیار فرمود و مناره ای کرد و دیهی خرید فاخر و به آن وقف کرد. اطلاعات ارزشمند دیگری در خصوص سنت حسنه وقف در این کتاب هست که ما در مقاله ای مستقل همه را مورد بررسی قرار داده ایم. در تاریخ بیهقی به سنت ها و آداب و رسوم زیادی از زندگی عصر غزنوی و تشریفات و آداب و رسوم و مشاغل درباری اشاره شده که بسیاری از آنها در روزگار ما متروک مانده و از یادها رفته است و نیاز به بازشناسی و بازخوانی دارد. از نکته های دیگری که از خلال تاریخ بیهقی به خوبی روشن می شود آگاهی هایی درباره رواج زبان فارسی به عنوان زبان رسمی دربار غزنه و ضرورت استفاده از این زبان است، یا آن که سلاطین غزنوی و اغلب رجال دربار آنان ترک هستند، از زبان ترکی تنها در موارد خاصی و آن هم به ضرورت استفاده می شود. در کتاب بیهقی زندگی جامعه عصر غزنوی به ویژه در سطوح بالا به نحو شاخصی ترسیم شده است. طبقات مختلف اجتماعی با آنکه معمولاً به دربار راه نداشته اند، از دید بیهقی مخفی نمانده اند.

**آیا تاریخ بیهقی را به دلیل ارزش و اهمیت می توان**

**با کتاب دیگری در زبان فارسی مقایسه کرد؟**  
از میان آثار ادبی فارسی به سادگی نمی توان یکی را برگزید و با تاریخ بیهقی سنجید، اما شاهنامه فردوسی به دلایلی با این کتاب قابل مقایسه است. گذشته از مشابهت های آشکار میان زمان، زندگانی و شخصیت صاحبان آن دو، برخی همانند های دیگر محتوا و چگونگی پیدایش آن دو اثر را به هم نزدیک می کند. به خصوص دغدغه های هر دو در انعکاس

**کتاب بیهقی متنی است تاریخی و مبتنی بر واقعیت که با قلمی فاخر نوشته شده است. همین خصیصه دوم که در بیهقی به کمال هست سبب شده که آن را به حوزه کارهای ادبی نزدیک کند**

اوضاع نامساعد سیاسی - فرهنگی و چشم انداز نگران کننده ای که ایران با آن مواجه بوده بسیار شبیه یکدیگر است و حدس عنایت ویژه بیهقی به اثر سترگ فردوسی را تقویت می کند، برخی از این مشابهت ها از این قرار است:

فردوسی و بیهقی هر دو پیش از شروع به تالیف درصدد گردآوری اطلاعات و فراهم آوردن مقدمات کار خود بوده اند. از قضا هر دو در سن ۶۵ سالگی سلطان وقت را مخاطب ساخته و از او برای تثبیت اثر خویش چشم یاری داشتند. و هر دو در حدود ۸۵ سال زیستند و در عمری چنان گرانسنگ تنها یک اثر خلق کردند و تا واپسین لحظه های حیات به تکمیل همان یک اثر مشغول بودند. از این گذشته، غرض اصلی پدید آوردن گان این دو اثر روایت اوج و حضیض دوره ای از تاریخ پرشکوه ایران بوده است. با این تفاوت که یکی تاریخ گذشته را برگزیده و به زمان حال پیوند داده است و دیگری روزگار نزدیک به خود را مبنای کار ساخته و حسرت های گذشته را در آینه آن دیده است. همین ویژگی تاریخ بیهقی را آینه گویایی از مسائل گوناگون دربار غزنه و جامعه قرن پنجم ایران معرفی می کند. از همه اینها گذشته، با آن که بیهقی به هر دلیلی از فردوسی در کتاب خود نامی نبرده است، ما برآنیم که شاهنامه پیش چشم او بوده و از زبان و بیان حماسی فردوسی نیز تاثیر پذیرفته است. تا آنجا که هیچ کس نمی تواند فی المثل توصیف پرهیجانی را که بیهقی از جنگ طلخاب سرخس که خود ناظر آن بوده، با آنچه در جلد ششم شاهنامه آمده قابل مقایسه نداند. در توجیه این مشابهت می توان گفت که فردوسی و بیهقی در دو سوی برهه ای از زمان ایستاده اند که تاریخ ایران از اوج آزادی و شکوه و خردگرایی دیرین خویش به نشیب بندگی و بی نوایی روی آورده است. زمانی که فردوسی با نظم شاهنامه به منظور زنده کردن تاریخ باشکوه پیشین ایران غم تیره روزی قریب الوقوع این سرزمین را می خورد، بیهقی با به عرصه هستی می گذارد تا آینده ای را که فردوسی پیش بینی کرده بود، تجربه کند. چنین است که میان این دو اثر شباهتی بی نظیر جلب توجه می کند.

**اگر درباره «تاریخ بیهقی» حرفی مانده لطفاً بفرمایید.**  
حرف که بسیار است، اما چاپ تازه تاریخ بیهقی مدعی است که باید آن گونه که مستحق است جایش را در جامعه باز کند و در میان نسخه های موجود از این اثر، امتیازات و ویژگی های این تصحیح که سال ها وقت صرف آن شده (از سال ۸۲ تا ۸۸) هر چه بهتر شناخته و مطرح شود، برای این که سیمای تازه ای از تاریخ بیهقی به دست می دهد و یک اصل مسلم را زیر سوال می برد و آن اصل مسلم پاسداری از بت های ذهنی است که ما معمولاً برای خود می سازیم. و در این مورد در مقدمه کتاب نوشته ایم که ما تصور می کردیم دکتر فیاض همه آنچه را درباره تاریخ بیهقی لازم است در تصحیح خود آورده و همه را گفته و تمام وجوه این اثر را شناسانده است. در حالی که وقتی به متن نزدیک شدیم، به این نتیجه رسیدیم که ناگفته های بسیاری در این تصحیح هست که از دست فیاض در رفته است و ما متوجه شدیم که هر کار بزرگی حتی به قلم آقای فیاض قابل تجدید نظر است و کمبودها و ضعف هایی دارد که باید به دست دیگران کامل شود.

بخشی از این تجدید نظر به دلیل مقتضیات زمانه و امکانات بیشتر در این دوره است. در حالی که آنها در روزگار خود این امکانات را نداشتند. می خواهم بگویم که نباید تصور کرد هر چه که آنها کردند، درعین حرمت گذاری به کارشان و احترامی که برای شخصیت ایشان قایلیم، خدشه ناپذیر است. این اصل برای ما بسیار مهم است، یعنی باید جرئت کرد و رفت سراغ آثاری که آن بزرگان تصحیح کرده اند. نباید کار آنها را مقدس و دست نیافتنی تصور کرد و برای خود تابوئی ساخت که نتوان به آن نزدیک شد. همچنان که ما سال ها تصحیح فیاض از تاریخ بیهقی را برای خود تابو ساخته بودیم و برای تجدید نظر و نقد تطبیقی به آن نزدیک نمی شدیم و آن را دور از دسترس تصور می کردیم. این یکی از دستاوردهای مهم ما در نزدیک شدن به تاریخ بیهقی بود.

ارزیابی ناشران و وزارت ارشاد از هدفمند کردن یارانه در حوزه نشر بعد از سه سال

# الگوی موفق در مسیر تفاهم پایدار



و مراکز انتشاراتی بود که هدف آن کاهش هزینه های تولید و فروش کتاب بود که این طرح اکنون به تصویب شورای شهر رسیده است.

عضو اتحادیه درباره خرید کتاب توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می گوید: «نظر اتحادیه این بود که خرید کتاب بر اساس ضوابط و آیین نامه های مشخصی صورت بگیرد. در این صورت، اگر کسی کتابش خریداری نشد، می تواند با استناد به آن آیین نامه و مقررات، احقاق حق کند.»

وی درباره بن های الکترونیکی و یارانه هایی که به خریداران داده می شود، به برگزاری نمایشگاه های استانی کتاب اشاره می کند و می گوید: «در این نمایشگاه ها ۲۰ درصد از طرف ناشر و ۲۰ درصد از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تخفیف داده می شود و در مجموع این تخفیف ۴۰ درصدی باعث متضرر شدن کتابفروشی های شهرستان ها و در نهایت نارضایتی آنها شده است و از آنجا که کتابفروشی ها، متحد راهبردی موسسات نشرند، ما

نسبت به این نحوه ارائه یارانه انتقاد داریم.» پایدار درباره تاثیرات حذف یارانه کاغذ بر قیمت تمام شده کتاب و میزان فروش آن می گوید: «زمانی که یارانه کاغذ به ناشران پرداخت می شد، این طور نبود که قیمت گذاری بر اساس یارانه باشد، زیرا هزینه کاغذ تنها بخشی از هزینه های تولید کتاب است.»

وی تاکید می کند که سه برابر شدن قیمت کاغذ به معنی سه برابر شدن قیمت کتاب نیست و این افزایش در این سه سال در نهایت ۶۰ تا ۷۰ درصد قیمت قبلی بوده است.

از نظر این ناشر دانشگاهی، افزایش یا کاهش فروش تعداد کتاب ها، بستگی چندانی به آزاد شدن قیمت کاغذ ندارد. وی معتقد است حذف یارانه کاغذ، تاثیرات منفی بر ادامه کار نشر نداشته و حتی برای ناشران حرفه ای موقعیت مغنمی ایجاد کرده تا با توجه به رقابتی تر شدن اقتصاد نشر، به کیفیت کتاب هایشان اهمیت بیشتری بدهند.

عضو هیات مدیره اتحادیه می گوید: «با توجه به شرایط موجود و نحوه اجرای سیاست های جایگزین، فکر نمی کنم اتحادیه از وضعیت فعلی راضی باشد. اتحادیه انتظار داشت تا درباره تصویب طرح هایی که به عنوان جایگزین یارانه مستقیم در مجلس و شورای اسلامی شهر مطرح کرده بود، ارشاد هم به کمک اتحادیه می آمد که این اتفاق نیفتاد و ما به تنهایی پیگیر این قضایا بودیم. اتحادیه معتقد است مجموعه ای از برنامه ها و طرح ها از جمله کاهش هزینه های راه اندازی مراکز نشر و فروش و پخش کتاب در قالب یک مجموعه سیاست گذاری، می توانست حذف یارانه را جبران کند.»

مسعود پایدار، در مجموع موضع گیری اتحادیه نسبت به حذف یارانه را مثبت ارزیابی کرده، می گوید: «اگرچه بعضی از خواسته های اتحادیه محقق نشده، اما نه به این معنا که به روز نخست برگردیم و بگویم که باید به کاغذ یارانه بدهند بلکه ما باید تلاش کنیم تا سیاست های جایگزین به صورت اصولی اجرا شوند.»

«چرا از ما خریداری نمی شود؟» بی معنی است  
امادر کنار ناشران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی امور فرهنگی کشور، درباره حذف یارانه کاغذ و سیاست های جایگزینی که این وزارتخانه متولی آن است، نظرانی دارد.

ادامه در صفحه ۱۲

محمد قاسم صالح رامسری، مدیر انتشارات پویای معین، درباره شرایط جدید کار نشر پس از حذف یارانه می گوید: «خیلی از شرایط موجود راضی نیستیم. وقتی چیزی را می گیرند، قاعدتا باید چیز دیگری را جایگزینش کنند. قرار بود در ازای حذف یارانه، به شکل دیگری از ناشر حمایت کنند، اما عملاً حمایت چندانی صورت نگرفته است.»

رامسری می افزاید: «اوایل، خرید کتاب خوب بود، اما الان بعضی از کتاب ها را نمی خرند یا با شمارگان بسیار پایین می خرند.» وی در مورد وضعیت کیفی کتاب های چاپ شده در این سه سال می گوید: «شرایطی پیش آمده که من و بسیاری از همکارانم مجبوریم کار روی کتاب های جدی و با کیفیت را کمتر کنیم و در حقیقت، مجبوریم روی کتاب هایی سرمایه گذاری کنیم که خواننده عام دارند. به طور مثال، کتاب «تاریخ چاپ سنگی» خواننده عام ندارد و حتی اگر کتاب هایی از این دست را با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه هم چاپ کنیم، باز هم مدت ها زمان می برد تا آنها به فروش برسند. چاپ چنین کتاب هایی در این شرایط ریسک بزرگی است.»

وی تاثیر توزیع بن های الکترونیکی در فروش کتاب را بسیار ناچیز می داند و می افزاید: «این کارت به افراد خاصی داده می شود که در همان نمایشگاه کتاب، خریدشان را انجام می دهند و باز هم مامی مانیم و توده مردمی که باید کتاب بخوانند.»

مدیر انتشارات پویای معین از کسانی بود که در ابتدا با اجرای این طرح موافق بود، اما اکنون معتقد است: «خرید کتاب در درازمدت به همان جایی ختم می شود که مساله کاغذ رفت.»

**به نحوه پرداخت یارانه ها انتقاد داریم**  
مسعود پایدار، یکی از اعضای هیات مدیره اتحادیه ناشران و کتابفروشان و مدیر مسوول نشر کتاب دانشگاهی، در این باره می گوید: «اتحادیه از ابتدا با حذف یارانه کاغذ موافق بود و کماکان نیز موافق است. در واقع، پیشنهاد اتحادیه این بود که این یارانه از حالت مستقیم خارج شود.»

پایدار درباره نحوه این تغییر می افزاید: «اتحادیه معتقد بود که این یارانه باید به صورت هدفمند به زیرساخت های کتاب اختصاص داده و صرف برنامه هایی شود که بتوانند به مسائل کلان نشر و کتابفروشی پاسخ دهند و یکی از موارد جایگزینی هم که اتحادیه در آن زمان مطرح کرد، طرح تخصیص کاربری فرهنگی برای کتابفروشی ها، توزیع کنندگان

قیمت، وارد این عرصه شده بودند تا با دریافت حواله کاغذ و فروش آن در بازار آزاد، منافع مادی خود را تامین کنند.

هجوم ناشران برای دریافت کاغذ دولتی، باعث می شد تا ناشرانی که کار اصلی شان نشر بود و به طور جدی به تولید کتاب می پرداختند، مجبور به خرید کاغذ از بازار آزاد و در گردونه رقابت با سایر رقبا دچار مشکلاتی جدی شوند. تمام این مسائل باعث شده بود تا جامعه ناشران با وجود مشکلات اقتصادی، نخستین گروهی باشند که مشتاقانه به دنبال قطع کمک های دولتی باشند.

در هر صورت، آزادسازی قیمت کاغذ، تاثیرات جدی را بر قیمت گذاری کتاب ها اعمال می کرد و پیش بینی بسیاری از کارشناسان این بود که حذف یارانه در همان سال اول باعث رشد ۳۰ تا ۵۰ درصدی قیمت کتاب خواهد شد و این پیش بینی عملاً به وقوع پیوست. این افزایش قیمت در جامعه ایران که سرانه مطالعه مطلوب نیست، می توانست مسائل زیادی را برای ناشران ایجاد کند. از این رو وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طبق بند «ز» ماده ۱۰۴ قانون برنامه چهارم، مکلف شد تا با رویکرد تغییر نظام پرداخت یارانه از تولیدکننده به سمت مصرف کننده، به صورتی کاملاً غیرمستقیم از ناشران هم حمایت کند.

اگر تا پیش از این ۶۰ میلیارد تومان یارانه ای که به بخش کتاب اختصاص داده شده بود، به واسطه کاغذ، به طور مستقیم به خود ناشر پرداخت می شد، از این به بعد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طبق قانون موظف شد تا این یارانه را به صورت مستقیم به دست مصرف کننده برساند. به همین دلیل، پس از بحث ها و نشست هایی که با حضور کارشناسان و نمایندگان تمام دست اندرکاران حوزه های مختلف نشر برگزار شد، تصمیم گرفته شد این بار یارانه، مستقیماً به دست کتابخوانان برسد. سیاست های جایگزین یارانه مستقیم کاغذ شامل خرید کتاب های مناسب از ناشران و اعطای بن های الکترونیکی به مصرف کنندگان کتاب بود.

**خرید کتاب به همان جایی می رود که کاغذ رفت؟**

حالا که حدود سه سال از اجرای این طرح می گذرد، برای ارزیابی نحوه اجرای آن و میزان رضایت ناشران از این طرح، در این گزارش سراغ تعدادی از آنها می رویم.

۱۳ تیرماه ۱۳۸۵ خبری منتشر شد مبنی بر این که یارانه کاغذ از فهرست کالاهای یارانه ای حذف می شود.

شورای اقتصاد به این نتیجه رسیده بود که از ابتدای سال ۱۳۸۶ یارانه کاغذ حذف شود. صنعت نشر انتخاب شده بود تا نخستین گام های دولت برای هدفمندسازی یارانه ها را تجربه کند. اگرچه تا یک سال بعد از این تاریخ، کاغذ یارانه ای که با قیمت بندی هشت هزار تومان همچنان توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تعاونی ناشران توزیع می شد، اما خبر خروج کاغذ از فهرست کالاهای یارانه ای باعث شد تا قیمت آن در بازار به صورت ناگهانی تغییر کند. سال ۸۵ قیمت کاغذ در بازار افت و خیزهای زیادی را تجربه کرد و حتی به فاصله دو ماه از بندی ۱۸ هزار تومان تا ۳۰ هزار تومان هم بالا رفت به طوری که در پایان سال ۸۵ قیمت آن به بندی ۲۵ هزار تومان رسید.

دلال بازی، ورود انبوه کاغذهای حواله ای با قیمت بالا توسط ناشرانی که فقط برای دریافت یارانه سراغ این حرفه آمده بودند، افزایش ناگهانی قیمت کاغذ در بازار جهانی، تحریم ها، شوک خبر آزادسازی و حذف یارانه کاغذ و... دلایلی بودند که برای این افزایش قیمت تقریباً در برابری مطرح شدند.

این که عامل اصلی این اتفاق کدام مورد بود هرگز کاملاً مشخص نشد، اما کاغذ هم دیگر از برج عاج خود پایین نیامد. اگرچه بعد از آن تاریخ تغییرات محدودی بین بندی سه تا چهار هزار تومان را از سر گذراند، اما متوسط قیمت آن به زیر ۲۵ تومان نیامد و در روزهای پایانی سال ۸۸ هم این قیمت همچنان ثابت باقی ماند.

منصور حاجی آخوندیان، رییس اتحادیه فروشندگان کاغذ و مقوای تهران، با تایید این مساله می گوید: «از اواخر سال ۸۵ تاکنون قیمت کاغذ ۷۰ گرمی بندی حدود ۲۵ هزار تومان مانده و اکنون بعد از سه سال از حذف یارانه، در قیمت کاغذ به ثبات رسیده ایم.»

وی می افزاید: «در بازار آزاد، میزان عرضه و تقاضا قیمت را تعیین می کند و به همین دلیل کاغذ دچار افزایش ناگهانی قیمت نمی شود.» اما این پایان داستان کاغذ نیست...

**ما یارانه نمی خواهیم**  
شاید باور کردنی نباشد که صنعتی به راحتی و بدون دریافت کمک های جایگزین مشابه و کارآمدتر با حذف یارانه موافقت کند. اما اکثر ناشران ایران با وجود این که حذف یارانه کاغذ باعث افزایش هزینه های تولید آنها می شد، از این تصمیم دولت حمایت کردند. حتی پیش از اعلام رسمی دولت در سال ۸۴ نامه ای با امضای ۱۷۰ ناشر بزرگ ایران منتشر شد و آنها خواستار حذف کمک های مستقیم دولت شده بودند. بی عدالتی و رانتخواری در توزیع کاغذ یارانه ای چنان مشکلاتی را برای ناشران ایجاد کرده بود که تصمیم گرفتند عطای یارانه را به لقایش ببخشند.

کمک های دولتی در حوزه توزیع کاغذ، که با هدف کاهش هزینه های تولید و کمک به ناشران انجام می شد، تبدیل به گردابی شده بود که شرایط رقابت سالم را در بازار نشر از بین می برد. در حالی که در بسیاری از کشورهای دنیا تعداد ناشران به زحمت به ۵۰۰ نفر می رسید، در ایران ۹۰۰۰ جواز نشر صادر شده بود. بسیاری از آثانی که هیچ نسبتی با حوزه فرهنگ نداشتند، به بهانه یارانه و وام های ارزان





# کتاب‌هایی برای تهدید سطح علمی رشته اقتصاد

کتاب «مشاهیر اقتصاد ایران» که از سوی انتشارات تیزهوشان منتشر شده است چهل گفت و گو با چهل کارشناس، استاد، نویسنده و فعال حوزه اقتصاد را دربر می‌گیرد که در آنها رموز موفقیت این افراد، مشکلات و عوامل تهدیدکننده اقتصاد ایران و راه حل‌های پیشنهادی برای رفع آنها و همچنین جایگاه اقتصادی کشورمان در اقتصاد جهانی بررسی شده‌اند.

این موضوع بهانه‌ای شد تا با برخی از استادان، نویسندگان و فعالان این عرصه به بحث درباره کمیت کتاب‌های اقتصادی در بازار نشر ایران پردازیم. به عنوان مقدمه باید گفت که اقتصاد علمی پویاست و ضروری است که این پویایی در کتاب‌های این حوزه نیز مشهود باشد. بدیهی است نظیر سایر علوم، بخش زیادی از آثار اقتصادی، ویژه دانشگاه‌ها نوشته می‌شوند. بنابراین بررسی کتاب‌های دانشگاهی این حوزه بر آثار غیردانشگاهی آن تقدم دارد.

## ترجمه‌هایی بدون نقد کتاب‌هایی بدون کاربرد

شاید افرادی که به طریقی با اقتصاد آکادمیک در ارتباطند، از ضعف علمی رشته اقتصاد در دانشگاه‌ها کشورمان مطلع باشند، امری که تعداد زیادی از استادان و دانشجویان این رشته نیز بر آن مهر تأیید می‌زنند. یکی از اساسی‌ترین عوامل بروز و تداوم این مشکل کتاب‌هایی است که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند. برای بررسی این موضوع، نظر حجت الاسلام دکتر غلامرضا مصباحی مقدم، نویسنده و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) در گروه اقتصاد و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس را جویا شدیم. وی مهم‌ترین چالش کتاب‌های اقتصادی، به ویژه در دانشگاه‌ها را ترجمه‌ای بودن آنها دانسته و می‌گوید: «آثاری که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند ترجمه‌ای یا تالیفاتی مشتق از چند ترجمه‌اند.»

نویسنده کتاب «کلیاتی از اقتصاد اسلامی» تدریس چنان آثاری در دانشگاه‌ها را یک مشکل برمی‌شمرد و می‌گوید: «اقتصاد علمی متناسب با شرایط هر جامعه و شرایط ذهنی، علمی و عینی آن است، شرایطی که در هر جامعه متفاوت با دیگری است. پژوهش‌های صورت گرفته در سایر کشورها با شرایط همان جامعه همخوانی و کاربرد دارد، بنابراین مولفان و مترجمان باید نظریه‌های تولید شده در سایر جوامع را بر اساس شرایطی که در آن زندگی می‌کنند بررسی کرده و آنها را به نقد و چالش بکشند تا به این طریق نظریه‌ای تازه حاصل شود. متأسفانه در دانشگاه‌های ما حتی از آمار و CASESTUDY های

به کار گرفته شده در آمریکا و اروپا استفاده می‌شود، حال دانشجوی ایرانی در رشته اقتصاد چگونه باید به دانش اندوژی در این حوزه پردازد، در حالی که آمار به کار رفته در کتاب‌هایش نیز بومی نیستند.» خودباختگی در عرصه علوم، به ویژه علوم انسانی در برابر غربیان امری تازه در کشورمان نیست. اقدامات مثبت و به واقع تأثیرگذار در این حوزه را نادیده نمی‌انگاریم، اما به هر حال چنین رویکردی سبب سکون علم و عدم توسعه یافتگی می‌شود. دکتر مصباحی مقدم نیز با این نظر موافق است و خودباختگی در برابر اندیشه‌های مسلط بر غرب را از دلایل ضعف آثار دانشگاهی عرصه اقتصاد بر شمرده و می‌گوید: «این خودباختگی سبب می‌شود دانشگاهیان به خود اجازه به چالش کشیدن نظریات را ندهند.»

## ارزش ترجمه‌ها را نگاهیم

درباره این موضوع با دکتر حمیدرضا ارباب، مترجم و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی در رشته اقتصاد و برگزیده هفتمین دوره جایزه کتاب فصل برای ترجمه کتاب «نظریه اقتصاد خرد» نیز به گفت و گو نشستیم. وی که در حدود ۱۰ عنوان ترجمه کتاب‌های اقتصادی با رویکردی دانشگاهی را در کارنامه‌اش دارد، مهم‌ترین چالش فراروی کتاب‌های اقتصادی را در کشورمان ترجمه‌ای بودن و به نقد کشیده نشدن نظریات آنها نمی‌داند. دکتر ارباب معتقد است: «برای به چالش کشیدن نظریات، ابتدا باید آنها را مطالعه کرد. استفاده از نظریاتی که حاصل پژوهش گروهی از بهترین متخصصان است، مطمئناً مفید خواهد بود. به عنوان مثال بیشتر کتاب‌هایی که تاکنون ترجمه کرده‌ام به مبانی و اصول علم اقتصاد می‌پردازند و به نقد کشیدن آنها چندان محلی از اعراب ندارد.»

استفاده از آرای دیگری که پیش از ما راهی را آغاز کرده و در آن به پیشرفت‌های چشمگیر رسیده‌اند، قطعاً مفید است، زیرا در غیر این صورت باید از صفر شروع کرد و دوباره همه‌چیز را از نو ساخت. بنابراین نمی‌توان اهمیت آثار ترجمه‌ای را نیز به یکباره زیر سؤال برد. انتقال آرا و نقد آنها به یک اندازه دارای اهمیت است. دکتر ارباب در این باره می‌گوید: «نباید همواره در پی نقد آرا بود، بلکه باید به انتقال آنها نیز پرداخت. ما می‌توانیم تئوری‌هایی تازه مطرح کنیم، اما در عین حال نباید از نظریاتی که سبب پیشرفت و بهبود وضعیت علمی و عینی اقتصاد می‌شوند غافل باشیم. نگارش برخی از آثار اقتصادی حاصل کار گروه کارشناسان زبده و سرمایه‌گذاری بسیار است و ترجمه آنها عاملی برای تقلیل ارزش آنها به شمار



نمی‌آید. مدام نباید به فکر نقد بود و راه رفته را دوباره تکرار کرد.»

## کتاب‌های شاخص، حاصل سیاست‌های خوب

دکتر ارباب می‌گوید: «انتشار کتاب‌های خوب حاصل سیاست‌های خوبند، بنابراین منتشر نشدن آثار مفید یا انتشار کتاب‌های ضعیف را باید ابتدا در سیاست‌های دستگاه‌های مربوط جست و جو کرد. برای مثال ناشران خصوصی یکی از عوامل موثر در کیفیت آثار منتشر شده هستند و امتیازبندی آنها از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند تا حدودی به حل مسائل این حوزه کمک کند.» این استاد دانشگاه، یکی دیگر از مشکلات کتاب‌های اقتصادی و پایین بودن سطح این رشته در دانشگاه‌های کشور را ناموفق بودن ناشران دانشگاهی دانسته و معتقد است: «این ناشران باید آثار تخصصی بیشتری نسبت به ناشران خصوصی منتشر کنند، اما تاکنون آن چنانکه شایسته است موفق به این کار نشده‌اند، زیرا این ناشران دولتی در مقایسه با ناشران خصوصی در کیفیت چاپ، پرداخت حق الزحمه‌ها، انتخاب آثار، ویرایش، سرعت در انتشار و توزیع ضعیف‌تر عمل کرده و به همین دلیل چندان موفق به تأمین نیازهای علمی کشور در زمینه کتاب نشده‌اند.»

## دانشجویان با کتاب قهرند

فاصله گرفتن دانشجویان و حتی استادان با مطالعه نیز می‌تواند یکی دیگر از دلایل نامطلوب بودن

سطح علمی رشته‌های مختلف در دانشگاه باشد. از سویی اکثر استادان به جزوه‌ها قناعت می‌کنند و از سویی دیگر دانشجویان نیز از مطالعه کتاب‌ها می‌گریزند. دکتر ارباب با این نظر موافق است و می‌گوید: متأسفانه دانشجویان مطالعه گریز شده‌اند و فرهنگ کتابخوانی و خرید کتاب در میان آنان جا نیفتاده است. حل این مشکل به دانشگاه‌ها، استادان و حتی نهادهای دولتی بستگی دارد. باید توجه داشت که توزیع بن کتاب میان دانشجویان به اندازه‌ای که تصور می‌شود برای افزایش سطح مطالعه این قشر مفید نیست. شاید بتوان ادعا کرد که مطمئناً به افزایش مطالعه می‌انجامند، بنابراین بهتر است هدیه کتاب‌های تخصصی و مفید به دانشجویان جایگزین ارایه بن‌های کتاب شود.»

## کتاب‌ها سبب خروج از بحران اقتصادی می‌شوند

بدیهی است که شرایط و سطح علمی هر جامعه از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت آثار علمی حوزه نشر آن است. اقتصاد نیز از این علوم جدا نیست و کتاب‌های این حوزه به هر حال از شرایط پیرامون تأثیر می‌پذیرند. این سخن بدان معناست که پایین بودن سطح کیفی کتاب‌های اقتصادی یا عدم ارایه نظریات تازه در آنها، معلولی از وضعیت نامطلوب اقتصادی در کشورهاست، این موضوع در کشور ما نیز قابل بررسی است. در مقابل این نظر، عده‌ای عکس این قضیه را صادق می‌پندارند. به این معنا که عدم به چالش کشیدن نظریه‌ها در آثار ترجمه‌ای و ارایه نکردن نظریات جدید و راهبردی در علم اقتصاد که می‌تواند در قالب آثار دانشگاهی رخ نماید، کشورها را دچار وضعیتی نامطلوب در اقتصاد می‌کند، زیرا نظریات و پژوهش‌هایی بومی برای برون رفت از بحران‌های اقتصادی وجود ندارد.

دکتر مصباحی مقدم با نظر دوم موافق است و می‌گوید: «مشکلات اقتصادی هر جامعه، ناشن پستوانه‌های نظری صاحب‌نظران و نبود تجزیه و تحلیل آرای مختلف از سوی اقتصاددانان است. تاکنون کمتر شاهد بررسی نظرات گوناگون و ارایه راهکار از سوی کارشناسان اقتصادی کشورمان بوده‌ایم، البته نمی‌توان اقدامات انجام شده را در این زمینه نادیده انگاشت، اما به هر حال این اقدامات جزو کارهای حاشیه‌ای به شمار می‌آیند. مجموعه علمی عظیمی در کشورمان مشغول تدریس و تحقیق هستند، اما اندیشه‌ورزی و اعمال نظر از سوی این مجموعه به ندرت صورت می‌گیرد. متون غربی به عنوان متنی معتبر برای تدریس تلقی می‌شوند و به همین دلیل نقد نمی‌شوند.»

در برابر آنها، دیدگاه‌ها را مورد نقد و مناقشه قرار داد تا به گسترش حلقه‌های علم و آگاهی منجر شود.

نظر دو تن از کارشناسان و نویسندگان اقتصاد را شنیدیم. اما به نکاتی که درباره چالش‌های کتاب‌های اقتصادی گفته شد باید کمبود آثار منتشره در این عرصه را نیز اضافه کرد. اگر به دنبال افزایش سطح علمی دانشگاه‌ها در این رشته و رسیدن به سطوح علمی دانشگاه‌های معتبر دنیا هستیم، باید آمار انتشار کتاب‌هایمان نیز به آنها نزدیک باشد، در حالی که فارغ از کیفیت، کمیت این آثار نیز در میان ناشران دانشگاهی به نسبت اندک است.

پادشاه‌های اجتماعی نظیر اختصاص جایزه‌های گوناگون یا تخصصی به این آثار و همچنین تشویق‌های اقتصادی که به حق الزحمه تعبیر می‌شود نیز از دیگر مسائل شایان توجه در حل این مسأله است. بسیاری از کتاب‌های معتبر این حوزه در برخی کشورها توسط موسسات با حق الزحمه‌های بالا به متخصصان پیشنهاد می‌شود، در حالی که در برخی موارد متخصصان کشورمان پس از نوشتن کتابی باید از ناشران مختلف درخواست چاپ کتاب‌هایشان را بکنند.

تدریس می‌شوند، نظریه‌های امروز نیست. البته شایان ذکر است که نمی‌توان تمامی آثار دانشگاهی این حوزه را این چنین دانست. به این طریق است که سطح علمی رشته اقتصاد در دانشگاه‌ها کاهش می‌یابد و دانشجویانی که برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های معتبر مراجعه می‌کنند، با ضعف اساسی در آموخته‌هایشان روبه‌رو می‌شوند.»

وی راه حل این مشکل را تلاش استادان و دانشجویان دکتری برای بومی کردن دانش اقتصاد دانسته و معتقد است: «نظریات اقتصادی اندیشمندان خارجی باید بر اساس اندیشه‌های اسلامی، تاریخی و تمدنی ایران بازنگری شده و متناسب با شرایط ذهنی و عینی جامعه ارایه شوند. نکته دیگر این که مثال‌ها و آمارهای داخلی در کتاب‌های اقتصادی به کار گرفته شود تا دانشجوی پس از فراغت از تحصیل با درک بهتری از شرایط جامعه‌اش در مدیریت و کارشناسی اقتصادی مشارکت داشته باشد.»

با تأمل در نکاتی که گفته شد، درمی‌یابیم که بومی‌سازی علم اقتصاد می‌تواند موجب تبادل علمی شده و سرانجام به تحولی در این عرصه بینجامد. باید تازه‌ترین دیدگاه‌ها را مطرح کرد و بدون مرعوب شدن

## کتاب‌های دانشگاهی اقتصاد روزآمد نیستند

همان گونه که پیش از این گفته شد، اقتصاد علمی پویاست و این امر با اندکی توجه به دنیای پیرامون و دستاوردهای اقتصادی کشورها به خوبی قابل درک است. بنابراین برخوردار بودن آثار دانشگاهی از این پویایی یکی دیگر از عوامل افزایش سطح علمی رشته‌های مختلف است. هر دو کارشناسی که در این گزارش طرف گفت و گوی ما بودند، با این موضوع موافق و معتقد به روزآمد شدن آثار دانشگاهی در رشته اقتصاد هستند. دکتر ارباب بسیاری از منابع دانشگاهی اقتصاد را متعلق به چند دهه قبل می‌داند و می‌گوید: «شورای انقلاب فرهنگی باید برای رفع این مشکل چاره‌ای بیندیشد، زیرا اقتصاد در دهه‌های اخیر شاهد تحولات بسیاری بوده است.»

دکتر مصباحی مقدم نیز بسیاری از این کتاب‌ها را فاقد اطلاعات روز بر شمرده و می‌گوید: «نظریه‌های اقتصادی که در دانشگاه‌ها



آزاده سیدین

استفاده از ذغال سنگ در حالی می تواند به صورت بالقوه وارد چرخه سوخت کشورمان شود که برخی معتقدند سوخت های فسیلی، یکی از عوامل مسائل محیط زیستی و افزایش گازهای گلخانه ای می شود. اما از سوی دیگر، بسیاری از کارشناسان بر این باورند که استفاده صحیح و منطقی از سوخت های فسیلی، همچون ذغال سنگ، نه تنها سبب آلودگی محیط زیست نخواهد شد بلکه می تواند با رشد اقتصادی همراه باشد. دکتر محمد یزدی را باید از جمله این کارشناسان دانست. او در کتاب «ذغال سنگ از منشا تا اثرات زیست محیطی» به این مبحث مهم پرداخته است. برای آشنایی بیشتر با محتوای کتاب، با وی به گفت و گو نشستیم. وی دارای دکترای ژئوشیمی از دانشگاه پراگ است و تا امروز حدود ۸۰ مقاله علمی - پژوهشی در کنفرانس های داخلی و خارجی و ۵ کتاب تخصصی ارائه کرده است. دکتر یزدی با رتبه دانشیاری، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی است و در دانشکده «علوم زمین» این دانشگاه تدریس می کند.

در گفت و گو با مولف کتاب «ذغال سنگ از منشا تا اثرات زیست محیطی» مطرح شد

# توجه به دانش بومی



با توجه به مباحث زیست محیطی امروز که با محدود کردن کاربرد سوخت های فسیلی مرتبط است؛ چرا در این کتاب به استفاده از ذغال سنگ پرداخته شد؟ در کشورهایی مثل استرالیا، روسیه، اکراین، لهستان و حتی آلمان، ذخایر ذغال سنگ بسیار گسترده هستند و بسیار ارزان به فروش می رسند. معادن ذغال سنگ در کشورمان نیز بسیار متعددند که از جمله آنها می توان به طیس اشاره کرد. علاوه بر این منطقه، در جاهای دیگر ایران نیز معادن ذغال سنگ داریم که نسبت به طیس گسترده تر است. کارشناسان معتقدند، بعد از گران شدن منابع نفت و گاز، ارزان ترین، بزرگ ترین و بیشترین ذخیره سوخت جهان، ذغال سنگ است. مطابق با آمار ارائه شده آنها، منابع نفت و گاز تا ۸۰ سال دیگر تمام می شوند در حالی که معادن ذغال سنگ، با کاربرد امروزی اش، ۴۰۰ سال کارایی خواهند داشت. این کارایی در کشورهای دیگر کاملاً مشهود است و من در دوران تحصیل مشاهده کردم که در معادن و کارخانه ها، از خاکستر، گاز، دود و حتی خاک های باقیمانده از ذغال سنگ استفاده های مفیدی می شود. آنها خاک باقیمانده ذغال سنگ را به عنوان کود باغچه و گلدان و خاکستر آن را در تولید سرامیک، آجر و مصالح ساختمانی به کار می گیرند. آنچه تا ۵ سال قبل، برایش راه حل پیدا نکرده بودند، دود تولید شده ای بود که توسط کارخانه ها و نیروگاه های ذغال سوز تولید می شد و مشکلات زیست محیطی بسیاری داشت. برای حل این مسئله، از سال ۲۰۰۵ میلادی، مطابق آنچه در کتاب توضیح داده ام، تکنولوژی ذغال تمیز در اتحادیه اروپا و کشورهای اسکاندیناوی مثل دانمارک مطرح شد. با اجرای چنین طرحی، دودی که نیروگاه های ذغال سوز تولید می کنند، کمتر از یک نیروگاه نفت سوز یا مواد مایع آلی خواهد بود. در این روش، دود ناشی از نیروگاه های ذغال سوز را در لایه های زیرین زمین تزریق می کنند که با مواد موجود ترکیب شده و به آهک تبدیل می شود. اما کارخانه های معادن ذغال سنگ، تولید گاز CO<sub>2</sub> نیز تولید می کنند که از بزرگ ترین مشکلات زیست محیطی به حساب می آید. امروزه این گاز را با استفاده از سیستم باکتری فناوری بیوتکنولوژی، به گاز متان تبدیل می کنند که جایگزین گازهای مورد استفاده ما در زمین می شوند و در آینده می توانند مورد استفاده قرار گیرند. اقدامات اینچنینی سبب می شود تا استفاده از ذغال سنگ آنچنان گسترش یابد که در قرن ۲۱، انرژی حاصل از آن، انرژی غالب باشد. به عقیده من اگرچه امروز بحث انرژی های خورشیدی، هسته ای و دیگر انرژی های نو مطرح است، اما هیچ یک نمی توانند جایگزین انرژی حاصل از ذغال سنگ شوند. بنابراین بی اعتنایی ما نسبت به این نعمت خدادادی که در کشورمان نیز به وفور یافت می شود، اقدام عاقلانه ای نبوده و باید استفاده از ذغال سنگ را مطابق با استانداردهای جهانی، سرلوحه اقدامات ملی خود قرار دهیم. اما اثرات زیست محیطی استفاده از ذغال سنگ فقط به تولید گازها منجر نمی شود. همان طور که در کتاب هم اشاره شده شیوه برداشت معدنی این ماده نیز به محیط زیست آسیب می رساند. در این مورد چه راهکارهایی ارائه داده اید؟

مطابق اساسی ترین اصول زیست محیطی، مناطق معدنی پس از برداشت باید مثل روز اول بازسازی شوند. به همین منظور با استفاده از عکس های هوایی، فضای ایجاد شده قبل و بعد از برداشت را با هم مقایسه کرده و آن را مثل روز اول بازسازی می کنند. برای بازسازی، پستی بلندی ها را همانند قبل از برداشت ایجاد می کنند و اکوسیستم های تخریب شده، آباد می شوند. برای ترمیم اکوسیستم نیز، گیاهانی را که از بین رفته اند دوباره می کارند و جانوران رفته را بازمی گردانند. این اصل در استانداردهای کاربرد ذغال سنگ وجود دارد و در کشورهای اروپایی کاملاً رعایت می شوند. همین امر سبب شده است آنها از منابع معدنی ای که حتی در جنگل ها و یا نزدیک شهرها واقع شده اند، بهره برداری کنند، بدون آن که به محیط زیست آسیب برسانند. در این کتاب توضیح داده ام که مراحل برداشت ذغال سنگ از جمله اکتشاف، استخراج و کاربرد آن در ایران، بدون در نظر گرفتن استانداردهای زیست محیطی انجام می شوند و سپس محل مورد نظر را راه می کنند. ارائه کتابی درباره مزایای کاربرد ذغال سنگ به عنوان منبع انرژی کشور، به این معنی است که استفاده از نفت و گاز را فراموش کنیم؟ وقتی از امنیت انرژی صحبت می شود، یعنی سبب انرژی کاربردی در کشور را متنوع کنیم. برای دسترسی به این مهم باید پتانسیل های کشور را در نظر بگیریم و تقلید کورکورانه در این مورد صحیح نیست. در حال حاضر ۱۲ میلیارد تن ذغال سنگ در کشور داریم. آیا به نظر شما عاقلانه است که این منابع را رها کنیم و هر چه گاز و نفت داریم مصرف کنیم؟ ما می توانیم با تبدیل نفت و گاز به تولیدات پتروشیمی، این دو نوع منبع را با قیمت های بالاتر به جهانیان عرضه کنیم. درست است که ما دومین منبع گازی دنیا را داریم؛ اما اگر همه منابع سبب انرژی مان را به گاز وابسته کنیم، شاهد مشکلاتی شبیه آنچه زمستان سال قبل رخ داد، خواهیم بود. زمستان سال گذشته دیدیم چون نتوانستیم به بسیاری مناطق کشور گاز برسانیم، مردم با سرمای ناشی از فقدان سوخت در کشور

چه تفاوت هایی دارد؟ در همه کتاب های درسی - دانشگاهی یک ساختار پایه وجود دارد که باید حفظ شود. من نیز در این کتاب، اساس مفاهیم ذغال سنگ را انتقال دادم و سپس با توجه به آخرین تغییراتی که طی این چند سال در علم زمین شناسی ذغال سنگ ایجاد شده بود، تحولاتی را در مفاهیم کتاب ایجاد کردم. از جمله آن که در زمان تالیف کتاب من کار پژوهشی در حوزه ذغال سنگ انجام نداده بودم ولی مدتی بعد ۲-۳ تحقیق در این زمینه داشتم که نتیجه آنها را مطرح کردم. همچنین در چاپ دوم کتاب، از حاصل تحقیقات ۵ دانشجوی درباره معادن ذغال سنگ طیس و البرز و پایان نامه های دانشجویان دیگر استفاده کردم. اما با توجه به این که علوم هر لحظه به روز می شوند، آیا فکر نمی کنید مدت ۷ سال فاصله بین چاپ اول و دوم کتاب، زمانی طولانی است؟ تجدید چاپ کتاب در ایران بر اساس نیاز زمان نیست و فقط در صورتی که ناشر از مولف بخواهد، وی در این باره اقدام می کند. استادان آنچنان درگیر کارهای پژوهشی هستند که نوشتن کتاب را، تنها به عنوان ابزاری برای ارائه کارنامه علمی در نظر می گیرند. به عنوان نمونه در حال حاضر کتابی را در دانشگاه تدریس می کنم که خودم تالیف کرده ام و تقریباً ۵۰ درصد مطالبش قدیمی شده اند. اما آنچنان درگیر کارهای پژوهشی خودم هستم که فرصتی برای به روز کردن آن ندارم. پس به همین دلیل است که شاهد کتاب های درسی - دانشگاهی با محتوای کهنه و غیر کاربردی هستیم؟ قدیمی بودن محتوای کتاب های دانشگاهی دو عامل اساسی دارد که به آنها اشاره می کنم. اولین دلیل مرتبط با طولانی بودن مرحله داوری و چاپ است که گاهی سبب می شود یک کتاب پس از دو سال به چاپ برسد. غافل از این که در این دو سال محتوای کتاب کاملاً قدیمی شده است و دیگر با علوم روز دنیا تطبیق نمی کند. دومین علت کهنه بودن مطالب علمی، به عدم تمایل استادان برای تالیف یا ترجمه کتاب های دانشگاهی مرتبط است. آنها ترجیح می دهند مقالات علمی ای بنویسند که هزینه مالی زیادی نمی خواهد و در زمانی کوتاه با صرف انرژی محدود تحقق می یابد و حتی ممکن است به واسطه آن توسط مسوولان دانشگاهی تشویق شوند. در حالی که نوشتن یک کتاب با هزینه های گزاف و در مدت زمان طولانی حاصل می شود و شاید فروش آن نیز بازده اقتصادی ندارد. اگر کتاب به چاپ سوم برسد، چه تغییراتی روی آن اعمال می کنید؟ اگر امروز بخواهم دوباره کتاب را بازنویسی کنم از فناوری های جدیدی که در رابطه با کاربرد ذغال سنگ و مطالعه آن است، صحبت می کنم. مقالاتی در سال ۲۰۰۹ میلادی درباره تبدیل گاز CO<sub>2</sub> به متان با کمک روش باکتری منتشر شده اند که حتماً آنها را به محتوای کتاب می افزایم. مخاطبان کتاب چه کسانی هستند؟ دانشجویان یا کارشناسان رشته زمین شناسی، معدن، محیط زیست و همه کسانی که کارشان با ذغال سنگ مرتبط است می توانند محتوای کتاب را مطالعه کنند.





اردشیر صالحپور، دکترای پژوهش هنر از دانشگاه تربیت مدرس دارد و سال‌هاست که در مقام نمایشنامه‌نویس و پژوهشگر قلم‌فرسایی می‌کند. او از اوایل دهه ۵۰ فعالیت هنری خود را از خوزستان آغاز کرده است. در کارنامه ادبی‌اش نمایشنامه‌هایی مانند «دختر انار»، «قوز بالا قوز»، «اندر حکایت اصفهان»، «زشت و زیبا» و «گنجشک» ثبت شده است. باید به این فعالیت‌ها، ساخت مستندهای پژوهشی، گویندگی و نقد و تحریر در رادیو و تلویزیون را هم اضافه کرد. وی همچنین مدت ۶ سال مدیر تئاتر استان‌های کشور بوده است. انتشار پژوهش «ترانه نمایش‌های پیش‌پرده خوانی در ایران» توسط انتشارات نمایش سبب شد تا با او گفت‌وگویی انجام بدهیم.

گفت‌وگو با دکتر اردشیر صالحپور، پژوهشگر و نمایشنامه‌نویس

## وقتی حافظه تاریخی خود را از دست می‌دهیم

است و دستاوردهای پژوهش را در حوزه شناخت تحلیلی - توصیفی و بر اساس بسترهای اجتماعی، مسائل مبتلابه و نیز طبقه‌بندی رسوخی روش‌ها و سبک اجرایی با سبک ویژه ترانه‌ها، تصنیف‌ها و حراره‌ها کار خود را به پایان رسیده است.

بررسی موضوعی و تحلیل ترانه‌ها به طور اجتناب‌ناپذیر ما را به ریشه‌ها و پیشینه‌ها رهنمون ساخته و تأکید بر مسائل آن دوره زمینه‌کار را گسترده‌تر کرده است؛ به این معنی که ابتدا زمینه‌های موجود در فرهنگ و ادبیات عامیانه ایرانی و سپس شرایط و چالش‌های سیاسی - اجتماعی و تاریخی و جنبه‌های فنی و مضمونی پیش‌پرده‌ها، در پیوندی گسست‌ناپذیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

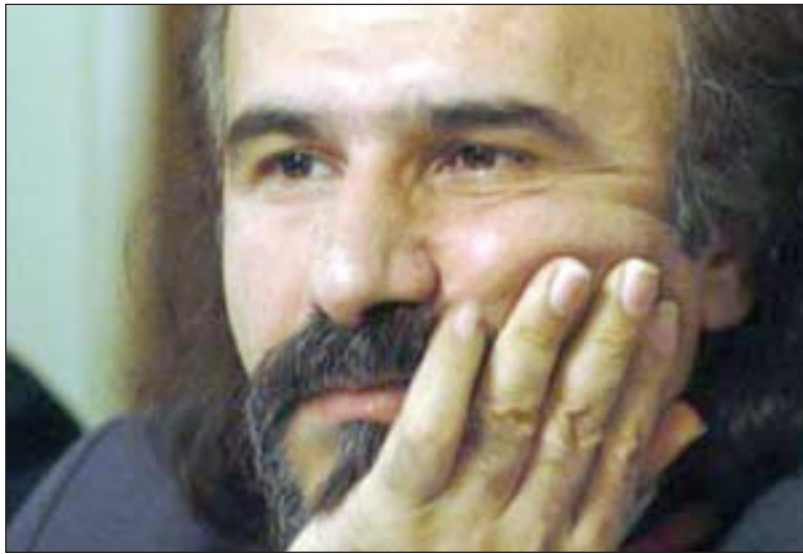
ماهیت این پژوهش ایجاب می‌کند که به دلیل ویژگی تاریخی روش مطالعه توصیفی (Descriptive) را برای انجام آن برگزینیم. به همین دلیل مهم‌ترین اسناد دست اول، دست دوم و نیز اسناد دست سوم به روش‌های مختلف از جمله روش کتابخانه‌ای و مصاحبه، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مثنی کلی پژوهش را در چارچوب نظری و مطالعاتی در واقع شیوه‌ای خاص از تاریخ‌نگاری هنری را دنبال کرده است که در نهایت با شناخت توأم و استنتاجات توصیفی - تاریخی به تحلیل (بر اساس مورد شاهدهی Case and control و روند شکل‌گیری ترانه نمایش‌ها)، با الهام از ریشه‌های تاریخی و موسیقی فولکلوریک کار خود را به انجام رسانده است.

**از پژوهشگران و نویسندگان در عرصه هنرهای نمایشی چقدر حمایت می‌شود؟**

متأسفانه امر پژوهش چنان‌که باید در کشور ما مورد توجه و حمایت کافی قرار نمی‌گیرد و معمولاً پژوهشگران در فقر و فاقه و تنگدستی مجبور به خلاصه‌کاری یا جمع و جور کردن مطالب اکتفا می‌کنند. پژوهش البته کاری عمیق و ژرف است و نیازمند فرصت، مطالعه و پیگیری و جست‌وجو و کسب تجربه و دقت و ممارست است و این همه بدون حضور ملزومات و امکانات کافی به نتیجه مطلوب نائل نخواهد آمد.

جامعه تا حدودی به گرایش‌های آماری و ابعاد فیزیکی اکتفا کرده و رویکردی آماری را مد نظر دارد. این امر به ویژه در حوزه علوم اجتماعی بیشتر محسوس است، زیرا این امور تعیین فیزیکی فوری نداشته و مقولاتی هستند که تأثیرشان در درازمدت و به طور بطنی و ماهوی در ابعاد و آحاد جامعه تسری خواهد یافت.

خوشبختانه اخیراً جشنواره‌های نمایشی در کنار اجراهای متعدد امر پژوهش را جدی قلمداد کرده و در جوف و جوار جشنواره اقدام به انتشار چند اثر پژوهشی می‌کند که قابل تقدیر است. اما هنوز سامان یافته نشده است و مستلزم اعلام فراخوان و هماهنگی‌های لازم است تا پژوهشگران با طیب خاطر و بودجه مناسب وقت خود را مصروف این امر کنند. قضایا تا حدودی موردی است امیدواریم این موضوع مورد توجه و امعان نظر بیشتری قرار گیرد زیرا هر پژوهش و تحقیقی به منزله بن‌مایه و مفهومی برای هنر تئاتر به شمار رفته و در روند گسترش و بازتاب‌های تولیدی تأثیر خود را آشکار خواهد ساخت. به عبارتی، رشد متاثر هر کشور منوط به پژوهش‌های بنیادین و مطالعات نظری اوست.



است و طبعاً بخش عمده‌ای از مخاطب خود را که همانا مردم عادی هستند از دست داده است. به نظر می‌آید برای رویکردی دوباره و پیوندی زنده و صمیمی باید بسیج شد و تلاش‌های تازه‌ای را مبدول داشت.

**چه مشکلاتی پیش‌رویتان بود تا بتوانید از زوایای مختلف مواد پژوهشی خود را در کتاب خود تهیه و تحلیل کنید؟**

به راستی پژوهش امر دشواری است؛ خصوصاً وقتی که هیچ مرکز و آرشید دقیقی برای این امر وجود نداشته باشد. در بجهت تحقیق گاه آنچنان مستاصل می‌شدم که احساس می‌کردم موضوع مربوط به دوران دوردست تاریخ است و دسترسی به آن بسیار مشکل و امکان‌ناپذیر است. فرهنگ ما، فرهنگی شفاهی است و اسناد و مدارک و مستندات راطبقه‌بندی و ثبت و ضبط نکرده‌ایم. متأسفانه این عارضه قدری عمومیت دارد و بسیاری از زمینه‌ها را شامل می‌شود. به همین دلیل است که همه چیز به زودی فراموش می‌شود و محافظه تاریخی خود را از دست می‌دهیم. خیابان لاله‌زار به عنوان خاستگاه اصلی این هنر یکباره تغییر ماهیت داده و به ابتدال در غلغله است. کمپانی‌های صحنه‌پرکنی و تئاترهای قدیم لاله‌زار، یکی پس از دیگری تعطیل شده و جایشان را به لوازم برقی و الکترونیکی داده‌اند و هیچ مدرک و اسنادی از پیش‌پرده خوانی به عنوان هنری مردمی یافت نمی‌شود.

گاه برای تهیه یک صفحه گرامافون به بازارهای قدیمی و دستفروشی‌های طهران قدیم می‌رفتم تا اثری را تهیه و خریداری کنم و گاه در نسخ اوراق روزنامه‌ها و کتابخانه به جست‌وجوی مدرکی در این خصوص بودم و گاه سراغ آخرین نسل بازماندگان این رشته رفته تا با صدای پیر و خسته آنان لحن پیش‌پرده‌ها را آشنا شوم. اما با این همه لذت شیرین پژوهش همه خستگی‌ها را از تن پژوهشگر خواهد زدود. مهم اثری است که باقی می‌ماند. خستگی‌ها و رنج‌ها فراموش می‌شوند.

**به چه شیوه‌هایی پژوهش خود را انجام داده‌اید؟**  
این پژوهش در شش فصل به بررسی و تحلیل سیاسی - تاریخی در زمینه تئاتر ایران و علل بروز پیش‌پرده‌ها و کسب شناخت و ارائه اطلاعات پرداخته

شورا و سنا شورا را منحل کرد. شاه به آمریکارفت و در جست‌وجوی روابط تازه‌ای با آمریکا بود. چنین فضای آشفته‌ای قطعاً زمینه را برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری به شکل آزاد باز نمی‌گذاشت. خصوصاً آن‌که دولت می‌دانست که تماشاخانه‌ها و تریبون تئاتر تجلیگاهی برای هنرمندان معترض شده که هیچ تعلق و دل‌بستگی به دولت و شاه نداشتند و در مقابل مردم نیز مشتاق این نمایش‌ها شده و به شرایط جدید سیاسی اجتماعی و دولت علاقه‌ای ندارند. به همین دلیل حکومت شاه به این نتیجه رسیده بود که هر طور شده الزام می‌بایست تعهد و سیاست را از تئاتر دور کرده و بر طرح مضامین و مسائل عاطفی و اشاعه بسترسازی‌های غیر اخلاقی آنان دامن بزند. پس روز به روز بر شمار کافه‌ها، کباب‌ها و طربخانه‌ها در جوار تماشاخانه‌ها اضافه می‌شد و خیابان لاله‌زار به محلی برای اشاعه ابتدال تبدیل شد و سرانجام کودتای ۲۸ مرداد برای همیشه به فعالیت‌های سیاسی و نمایشی پیش‌پرده خوانان خاتمه داد و دوران رکود آنان آغاز شد.

**چه انگیزه‌های شما رابه سمت پژوهش درباره پیش‌پرده خوانی برد؟**

لحن و شیوه اجرای ترانه‌های ریتمیک و عامیانه همواره برایم جالب توجه بوده است. سالیان مدیدی این موضوع ذهن مرا به خود معطوف داشته بود و هر بار اندوخته‌ای برای این پژوهش می‌افزودم، وجه عامیانه و مردمی ترانه نمایش‌های پیش‌پرده خوانی، به عنوان شیوه‌ای صمیمی و ساده و فارغ از هر گونه تکلف و تصنع، همواره در من شور و شوق بیشتری را دامن می‌زد؛ تا آن‌که آشنایی با حمید قنبری که متأسفانه دار فانی را وداع گفت و دوستی و الفت با ایشان، مرا به تحقیق بیشتر در این زمینه مصمم کرد. خاطرات پرویز خطیبی و جمع‌آوری ترانه‌های او کار را تمام کرد. فکر می‌کنم آشنایی و شناخت هرچه بیشتر با خاطرات تئاتر ایران و مسائل مبتلابه آن موضوعی است که برای هر هنرمند ایرانی جالب توجه است. ما تقریباً اطلاعات چندانی از تاریخ نمایش در ایران نداریم، هرچند عمر این دوران به ۱۵۰ سال هم نمی‌رسد.

تئاتر ایران به رغم پیشرفت‌های چشمگیر و خارق‌العاده و در بسیاری از امور از وجه مردمی خود فاصله گرفته و ابعادی تجریدی و روشنفکری یافته

**پیش‌پرده خوانی ریشه در چه اتفاقی دارد؟**

شعر، هستی‌شناسی فرهنگ ایرانی است و موسیقی وجه مکملی آن، هیچ ملتی به اندازه ایران دارای شاعران صاحب‌دیوان و دفتر نبوده است. ذوق و قریحه سرشار ایرانی این طریق را روشی برای رنج‌ها، عواطف، آلام، آمان‌ها و دغدغه‌های خود در فرآیندی ارتباطی انتخاب کرده و همواره از این منظر با جهان درون و دنیای پیرامون رابطه برقرار کرده است. شعر نزد ایرانیان با جوهر موسیقایی‌اش، به منزله نوعی نگاه هنری به زبان است؛ هنری که با فرهنگ و تمدن همبسته است و فرهنگی که هویت و حیات را تشکیل می‌دهد. این قرابت و خویشاوندی مابین شعر و موسیقی اگر چه ریشه‌ای کهن و دیرینه دارد، اما وجه مکتوب و مستند آن در دوره ساسانی با حضور خنیاگران بیشتر به ما گزارش شده است.

جدای از شعر فاخر و کلاسیک، ما با هجویه‌ها، طنز و مطایبه و ترانه‌هایی مواجه می‌شویم که حکایتگر دغدغه‌های مردمی است و کمتر به شمار آمده‌اند. این رسم کمابیش هنوز در میان ایرانیان و اقوام مختلف ایرانی وجود دارد که برای هر حادثه‌ای شعر ساز و کوک می‌کنند و به طریقی سخره‌آمیز اعتراض خود را ابراز می‌دارند.

از قرن نهم هجری که شعر جنبه عامیانه پیدا کرد و به میان توده‌ها راه یافت، رسم و راه تازه‌ای در این هنجارها پدید آمد که همانا مبتنی بر ابعاد مردمی و اجتماعی و تولید صنایع ادبی فارغ از پیچیدگی‌های مرسوم بود. رشد و رواج تصنیف و ترانه در دوره‌های اخیر، خصوصاً دوره قاجار و حوادث پس از مشروطیت، زمینه این پیوند را بیشتر فراهم آورد و موج تازه‌ای از گرایش‌های مردمی در شعر نمودار شد که به نظر می‌آید در ادامه منطقی و تعاقب همان طنز و هجو و مطایبه‌های مردمی در قالبی اعتراض بود.

ریشه و سابقه این هنجار نمایشی (پیش‌پرده خوانی) ترکیبی از ترانه‌های عامیانه، شراره‌ها و تصنیف‌هایی است که به ویژه از دوران قاجار همپا با گسترش مطبوعات و رشد مطبوعات و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی پدید آمده است.

پیش‌پرده خوانی نیز به اقتضای شرایط تاریخی بر اساس صفحه و سابقه مذکور پس از سقوط دیکتاتوری پهلوی اول و نابسامانی‌های اجتماعی آن دوره ظهور یافت که هر چند عمری کوتاه داشت، ولی چون شهابی چشمگیر بر آسمان تاریخ نمایش ایرانی را تلالو بخشید.

**چرا در کتاب خود پیش‌پرده خوانی پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را کم‌رونق دانسته‌اید؟**

اختناق و دیکتاتوری قطعاً زمینه تحمل انتقاد و اعتراض‌های اجتماعی را نداشت. در سال ۱۳۳۷ پس از ترور ساختگی شاه جوان در مراسم سالگرد دانشگاه تهران، به توطئه علیه حزب توده و اعلام وضعیت نظامی منجر شد و شاه جوان و عوامل او فرصت یافتند تا هم از شر گروه‌های سیاسی فارغ شوند و هم پایه‌های اقتدار حکومت خود را محکم کنند.

در فضای خفقان‌آلود حاکم، دولت به نخست‌وزیری محمدساعدمراغه‌ای احساس آرامش می‌داد. آیت‌الله کاشانی که از حبس درآمده بود، به لبنان تبعید شد. اقلیت مجلس به سه تن کاهش یافت. شاه امکان برپایی مجلس موسسان را گرفت و مجلس



# باج گیرنده و باج دهنده، طرفین دعوای بدون برنده

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست‌های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت‌وگو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را مهیا می‌کند. در نخستین نشست این سرا در سال جدید که هفته گذشته برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه روان‌شناسی به بحث و گفت‌وگو نشستند.

**دکتر محمود دهقان، روان‌شناس و مشاور بالینی:** از آنجا که اکنون روان‌کاوی دچار گونه‌ای از تکثر شده، نقد این کتاب از دیدگاه‌های سایکو دینامیک کار دشواری است و نیاز به تسلط بر حوزه‌های گوناگون روان‌کاوی دارد که به دلیل گستردگی آن بعید به نظر می‌رسد.

آنچه این کتاب را از سایر کتاب‌های خودیاری (self help) متمایز می‌کند، تاکید آن بر روش‌های احساسی است. نویسنده اثر بسیاری از بحث‌ها را آکادمیک و علمی نیاورده است، بلکه با تاکید بر بعد عاطفی به ویژه در ابتدای اثر، عنوان می‌کند که افراد با ایجاد مجموعه‌ای از رفتارهای منفی چگونه دیگران را وادار به پذیرش می‌کنند.

این کتاب هیچ اشاره‌ای به تعارضات کنونی و گذشته فرد ندارد و مولف بر جنبه‌های جسمانی و هیجانی نظیر احم کردن و عصبانیت در جدال توجه دارد و به انعکاس تحولات درونی نمی‌پردازد. رویکرد مولف این است که زخم‌های ناشی از دوران کودکی را به ما نشان می‌دهد و بر درمان و شیوه مقابله با آنها تاکید ندارد.

نویسنده تنها، خواننده را با مسائل احساسی و رفتاری که افراد را به همکاری با باج‌گیر سوق می‌دهد، آشنا می‌کند و در نیمه دوم کتاب تنها با استفاده از روش‌های تکرار و تلقین می‌کوشد تغییر ایجاد کند. در ابتدای کتاب هیچ نظریه‌ای را از نویسنده نمی‌بینیم در این صورت تکنیک‌های بخش دوم که باید بر مبنای نظریه‌های عنوان شده باشند، از اهمیت و اعتباری برخوردار نیستند و مبنای نادرند! در حقیقت مولف تنها به بیان تجارب خود در مواجهه با مراجعه‌کنندگان گوناگون پرداخته است.

از اسرار زندگی را برای آنها می‌گوییم، آنها از این مطالب به عنوان ذخایر و مهماتی علیه ما استفاده می‌کنند.

یکی از راه‌حل‌های مقابله با نابه‌هنجاری رفتاری باج‌گیری عاطفی، استقلال رشدی و ایجاد فاصله معنادار جغرافیایی با این افراد است و ما مسوول احساس خودمانیم و در برابر استقلال‌ورشد خودمان مسوولیت داریم.

از آنجایی که هیچ‌یک از تالیفات بشری، کتابی مقدس و بی‌عیب نیستند، این اثر هم ایراداتی دارد. این کتاب برای باج‌دهندگان نوشته شده است و می‌توان کتاب دیگری را هم برای باج‌گیرندگان نوشت، اما چون باج‌گیرندگان هیچ‌گاه خود را مشکل‌دار نمی‌بینند، به کتاب یا روان‌شناس نیز برای از میان برداشتن مشکل خود مراجعه نمی‌کنند، مگر آن‌که با خواست دیگران یا اجبارهای قانونی همراه باشند.

## فراخوان ارائه برنامه نشست‌های سرای اهل قلم در نمایشگاه کتاب

فراخوان سرای اهل قلم برای برگزاری نشست‌ها در طول برگزاری بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران منتشر شد. مهلت ارسال درخواست حداکثر تا پایان فروردین‌ماه جاری است. در این فراخوان آمده است: سرای اهل قلم در نظر دارد طبق روال گذشته، برنامه‌های متنوعی را در طول برگزاری نمایشگاه بین‌المللی تهران در سال ۱۳۸۹ برگزار کند.

سرای اهل قلم خانه کتاب، از تمامی نهادها، سازمان‌ها، موسسات و مراکز دولتی و خصوصی دعوت کرده است تا برنامه‌های پیشنهادی خود را از طریق شماره ۶۶۹۶۶۲۱۸ و ۶۶۴۰۵۲۵۴ یا از طریق پست حداکثر تا پایان فروردین‌ماه به دفتر سرای اهل قلم واقع در خیابان فلسطین جنوبی کوچه خواجه نصیر شماره ۲ ارسال کنند.

بر اساس این فراخوان قبولی یا رد برنامه‌ها برعهده سرای اهل قلم خواهد بود. بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ۱۵ تا ۲۵ اردیبهشت‌ماه سال جاری در مصلی امام خمینی (ره) تهران برگزار خواهد شد.

نشست نقد و بررسی کتاب «باج‌گیری عاطفی» نوشته «سوزان فوروارد» با حضور دکتر علیرضا عابدین، روان‌شناس بالینی و استاد دانشگاه شهید بهشتی، دکتر محمود دهقان، روان‌شناس بالینی و مشاور روان‌شناسی و سبیده باطنی، دبیر این نشست، در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد. منیژه شیخ‌جوادی، مترجم کتاب که قرار بود در این برنامه حضور داشته باشد، شرکت نکرد.

**دکتر علیرضا عابدین، روان‌شناس بالینی و استاد دانشگاه شهید بهشتی:** در ابتدای این کتاب باید گفته می‌شد که این قربانی شدن در باج‌گیری مربوط به چه زمانی است و تا چه اندازه ریشه در کودکی افراد دارد. این کتاب مجموعه‌ای از تکنیک‌ها را پیشنهاد می‌کند که بیشتر جنبه رفتاری - شناختی دارند، نظیر طرح‌واره‌های ذهنی و از خواننده می‌خواهد با بازنویسی برخی از دستورالعمل‌ها - نظیر کتاب‌های آشپزی - رفتارهایی را در برخی مراحل اتخاذ کند. این کتاب برای عامه مردم نوشته شده و مطالب آن بسیار تکراری به نظر می‌رسند؛ به گونه‌ای که می‌شد تعداد صفحات آن نصف شوند.

نگارنده به جای ریشه‌یابی و پردازش در حیطه درمان، بیشتر درباره پیاده کردن راه‌حل‌های عملی نظیر کتاب‌های طبخ‌گام برداشته و اغلب مثال‌ها و راهکارهایی که ارائه می‌دهد، عینی‌اند. «فوروارد» نمی‌کوشد با استفاده از ابزارهای شناختی و رفتاری، بینش فرد را تغییر دهد، بلکه می‌خواهد شرایط و وضعیت فرد را تحول بخشد، اما بیشتر در زمان حال باقی می‌ماند و به گذشته و ریشه‌های مسأله توجه اندکی دارد.

باج‌گیری زمانی رخ می‌دهد که نظر دیگران درباره

## الگویی موفق در مسیر تفاهم پایدار

ادامه از صفحه ۸

حمید قبادی، مشاور معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، اجرای این طرح را موفقیت‌آمیز ارزیابی کرده، می‌گوید: «مدیریتی که از طرف خود حوزه نشر، به ویژه تشکل‌های صنفی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت، باعث شد تا از تغییر قیمت ناگهانی در بازار کاغذ جلوگیری شود.»

قبادی درباره تأثیر افزایش نرخ کاغذ بر قیمت کتاب می‌گوید: «اساسا کاغذ به قیمت بندی هشت هزار تومان به صورت جدی در قیمت گذاری کتاب وجود نداشت که بخواد تغییر قیمت آن باعث تغییر ناگهانی قیمت کتاب شود.»

وی معتقد است آزادسازی قیمت کاغذ اتفاق ناگواری را در حوزه کتاب ایجاد نکرده، بلکه بسیاری از پیش‌بینی‌های مثبت را هم محقق کرده است؛ از جمله این که وزارت ارشاد و معاونت فرهنگی آن توانسته‌اند به کمک جامعه نشر و تشکل‌های صنفی آن، نخستین مجموعه‌ای باشند که با حذف یارانه کاغذ، هدفمندسازی یارانه‌ها را عملی کنند.

یکی از مشکلاتی که همواره در آسیب‌شناسی اقتصادی نشر ایران مطرح بوده، بی‌توجهی به نیاز مخاطب است و همین موضوع باعث می‌شد تا کتاب تولید شده، امکان عرضه شدن نداشته باشد.

قبادی یکی از مزایای حذف یارانه را نزدیک‌تر شدن محتوای کتاب به نیاز مخاطب عنوان می‌کند.

وی استفاده تخصصی از انواع کاغذ، واقعی شدن قیمت کتاب، افزایش تعداد عناوین و کیفی‌تر شدن کتاب را از دیگر مزایای اجرای این قانون می‌داند و می‌گوید: «تا پیش از این، عده‌ای تنها برای دریافت حواله کاغذ سراغ نشر می‌رفتند، اما اکنون تنها کسانی که به انجام کار فرهنگی تمایل دارند، وارد این حیطه می‌شوند.»

قبادی می‌گوید: «شمارگان کتاب از مسائل مهمی است که تأثیرات

مصرف‌کننده مناسب و لازم است.»

یکی از دغدغه‌های مهم تعدادی از ناشران این بود که خرید کتاب بیشتر در حوزه‌های خاصی مثل عمومی و دین انجام می‌شود و برای نمونه، در حوزه کتاب دانشگاهی کتاب‌های بسیار کمی توسط وزارت ارشاد خریداری شده است. قبادی در این باره می‌گوید: «اگر کتاب‌های ناشری مورد نیاز دانشگاه باشد و ناشر اعلام نیاز کتبی آن دانشگاه را بگیرد، می‌تواند آن را به ما اعلام کند تا ما آن کتاب‌ها را از طرف آن دانشگاه خریداری کنیم و این اعلام نیاز مراکز دانشگاهی به یقین در انتخاب کتاب تأثیرگذار است.»

ناشران دانشگاهی به‌طور غیر مستقیم از بیشترین حمایت‌ها در این بخش برخوردارند، چون بخش زیادی از بودجه‌های حمایتی به صورت بن کاغذی و کارت‌های الکترونیکی در اختیار دانشگاه‌ها قرار می‌گیرد که این نهادها اغلب از آنها برای خرید کتاب‌های دانشگاهی استفاده می‌کنند. اکنون تمام کتاب‌ها پس از اعلام وصول به صورت رسمی وارد گردونه انتخاب هیات خرید می‌شوند و فهرست کتاب‌های خریداری شده، تعداد آنها و مشخصات کتاب‌شناسی شان بلافاصله بعد از تنظیم صورت جلسه در سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) و در دسترس همه ناشران قرار می‌گیرند.

حذف یارانه کاغذ با وجود تمام بحث‌ها و نگرانی‌های اولیه، مورد حمایت جامعه نشر قرار گرفت و اکنون پس از گذشت سه سال، هم وزارت ارشاد به‌عنوان متولی امور فرهنگی کشور و هم اکثریت ناشران، از اجرای این طرح راضی‌اند و می‌توان آن را یکی از نقاط مثبت کارنامه دولت در عرصه هدفمندسازی یارانه‌ها در نظر گرفت.

شاید سال ۸۹ بهترین فرصت برای ایجاد تعاملی سازنده‌تر بین وزارت ارشاد و اتحادیه ناشران و سایر تشکل‌های صنفی نشر باشد تا با رفع مشکلات ناشی از حذف یارانه و رسیدن به یک تفاهم پایدار در این باره، حذف یارانه کاغذ را به‌عنوان الگویی موفق و تأثیرگذار در زمینه هدفمندسازی یارانه‌ها به مردم ایران معرفی کنند.

زیادی در عرصه سیاست گذاری کتاب ایفا می‌کند و آزادسازی قیمت کاغذ، باعث واقعی‌تر شدن آن شده است و اکنون ناشر بر اساس نیاز مصرف‌کننده، شمارگان کتاب را تعیین می‌کند و این کار باعث شده تا در سه سال گذشته، به ندرت شاهد ورشکستگی ناشران به دلیل تولیدات خارج از نیاز باشیم.»

وی درباره سیاست‌های جایگزین حذف یارانه که وزارت ارشاد مکلف به انجام آن شده، می‌گوید: «قانون تکلیف ما را روشن کرده است و باید نظام یارانه کتاب را از تولیدکننده به سمت مصرف‌کننده هدایت کنیم. در این متن، اسمی از ناشر نیامده و ما باید اطمینان حاصل کنیم که برنامه‌ریزی‌هایمان به سود مصرف‌کننده است.»

قبادی در پاسخ به ناشرانی که خرید کتاب را یک سیاست حمایتی جایگزین می‌دانند، می‌گوید: «این گونه نیست که ما کاغذ را حذف کردیم و الان باید به‌طور مستقیم یا به‌نحو دیگری به ناشر کمک کنیم، بلکه منفعت ناشر در رقابت سالم و سازنده است. ما به نفع مصرف‌کنندگان از ناشران کتاب می‌خریم. اگر چه با این کار آنان هم امکان فروش بیشتر را پیدا می‌کنند، اما این طور نیست که به‌طور مشخص، پایداری یک انتشارات با کمک‌های دولتی باشد. بعد از تغییر قانون، پایداری باید بر اساس بازار رقابتی باشد، نه بازار دولتی.»

با وجود آن که تعدادی از ناشران از نحوه فعلی خرید کتاب توسط معاونت فرهنگی ارشاد ناراضی‌اند، اما قبادی با اشاره به این که «برای نخستین بار در کشور مادر سال ۸۸-۸۷ بیش از ۴۰ درصد کتاب‌های چاپ اول را از ناشران خریداری کرده‌ایم» تاکید می‌کند: «این پرسش که «چرا ما از خریداری نمی‌شود؟» در خرید کتاب بی‌معنی است و اصلا چنین فلسفه‌ای وجود ندارد که هر کس ناشر بود، ما از او خرید کنیم؛ چون اصلا بنا نیست که نظر ناشر را تأمین کنیم. برای ما، نظر مخاطب مهم است.»

وی درباره نحوه انتخاب کتاب‌ها می‌گوید: «هیات خرید ما گروهی متشکل از نویسندگان، کارشناسان و کتابشناسان‌اند که طبق «آیین‌نامه انتخاب و خرید کتاب مناسب» تصمیم می‌گیرند چه کتابی برای



## ادبیات و مرگ

موريس بلانشو، رودولف گشه، پل دی مان  
ترجمه: لایلا کوچک منش / انتشارات گام نو  
چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۳۹ صفحه / ۴۰۰۰ تومان



از زمان پایان جنگ جهانی دوم تاکنون صحنه ادبیات فرانسه متوالیاً و به سرعت، با مدهای گوناگون روشنفکری به تسلط درآمده است که القاکننده توهم پرباری و حاصل خیزی مدرنیته بوده‌اند؛ ابتدای زمان پل سارتر، آلبر کامو

و اگزیستانسیالیسم انسان‌گرایانه‌ای که نتیجه جنگ بود و بلافاصله در پی آن، تجربه‌گرایی تئاتر جدید که به نوبه خود با ظهور رمان نو و مولدان آن پشت سر نهاده شد.

این جنبش‌ها تا حد زیادی سطحی و گذرا بودند... زمانی که بتوانیم آن دوران را با تامل بیشتری بررسی کنیم، ممکن است دریابیم که بزرگان ادبیات معاصر فرانسه اتفاقاً همان کسانی هستند که روزگاری نسبت به مشاهیر دوران در سایه قرار داشتند و البته هیچ‌یک از آنها احتمالاً به راه‌اندازی نویسنده کمتر شناخته شده و مشکلی به نام موريس بلانشو برجسته نخواهد بود. بلانشو اکنون یکی از مهم‌ترین نویسندگان قرن و در زمره غول‌های فلسفه است.

مرگ در فلسفه موريس بلانشو، ادبیات و حق مرگ، برکات تناقض نظر بلانشو درباره هیچ - فضای ادبیات، نگاه آُرُفه، نا-مشخص‌ورای در نقادی موريس بلانشو، خواندن، قدرت و شکوه و مرزهای تجربه: نهیلیسم، عناوین بخش‌های این کتاب هستند.

## در جست و جوی زمان از دست رفته

مارسل پروست / بازنویسی برای تئاتر: هارولد پینتر،  
دای ترویس / ترجمه: عباس پژمان  
نشر هرمس / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۱۰۱ صفحه / ۱۸۰۰ تومان



با آنکه در جست و جوی زمان از دست رفته از شاهکارهای دنیای رمان است کمتر کسی می‌تواند خواندن آن را تا آخر ادامه دهد. بسیاری از کسانی که خواسته‌اند این اثر را بخوانند فقط یک یا دو جلد آن را خوانده‌اند.

خواندن کامل این اثر وقت زیادی می‌برد و با دقت و تأملی هم باید خوانده شود. اما چیزی که هست زیبایی اصلی این اثر هم فقط در صورتی بر خواننده مکشوف خواهد شد که کلیت آن را بخواند و تعداد کسانی که این زیبایی را در هر سال کشف می‌کنند خیلی کم است.

کلیت در جست و جوی زمان از دست رفته ساختاری مثل خواب دارد. راوی این رمان گذشته‌ای فراموش شده را به یاد می‌آورد اما این گذشته تکه تکه زنده می‌شود و در ذهن او شکل می‌گیرد، بدون آن ترتیب زمانی‌ای که قبلاً با یکدیگر داشته‌اند. یعنی در واقع نحوه به یاد آمدن آنها از همان قانونی پیروی می‌کند که بر حوادث و صحنه‌های خواب حاکم است. صحنه‌ها و حوادث خواب هم که عمدتاً خاطراتی از عالم بیداری هستند، آن تقدم و تأخر قبلی خود را از دست می‌دهند. در عالم خواب فقط شباهت‌های کوچک حاکمیت دارند. گاهی که در خواب صحنه‌ای را می‌بینیم که شباهت کوچکی با یک صحنه دیگر دارد، به علت همین شباهت کوچک، این صحنه دوم را هم دنبال آن می‌بینیم. خاطرات راوی رمان پروست هم براساس همین شباهت‌های کوچک در ذهن او زنده می‌شوند. برای همین است که بعد از خواندن کامل آن احساس خواهی کرد که یک خواب بزرگ را خوانده‌ای.

هارولد پینتر ساختار در جست و جوی زمان از دست رفته را در تلخیص خودش آورده است. هرچند پینتر در جست و جوی زمان از دست رفته را برای نمایش بازنویسی کرد، و فی الواقع آن را در سال ۲۰۰۰ و در تئاتر سلطنتی لندن روی صحنه هم برد. اما آن کتاب در این اقتباس ماهیت رمان بودن خود را از دست نمی‌دهد. کسانی که اصل اثر پروست را به طور کامل خوانده‌اند روح و ساختار آن را در اثر پینتر هم باز خواهند یافت.

یکی از ابتکارات پینتر در این اثر استفاده از ایجاز‌هایی است که بسیاری از صحنه‌های رمان پروست را با خیال (ایماژ) نشان می‌دهند، که البته همه هم طوری است که می‌شود آنها را در تئاتر هم باز آفرینی کرد.

هارولد پینتر در سال ۱۹۷۲ و به کمک دو نفر دیگر از سینماگران انگلیس به نام‌های جوزف لوزی و یاربارا بری فیلمنامه‌ای از روی رمان پروست نوشت. این فیلم تا حالا ساخته نشده است، اما فیلمنامه‌اش چاپ شد و در رادیو هم اجرا شد. متن فعلی را پینتر از روی همان فیلمنامه و این بار به کمک خانم دای تروس تهیه کرد، که در سال ۲۰۰۰ در لندن به چاپ رسید.

## مشاوره اطلاعاتی: اصول، روش‌ها و فنون

علیرضا نوروزی، خالد ولایتی

نشر چاپار / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۳۰ صفحه / ۴۰۰۰ تومان



مشاوره اطلاعاتی یعنی کمک به «مراجع» برای ارضای نیازهای اطلاعاتی او که شامل مهارت‌هایی در چارچوب الگوی «حل مساله» است و اصول و قواعد خاصی بر آن حاکم است. در این کتاب فرایند مشاوره

اطلاعاتی به پنج بخش تقسیم شده است: یک - تعریف دقیق مشکل ۲ - تعیین هدف‌های حل مساله مورد نظر ۳ - تصمیم‌گیری درباره چگونگی دستیابی به هدف‌ها ۴ - به کارگیری یک راهبردی موثر برای دستیابی به هدف‌ها و ۵ - ارزیابی میزان موفقیت در کل فرایند. مشاوره اطلاعاتی در کنار سایر روش‌های کمک به افراد، سازمان‌ها و شرکت‌ها به طور روزافزون تخصصی شده است. بدین ترتیب لازم است نشان داده شود که چگونه می‌توان با آموزش و تمرین آن را بهتر انجام داد. این کار دشوار است و کتاب حاضر نیز مدعی نیست که تمام جنبه‌های مشاوره اطلاعاتی را به طور کامل ارائه کرده است. امروزه جایگاه مشاوره اطلاعاتی در شرکت‌ها و سازمان‌ها به سرعت در حال شکل‌گیری و توسعه است؛ اما جای خالی یک برنامه سازمان‌دهی شده و همه‌جانبه برای این منظور محسوس است. کتاب حاضر با هدف جایگزین کردن شیوه‌های پراکنده و سنتی مشاوره اطلاعاتی با یک برنامه دقیق، حساب شده و منظم برای یاری‌رساندن به متخصصان علم اطلاعات و اطلاع‌رسانی فعالیت دارند نوشته شده است. مشاوره اطلاعاتی، مراجع و مشاور اطلاعاتی و فنون و ابزارهای لازم برای مشاوره اطلاعاتی عناوین اصلی سه فصل کتاب حاضر هستند.

## قصه‌های قبل از غذا

فریبا کلهر / تصویرگر: کیانا فیروز / انتشارات قدیانی  
چاپ اول ۱۳۸۸ / ۸۰ صفحه / ۳۲۰۰ تومان



کتاب حاضر دربرگیرنده قصه‌های کوتاه با موضوع غذاست. عمه خانم خوش‌خنده، شادی کوچکی که از آن روغن می‌چکیده، سیاه‌پوش عجیبی به اسم بادمجان، رستوران‌خانی ننه بزرگه، ای آینه!

بگو کی از همه خوش‌مزه‌تر است؟، باغ لوبیاپلو، اگر زودپز بودم، چه آبگوشتی می‌پختم، افسانه شیرین پلوخانم، کوتوله‌های دارچینی، نلی پو غذایی ساکنان آسمان، هدیه دندان مصنوعی آرام و قرار، هر کی

کوفته می‌خواهد... دنبال بیاید، ساجمه پلو یا کیک ساجمه، افسانه آقای ماکارونی، آش شله قلمکار خوردی، همه چی خوردی! آش کشک خالته و آیا وسط همه کوفته‌ها یک هسته است؟ و... عناوین برخی از قصه‌های این مجموعه‌اند.

داستان «باغ لوبیاپلو» چنین شروع می‌شود: «دست‌پخت خانم خانه، نظیر نداشت. هر چه می‌پخت، خوش‌مزه می‌شد. به کسی نمی‌گفت؛ اما راز موفقیتش را در دو چیز می‌دانست. استفاده از زعفران و کره برای همه جور غذا!

تازگی‌ها چیز دیگری هم باعث خوش‌مزه شدن غذاهایش شده بود؛ و آن باغی بود که آقای خانه بیرون شهر خریده بود تا آخر هفته‌ها را آنجا بگذرانند... صبح یک روز پنجشنبه، خانم خانه زودتر از شوهر و پسر و دخترش بیدار شد و رفت تو آشپزخانه تا برای ناهار لوبیاپلو درست کند...

## ذکر مزامیر

حافظ ایمانی / نشر سوره مهر

چاپ اول ۱۳۸۸ / ۱۲۶ صفحه / ۲۶۰۰ تومان



کتاب حاضر دربرگیرنده غزل‌های حافظ ایمانی است. حریر بنفشه، نغمه بی‌صور، نستعلیق حیرانی، نردبانی به آسمان، آیات انگور، انگشت‌های معجزه، اسفار نیمه، خانقاه خمیره‌گردانی، گوشه مخالف هستی،

پیهاله‌گاه نگاه، گنجینه پنهان و... عناوین برخی از شعرهای مجموعه ایمانی را تشکیل می‌دهند. بخشی از غزل‌های بنفشه چنین سروده شده است:

بنفشه‌های دلم را بیا و رنگ کمان کن / به هفت جلوه رنگین کمان مبارکمان کن / چهل حقیقت آبی، چهل حریر بنفشه / چهل قناری قرمز، ولی اسیر بنفشه / عرق به شبنم انگورهای تازه نشسته / کنار جقه گل بوته بی‌اجاره نشسته / علف، ترنم خرد را در بهانه گرفته / و باربارش خورشید را به شانه گرفته / سکوت زبوق وحشی، صدای دره گیسو / گلاب طره‌گره خورده روی تره گیسو / نگاه کن که ببینی شبیه هیچ شدم من / دومی، دوتای مجعد، دو زلف پیچ شدم من /..

## راهکارهای آموزش تاریخ

نصرالله صالحی / انتشارات شورا  
چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۲۰ صفحه / ۲۲۰۰ تومان



این کتاب دربرگیرنده ۱۸ مقاله درباره آموزش تاریخ از نویسندگان مختلف داخلی و خارجی است. به گفته نویسنده کتاب گردآوری این مقالات و انتشار آنها به صورت کتاب، بیشتر از آن جهت انجام شده است که تاکنون کتاب مستقلی درباره آموزش تاریخ انتشار نیافته است.

در این کتاب، تقریباً همه نویسندگان مقالات، عملاً سال‌ها درگیر تدریس درس تاریخ بوده‌اند. از این رو مباحث مطرح‌شده در این مقالات، تا حد زیادی با تجارب علمی نویسندگان سنخیت دارد و می‌توان گفت که در این مقاله‌ها، رگه‌هایی از تجارب شخصی نویسندگان در کلاس‌های درسی مشهود است. هر مقاله به نوعی به جنبه‌ای از آموزش تاریخ می‌پردازد و با وجود تنوع موضوعی مقالات، تلاش شده تا هر یک از مقاله‌ها نظر به سنخیتی که با یکدیگر دارند، در پنج بخش مجزا تدریس و تنظیم شوند.

بخش نخست حاوی سه مقاله است. در این مقاله‌ها بیشتر به مباحث نظری آموزش تاریخ پرداخته شده است. در بخش دوم، چهار مقاله مرتبط با مسائل عمده آموزش تاریخ در مدارس آمده و در بخش سوم، چهار مقاله دیگر مربوط به آموزش تاریخ آمده که این موضوع را در سطح بالاتری مورد بحث قرار داده است. بخش چهارم حاوی سه مقاله مرتبط با

وسایل کمک آموزشی و موزه‌ها و مکان‌های تاریخی است. آخرین بخش کتاب، شامل چهار مقاله درباره اهمیت قصه و داستان در آموزش تاریخ و نیز چگونگی فعال‌سازی و شاداب‌سازی کلاس درس تاریخ است.

## غنی‌سازی فرهنگ ارزشیابی

بهمن حوریزاد / نشر لوح زرین  
چاپ اول ۱۳۸۸ / ۱۲۰ صفحه / ۲۴۰۰ تومان



مقصود از غنی‌سازی فرهنگ ارزشیابی، وارد کردن مفاهیم و تاکیدی است برای یادگیری که تاکنون مورد غفلت قرار گرفته‌اند. ایجاد موفقیت مساله‌ساز و دشوار، کاربرد ابزارهای اندازه‌گیری،

اندیشیدن به راه‌حل‌های دیگر مساله (تفکر واگرا) تاکید بر دامنه وسیع تکالیف با دید جامع‌نگر، توصیف پیشرفت و ضعف، بازخورد شناخت‌گرایانه، خود ارزشیابی و... از جمله مفاهیم و تاکیدی‌اند که در فرایند غنی‌سازی کانون مورد توجه قرار می‌گیرند. مولف کتاب فوق، مطالعه این اثر را به مدیران و کارشناسان سطوح مختلف آموزش و پرورش، مدیران و معاونان آموزشی آنها، دبیران و معلمان و اعضای گروه‌های آموزشی که در به کارگیری فرهنگ درس‌پژوهی نقش مهمی خواهند داشت و به کلیه کسانی که قلبشان برای آموزش و پرورش می‌تپد و مهم‌ترین دغدغه آنها بهبود کیفیت عملکرد آموزش و پرورش است توصیه می‌شود.

## کجا می‌رویم بابا؟

ژان لویی فورنیه / ترجمه: محمد جواد فیروزی  
انتشارات نگاه / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۱۶۰ صفحه / ۳۰۰۰ تومان



«کجا می‌رویم بابا؟» سوالی است که تو ما، معلول ذهنی - جسمی، هر بار که سوار ماشین پدرش می‌شود، به طور خستگی‌ناپذیری از او می‌پرسد. جواب هر چه باشد، آن «همیشه کودک» باز این سوال را بی‌وقفه تکرار

می‌کند. شاید این پرسش بنیادی ژان لویی فورنیه است که همچون یک ترجیع‌بند، مکرراً از زبان فرزند معلولش مطرح می‌شود. فورنیه می‌گوید: «این سوالی است که تو ما بدون وقفه از من می‌پرسد. او بی‌آن که متوجه باشد، سوال بنیادی‌ای را مطرح می‌کند که انسان از بدو خلقت برایش بی‌پاسخ مانده است.»

می‌دانیم که در پس‌چهره خندان انسان‌ها، شاید که غم‌انگیزترین رازها نهفته باشد و این همان چیزی است که در مورد ژان لویی فورنیه، این چهره شناخته‌شده طنزهای سیاه و طعنه‌آمیز، یار و دستیار کم‌مدین معروف فرانسوی پیر دسپروژ صدق می‌کند. فورنیه، این نویسنده مستعد و خالق کتاب‌های معروفی چون «بابام هرگز آدم نکشت» و «من به جهنم نخواهم رفت»، پدر دو فرزند معلول ذهنی - جسمی به نام‌های ماتئو و توماست. او این بار به یک موضوع تابو می‌پردازد و برای اولین بار از دو فرزندش و از زندگی درهم‌شکسته و بدون آینده آنها لب‌به‌سخن می‌گشاید.

کتاب روایتی است باشکوه، منقلب‌کننده و صادق. فورنیه با کلمات بازی نمی‌کند. به دنبال تحریک احساسات و مبالغه در آن یا تسلی دادن هم‌مقارانش نیست، اگرچه برخی با خواندن آن گریستند و تعداد بسیار کمتری خندیدند، اما بسیاری چشم‌هایشان را گشودند. او با صداقت مطلق می‌نویسد، به گونه‌ای که حتی به تفکرات شرم‌آور خود نیز به نوعی اعتراف می‌کند.

کتاب شیوه مبنی مالیستی و انتی میسمی خاص فورنیه را دارد. او توانسته است کوهی از قضایا و انبوهی از احساسات و هیجانات را در قالب تعداد اندکی کلمات بیان کند. جایزه مهم فمینا در سال ۲۰۰۸ هم به این اثر اختصاص یافته است.



مسیر علمی نویسی برای کودکان از کجا می گذرد؟

# زیباسازی و رشد محتوا، گامی رو به جلو

این که این مفاهیم برای یک کودک ایرانی در جنوب غربی آسیا چگونه روایت شود تا برای یک کودک هلندی، علمی تازه را به حوزه ای کاملاً تخصصی تبدیل می کند.

عمیق در این باره می گوید: «با توجه به نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ما به یقین باید در حوزه داستان، تعداد کتاب های تالیفی افزایش یابد؛ اما در حوزه کتاب های علمی چنین اعتقادی ندارم؛ چراکه الکترون همیشه و در همه جای جهان به دور هسته می چرخد به این معنا که بنیان های علوم همواره در تمام دنیا یکسان است.»

او می افزاید: «محققان اروپایی برای به دست آوردن اطلاعاتی از جنگل های استوایی با وجود خطرات بسیار زیاد راهی آفریقا می شوند و ما هم اگر می خواهیم در چنین حوزه های علمی صاحب تالیف باشیم، نیاز به تحقیق میدانی داریم. در ایران می توانیم در حوزه هایی مانند معادن، سنگ ها و کانی ها کار تالیفی انجام دهیم؛ اما روند سنگین اداری و عدم دسترسی نویسندگان به منابع این حوزه، عملاً کار را دشوار کرده است. زمانی که برای بازدید از یک معدن ساده، به نامه نگاری های فراوانی نیاز است، نویسندگان تمایلی به تالیف نشان نمی دهند.»

این مترجم پرکار این گونه صحبت هایش را تمام می کند: «هنوز بر این اعتقادم که نبود تالیف نباید سبب نفی ترجمه شود. گاهی شعار می دهیم که کتاب علمی تالیفی نیست؛ ولی واقعاً چه ایرادی دارد که ما کتاب علمی ترجمه شده داشته باشیم؟ آیا ما در حوزه صنعت خودرو فعالیت انجام داده ایم که دلمان می خواهد به جای کتاب ترجمه در حوزه خودرو کتاب تالیفی داشته باشیم؟»

## همکاری کارشناسان و نویسندگان

لاله جعفری، نویسنده کودکان و نوجوانان، از تجربه ای سخن می گوید که در آن کارشناسان حوزه ترافیک برای نویسندگان کودک و نوجوان سخنرانی می کردند و نویسندگان پس از آشنایی از زیر و بم مسائل ترافیک، شروع به نگارش کتاب برای کودکان و نوجوانان می کردند.

پیشنهاد جعفری در حوزه کتاب های علمی نیز استفاده از این شیوه است. او می گوید: «تخصص علمی و تخصص نگارش دو کفه ترازو برای تولید یک کتاب علمی مناسب است و بی تردید کنار هم گذاشتن توانایی نویسندگان و کارشناسان روشی مستحکم برای تولید کتاب علمی است.»



باقبل نیست و هنگامی که این صنعت رو به رشد با محتوای ترجمه که به دقت برای کودکان و نوجوانان آماده شده، همراه می شود، گامی به جلو در حوزه کتاب های علمی شکل می گیرد.»

تویسرکانی به هزینه ها و دشواری های تولید کتاب علمی برای کودکان اشاره می کند و معتقد است باید نویسندگان را در برابر این دشواری ها حمایت کرد. او می گوید: «ناشر یا نویسنده ای نداریم که با این دشواری ها به سمت تولید کتاب علمی پرهزینه بیاید. من معتقدم در ایران کسی را نداریم که زبان علمی برای کودکان و نوجوانان را بشناسد. در ایران افرادی وجود دارند که به خوبی زبان ادبی کودک و نوجوان را شناخته اند و آثار خوبی هم در این حوزه ارائه می دهند؛ اما هنوز چنین توانایی در حوزه علمی تخیلی وجود ندارد.»

## افزایش کتاب های تالیفی

مجید عمیق، مترجم و گردآورنده پرکار در حوزه کتاب های علمی است. او کمتر به بومی نویسی در حوزه کتاب های علمی اعتقاد دارد، چرا که می گوید: «الکترون همه جای جهان الکترون است.» اینکته برخی مفاهیم علمی مبنای مشترکی در کشورهای مختلف دارند، یک واقعیت است، اما

علمی و فانتزی کودک و نوجوان ایران شکل گرفته، نوعی کپی برداری از غرب است که ممکن است به پیشرفت این ژانر در ابعاد بومی نیز بینجامد.»

این نویسنده و مترجم که چندی پیش کتاب های علمی جشنواره کتاب برتر را داوری کرده است اضافه می کند: «تجربه ام در بررسی تعداد زیادی از کتاب های منتشر شده کودک و نوجوان در سال گذشته، نشان داد که ما اصلاً در حوزه کودک و نوجوان اثر تالیفی علمی خوب نداشته ایم. نکته مهم این است که حجم این کتاب ها بالا بوده، درحالی که برای داشتن کتاب علمی خوب، باید طرف دیگر ترازو که دقت علمی کتاب هاست، سنگینی کند، نه حجم صفحات و شمارگان کتاب.»

تویسرکانی به این سوال که «به جز ساده نویسی، کتاب علمی خوب باید چه ویژگی هایی داشته باشند؟» این گونه پاسخ می دهد: «پیش از آن که به بحث فنی و محتوایی یک کتاب علمی اشاره کنم، باید بگویم مساله چاپ و زیباسازی، نخستین موضوعی است که برای کودک ایجاد جذابیت می کند که ناشران ما هم در سال های اخیر گام مثبتی در این زمینه برداشته اند. در یکی دو سال اخیر ناشران ایرانی کتاب هایی به بازار نشر فرستاده اند که قابل مقایسه

علمی نویسی، ژانری خاموش در ادبیات کودکان و نوجوانان ایران است. اگر خیال، تصرف شاعر است و با بهره گیری از این عنصر می توان داستان یا شعر ناب برای کودکان خلق کرد، علمی نویسی عنصر خیال را کنار می گذارد و به سمت فضاهایی واقعی می رود و تعداد اندکی از نویسندگان از دوره مشروطه تاکنون به علمی نویسی روی آوردند.

مهرداد تویسرکانی، نویسنده و مترجم آثار علمی برای کودکان می گوید: «علمی نویسی کار سختی است. گاهی فکر می کنیم که علمی نویسی یعنی تقلیل نوشتن موضوعی، در صورتی که علمی نویسی کودک یعنی شفاف سازی و ساده نویسی. ما در یک کتاب علمی کودک می خواهیم مفاهیم ساده را در اختیار کودک قرار دهیم و این کار تلاش و مطالعه فراوانی می طلبد.»

سادگی متون علمی برای کودکان و نوجوانان از یک طرف به سادگی واژگان و از سوی دیگر به ساختار جملات وابسته است. گنجه و واژگان کودکان و نوجوانان به واسطه امکانات اجتماعی، آموزشی و فرهنگی متفاوت است.

تویسرکانی حوزه ترجمه و تالیف علمی را در ایران جدا می کند و در نقطه مقابل، از نبود آثار تالیفی قابل قبول سخن می گوید. به اعتقاد او، از نظر ترجمه، نشر علمی کودک و نوجوان شرایط خوبی دارد و ناشران بزرگی با دقت در این حوزه کار می کنند. او از ناشرانی مانند افق، قدیانی و محراب قلم نام می برد که کتاب های ترجمه قابل قبولی در این حوزه تولید کرده اند.

اصطلاح «دانش پایه» به میانگین اطلاعات یک گروه سنی گفته می شود. نویسنده کودکان و نوجوانان علاوه بر این که باید از میانگین اطلاعات علمی مخاطبش آگاه باشد، می کوشد تا دانش پایه او را بالا ببرد.

بی تردید راه کتاب های علمی با افزایش این دانش پایه برای کودکان همراه است. شاید آنچه علمی نویسی را برای نویسندگان داخلی دشوار کرده، مطالعه ناچیز در حوزه روان شناسی کودکان و نوجوانان و ارتباط محدود آنها با مخاطبان باشد.

## گامی به جلو

تویسرکانی با را از مباحث فنی بیرون می گذارد و درباره زندگی نویسندگان ایرانی می گوید: «تالیف در حوزه علمی کودکان و نوجوانان از نظر مادی و معنوی به صافه نیست و حرکتی که اکنون در حوزه

## یادداشت

محمد قصاص

نویسنده و مترجم آثار علمی



## کسر شأن علمی نویسی برای کودکان!



باید بپذیریم که در زمینه نگارش کتاب های علمی هیچ گاه به مرز تولید بومی نرسیده ایم، اما معتمد کسائی وجود دارند که شایستگی نگارش این نوع کتاب ها را دارند، ولی هنوز قانع نشده اند که باید برای کودکان کتاب علمی نوشت.

زمانی که به یک استاد دانشگاه که صلاحیت کامل برای اظهار نظری علمی درباره موضوعی خاص را دارد، گفته می شود به زبان ساده آن موضوع را برای بچه ها مکتوب کند، به نوعی کسر شأن خود می داند این کار را انجام دهد! ساده نویسی آثار علمی برای کودکان و نوجوانان به مراتب سخت تر از تولید اثر برای دانشجویان است. استادان مطرحی مانند «کلارک»

داوری جشنواره کتاب برتر، این فرصت را به من داد تا کتاب های زیادی را در حوزه علمی بررسی کنم. من کتاب هایی دیدم که از نظر محتوا و ظاهر شرایط مطلوبی داشتند، اما متأسفانه ما هنوز به جایگاه کتاب علمی نرسیده بودیم.

برخی از مترجمان معتقدند مبنای بسیاری از علوم یکسان است و آثار ترجمه همان کارکرد کتاب های تالیفی را دارد، در صورتی که این طور نیست. ما دو نوع کتاب علمی داریم؛ یکی علوم سخت و دیگری علوم نرم. علوم نرم همان علوم انسانی اند که معمولاً در نقاط مختلف جهان متفاوتند که به یقین ترجمه نمی تواند جوابگوی این علوم باشد، اما در علوم سخت هم باید بگویم کتاب برای مخاطبانی خاص و با فرهنگی ویژه تولید می شود و در زمان ترجمه تفاوت مخاطب مشهود است. در چنین شرایطی است که بحث بومی سازی مطرح می شود و ناشران دیدگاه های مختلف و متنوعی در این باره دارند.

زمانی علمی نویسی برای کودکان و نوجوانان در ایران شکل می گیرد که متخصصان و استادان دانشگاه برای نگارش کتاب هایی در این حوزه احساس نیاز کنند.

بوده اند که با آن مقام بالا، برای کودکان نوشته اند. به نظر استادان ما هم باید به اهمیت حوزه کودک و نوجوان پی ببرند.

نکنه ایجاست که این کودکان و نوجوانانند که باید برای آنها کتاب نوشت و برای این که نویسنده در این حوزه فعال شود، باید برای او انگیزه های مادی و معنوی ایجاد شود.

حالا سوال این است که چگونه می توان این انگیزه ها را برای نویسنده ایجاد کرد؟ برای یک ناشر در دوره ای که قانون حق مولف در ایران وجود ندارد، به یقین نگارش اثر تالیفی، صرف نمی کند و او ترجیح می دهد که یک کتاب علمی ترجمه را روانه بازار نشر کند. پس انگیزه مادی تا حدودی کنار می رود، اما پیش از انگیزه مادی به یقین انگیزه معنوی، یک نویسنده را به سمت این حوزه می کشاند. یک نویسنده تا زمانی که احساس نیاز نکند که باید بنویسد، اثری خلق نمی کند!

هنوز مرزبندی های ادبیات کودک و نوجوان با ادبیات بزرگسال در ایران مشخص نیست از این رو باید ابتدا این مرزها مشخص و سپس زیرساخت ها برای علمی نویسی طی یک روند چند ساله تعریف شود.





بهزاد خواجهات از شاعرانی است که می توان او را در میان شاعران دهه ۷۰ قرار داد؛ هر چند که شیوه کاری او با شاعران این نسل متفاوت است. وی تحصیلات آکادمیکش را تا سطح دکترا انجام داده است و شاید همین نکته به او کمک کرده تا از سنت ادب فارسی دور نیفتد و پا در سستی ناکجا نگذارد. شعرهای خواجهات، چنانچه در منتخب اشعار او با عنوان «حکمت مشاء» نیز پیداست، توجه به فرم و محتوا را به صورت تاملان دنیال می کند. او شاعری است که هیچ یک از این دو را فدای دیگری نمی کند و اتفاقاً این همان نکته ای است که میان او با برخی از شاعران هم نسلش تفاوت ایجاد می کند. گفت و گویی که در ادامه می آید به مناسبت انتشار منتخب آثارش توسط نشر تکا با او انجام شده است. او در گذشته آثاری همچون «چند پرند مانده به مرگ؟»، «جمهور»، «منازعه در پیراهن (نقد ادبی)» و «زبان و ادبیات فارسی» (درس نامه دانشگاهی) را منتشر کرده است. خواجهات همچنین چند مجموعه شعر را آماده چاپ دارد.

«حکمت مشاء» در گفت و گو با بهزاد خواجهات

## وفاداری شاعر به تجربه هایش

گرفتم نامی را انتخاب کنم که همه این تجربیات را در برگیرد. «مشاء» به معنای راه رفتن است. این بود که عنوان متضادگونه «حکمت مشاء» را انتخاب کردم که به نوعی افلاطون را در مقابل ارسطو قرار می دهد. «حکمت مشاء» یعنی چرایی و دلیل راه شاعرانه ای که من طی کرده ام تا به این جا رسیده ام. شما علاوه بر تدریس در دانشگاه، سابقه نوشتن نقد ادبی هم دارید. این مساله تا چه اندازه می تواند جلو کار شاعرانه شما سد ایجاد کند؟

نقد ادبی رami توان تا اندازه ای خشن و تند دانست. به نظرم نوشتن نقد ادبی و توجه به تئوری های آن تا اندازه ای با خلاقیت های شاعرانه همخوانی ندارد. یعنی کسی که به عنوان یک منتقد حرفه ای کار می کند، ممکن است چنان متوجه این بخش از کارش شود که نتواند به طور خلاقانه کار ادبی انجام دهد. این نکته ممکن است خطری بسیار بزرگ برای کسی باشد که می خواهد به طور حرفه ای در حوزه ادبیات خلاصه کار کند. البته منظورم این نیست که نقد، کاری غیر خلاقانه است، با این همه معتقدم که یک نویسنده حرفه ای به سختی می تواند این دو کار را با هم انجام دهد. البته خودم را یک منتقد حرفه ای نمی دانم و هرگز نیز چنین ادعایی نداشته ام، با آنکه نقد می نویسم و جوایزی همچون جایزه نقد نویسی نیما را نیز دریافت کرده ام. در دانشگاه نیز نقد ادبی تدریس می کنم. با همه اینها ترجیح می دهم خودم را منتقد ندانم. من خودم را شاعر می دانم، شاعری که گاه دغدغه های خودش را به شکل نقد ادبی می نویسد. به همین دلیل جریان های نقد آنقدر در من غلیظ نیست که بخواهد تهدیدی برای کارم ایجاد کند. البته این نکته همواره مورد توجه ام هست و سعی می کنم به آن توجه کنم.

این روزها چه کتاب هایی را در دست چاپ دارید؟ سه کتاب با عنوان های «راز شادابی پوست»، «تئوری انقراض دایناسورها» و «صفر سفر» را در دست چاپ دارم.

راز سلامتی پوست؟

بله. این هم یک مجموعه شعر است با اسمی غیر متعارف که شاید برخی از خوانندگان غیر متعارف را جلب شعر کند. کتاب «تئوری انقراض دایناسورها» برای دریافت مجوز انتشار به وزارت ارشاد تحویل داده شده است. دو کتاب دیگر هم هنوز مراحل نگارش را طی می کنند.

شما چگونه شعرهای خود را تبدیل به یک مجموعه می کنید؟ آیا وقتی به حجم معینی رسید چنین می کنید یا معیارهای دیگری هم دارید؟

شکل گیری یک کتاب برای خود من نوعی فصل گذاری احساسی است. وقتی دوره ای احساسی شاعرانه را سپری می کنم، حس می کنم که باید وارد فضایی جدید شوم. به همین دلیل شعرهای دوره قبلی ام را به دست چاپ می سپارم. به طور متوسط هر دو سال کتابی را آماده چاپ کرده ام. اما این نکته دلیل بر آن نیست که کتاب هایم باید به حجم مشخصی برسند. مثلاً «صفر سفر» بسیار کوتاه است؛ حدود ۶۰-۷۰ صفحه. این کتاب فضایی عرفانی دارد. شعرهای کوتاهی است که من آنها را در دوره خاصی نوشته ام. معمولاً حسی پنهان به من می گوید که کتابی تمام و کتابی دیگر آغاز شده است.



شده تا با سنت شعر فارسی نا آشنا نباشم. توجه ام به سنت شعر فارسی سبب شده تا معنا را در شعرم تعطیل نکنم. شعرم همیشه معنایی داشته است. حتی اگر گاه به زبان و بازی های زبانی هم توجه داشته ام به این شکل بوده که در خدمت معنا قرار بگیرد. در حقیقت مفهوم و فرم، در کنار هم معنا می شوند و سر برمی آورند.

در شعرهایتان از نام های خاص بهره می گیرید، نکته ای که شعر شما را دارای ارجاع بیرونی می کند. در ابتدا می خواستم در این باره بگویم که این اسم های خاص چه کارکردی در شعرهای شما دارند؟ آیا این خطر را حس نمی کنید که شعرهای شما تاریخ مصرف دار بشوند؟

یکی از مسائلی که شعر امروز ایران به آن دست یافته و به هیچ وجه به من نیز اختصاص ندارد، عینی شدن حرکت های شعری است. یکی از شاخصه های این عینی شدن، به کارگیری اسم های خاصی است که خود شاعر تجربه کرده است. البته این نکته به نوعی در شعر سنتی هم هست. به عنوان مثال، وقتی حافظ از شاخه نبات حرف می زند، به نوعی به اسم خاص اشاره دارد. حالا ما این اسم را کدشکنی می کنیم و به اسمی خاص می رسیم. سعدی و بسیاری دیگر از بزرگان ما نیز چنین کرده اند. نیما هم از «واژنا» و «داروک» بهره گرفته است. به کارگیری این مسائل در شعر، کمک می کند تا شاعر مسائل تجربه تر شده ای را به نمایش بگذارد. به گمان من، وقتی که من نوعی، هر روز کارون و اروندرود را در مقابلش می بینم، چه دلیلی دارد که از تجربه های کلی بنویسم؟ از همین رو، آوردن اسم های خاص در شعر را می توان وفاداری شاعر به تجربیات خودش دانست. این نکته سبب می شود تا مخاطب هم خود را به شعر نزدیک تر حس کند.

اسم کتاب را چطور انتخاب کردید؟

یکی از کتاب های من «جمهور» نام دارد که به نوعی یادآور کتابی از افلاطون است. من در آن مقطع زمانی خیلی به فلسفیدن در شعر علاقه داشتم. در کتاب های دیگر هم سیرهای دیگری را آزموده ام. وقتی قرار شد منتخب اشعارم را منتشر کنم، تصمیم

نق نق های یک دختر لوس و بی مزه می دانست. اما همین شعرها در مجموعه کارهای او قرار دارند، چرا که نمی توان گذشته را کتمان کرد. البته من نمی خواهم خودم را با او مقایسه کنم. از سویی من با این نکته موافق نیستم که باز نشر شعرها در یک مجموعه منتخب، تکرار اشتباهات گذشته است، اگر اشتباهی در کار بوده باشد و شاعری اشتباه های خود را در کارهای جدیدش تکرار کند قابل نقد است، نه آنکه به نوعی بخواهد گذشته خود را پیش روی مخاطبان بگذارد.

یعنی شما وسوسه نشدید که در برخی از شعرها دستی ببرید و تصحیحشان کنید؟

در اغلب موارد تغییری در شعرها نداده ام و اگر گاه تغییری در آنها داده ام در حدیک کلمه بوده است. اما در ساختار و زبان شعرها به هیچ وجه دست نبرده ام. به گمان من، اگر می خواستم کارها را اصلاح و ویرایش کنم، مخاطب با مجموعه ای دیگر روبرو می شد، نه با منتخبی از کارهای گذشته من. در صورتی که که بنا بر این بوده که مخاطب، سیر گذشته شاعرانه من را پیش روی خود ببیند.

شما برای آنکه شکل اولیه شعر حفظ شود و در عین حال امضای شاعرانه فعلی تان هم در کار باشد، می توانستید دو شکل اولیه و تصحیح شده کار را در کنار هم بیاورید. آیا به این موضوع فکر کرده اید؟

ارائه یک مجموعه شعر به این شکل، آن را به نوعی کارگاهی می کند که بیشتر به درد تدریس یا کاری فنی می آید. اما من می خواستم سیر کارهایم را در اختیار مخاطب بگذارم. به گمانم اگر می خواستم چنین کنم، کارم کمی بوی ریا می گرفت. به طور قطع، نمی توانستم کارهای گذشته ام را ویرایش کنم. شعرهای شما برخلاف بسیاری از هم نسلانان، به طور همزمان به فرم و معنا توجه دارند. این نکته به شکل بسیار روشنی در این مجموعه هم وجود دارند. آیا برای انتخاب این شعرها از الگوی خاصی بهره گرفته اید؟

در کتاب اولم که با عنوان «چند ترانه مانده به مرگ؟» سیری را در پیش گرفته بودم که در آن توجه ام به زبان بسیار کم بود. اما در ادامه کارم به مجموعه شعر «جمهور» رسیدم که آن توجه ام به زبان بیشتر شد. منش شاعری ام این گونه است که از همه جریان ها و مسائل شعری سعی می کنم بیاموزم، اما از آن سو در تلاشم که در آنها استحاله نشوم. شاید مهم ترین علت این شیوه برخورد من آن باشد که در عرصه ادبیات، به طور آکادمیک درس خوانده ام و این سبب

یکی از مسائلی که شعر امروز ایران به آن دست یافته و به هیچ وجه به من نیز اختصاص ندارد، عینی شدن حرکت های شعری است. البته این نکته به نوعی در شعر سنتی هم هست

مجموعه ای از کارهای شما در این کتاب کنار هم قرار گرفته است. این شعرها تا چه اندازه می تواند بر آیند دوره های شاعرانه شما را به نمایش بگذارد؟ این کتاب منتخبی از شعرهایی است که پیش از این در کتاب هایم منتشر شده اند. البته برخی از کارها را از کتاب های در دست چاپم انتخاب کرده ام. از همین روست که به گمانم مخاطب، سیری منطقی را در این کتاب پیدا می کند. این سیر را می توان این گونه تعریف کرد که کارها از سادگی به سمت توجه بیشتر به مفاهیم و زبان پیش می رود، سیری که منطقی هم به نظر می آید؛ البته هیچ گونه پیش داوری درباره سادگی ندارم، چرا که سادگی خود می تواند دارای دشواری ها باشد که در پیچیدگی نیست. سیری پانزده ساله در این کتاب قابل مشاهده است که به نوعی می توان آن را در پختگی زبان و بیان مفاهیم جستجو کرد. به هر حال این کتاب نشان می دهد که شاعرش چگونه کار خود را آغاز، چه مسیری را طی کرده و حالا در کجا قرار دارد. این نکته چه بخواهم و چه نخواهم در کتاب قابل پیگیری است.

وقتی شاعری کارهای نخستین اش را در کتابی دوباره منتشر می کند، به نوعی بر آنها مهر تایید می زند. به نظر شما انتشار کتاب هایی که کارهای دوران مختلف یک شاعر را در کنار هم قرار می دهد، چه نکات مثبتی دارد؟

مجموعه آثار به نوعی کارنامه یک شاعر به حساب می آید که در آن شاعر خود را برای خود و برای مخاطبان بالقوه اش بازتعریف می کند. از این رو نکات مثبت و منفی کار یک شاعر در مجموعه اشعار او در کنار هم خواهند آمد. همین که این مجموعه ها به خواننده این فرصت را می دهد که سیر تحولی شاعر را بررسی کنند، خود از نقاط مثبت آن است. البته شاید خیلی از شعرهایی که در این مجموعه به عنوان منتخبی از کارهای گذشته ام منتشر شده اند، دیگر برایم چندان جالب نباشند و از خوانندشان لذت نبرم، اما به عنوان پله ای که زمانی من روی آن ایستاده بودم، غیر قابل چشم پوشی اند. این سیر تحولی می تواند مورد توجه باشد. به نظر من هر شاعر باید مجموعه کارهای خود را در کنار هم ببیند و علاوه بر این خود را برای خود بازتعریف می کند و این فرصت را برای خوانندگان نیز فراهم کند که چنین نگاهی به کارهایم داشته باشند. این نکته دلیلی بر آن نیست که همه شعرهایی که در این مجموعه می آید در هر مجموعه دیگری آمده اند، مورد تایید شاعرند. شاید برخی از کارها خام و ناپخته باشند، اما به نوعی مسیر حرکت شاعر را به نمایش می گذارند. مثلاً شاید اگر می خواستم خیلی از این شعرها را الان بنویسم، حتماً به گونه ای دیگر نوشته می شدند. اما به گمانم در هنر، گذشته هیچ کس نه قابل کتمان است و نه ضرورتی برای این کار وجود دارد. گذشته هنری به هیچ وجه جای شرمندگی ندارد. به هر حال هر کسی سیری را طی کرده است تا به جایگاه کنونی اش رسیده است.

اما تکرار اشتباهات قابل نقد است...

بله. شاعران بسیاری هستند که وقتی درباره گذشته شان حرف می زنند، آن را به نقد می کشند. مثلاً وقتی فروغ فرخزاد در مورد کارهای نخستین اش همچون «اسیر» و «عصیان» حرف می زد، آنها را

از همان ابتدای گزارش، حواسمان به این بود که ناتمام این حرف‌ها، تنها با درد دل‌های یک کتابخوان حرفه‌ای تمام می‌شود. از آنجا که کتاب جای خالی خیلی چیزها را در زندگی «سید علی میرفتاح» - روزنامه‌نگار و طنزپرداز - پر کرده است و به قول خودش، تنها دل خوش به آن دارد، سراغی از او گرفتیم تا حرف آخر این ماجرا را از زبان او بشنویم.

**به تازگی جریانی در برخی فروشگاه‌های کتاب پا گرفته که در آن به معرفی پر فروش ترین کتاب‌های ماه اصرار می‌شود. به عنوان یک دمخور دائمی با کتاب، به این عنوان‌ها توجهی می‌کنید؟**

ببینید، معمولاً پر فروش بودن یا نبودن کتابی برای کسانی که به شکل دائمی کتابخوانی را دنبال می‌کنند، مهم نیست. بیشتر، جوانانی جذب این عنوان‌ها می‌شوند که اخبار سایت‌ها را دنبال می‌کنند یا این که دنبال این هستند که بدانند چه کتاب‌هایی در بورس هستند و از آنها زیاد حرف به میان می‌آید.

**فکر می‌کنید این نوع معرفی چه عواقبی برای همین کتابخوانان غیر حرفه‌ای می‌تواند به دنبال داشته باشد؟**

گاهی این روند نگران کننده می‌شود. یاد می‌آید زمان زیادی از انتشار کتاب کافه پیانو نگذشته بود که به عنوان پر فروش ترین کتاب ماه معرفی شد. تب خواندن این کتاب به ویژه میان جوان‌ترها به چشم می‌آمد. درحالی که همان زمان، کتاب‌های خوب دیگری در سایه باقی ماندند و کمتر کسی به آنها توجه می‌کرد.

**به نظر نمی‌رسد که قصد از معرفی پر فروش‌ها تنها اطلاع‌رسانی باشد و احتمالاً این میان‌ناشرانی هستند که می‌خواهند از این جریان سود ببرند. این که تعداد زیادی از این پر فروش‌ها از میان کتاب اولی‌ها هستند، به اثبات این فرضیه دامن می‌زند. اصلاً از اساس چه ارزیابی از این نوع معرفی کتاب دارید؟**

ناشران، یک کار بازرگانی انجام می‌دهند. نمی‌شود به آنها هم خرده گرفت. این کارمخارج سنگینی دارد و آنها در این فکرند که از هر راهی شده، از پس آن برآیند. از آنجا هم که کتاب اولی‌ها حق التالیف کمتری دریافت می‌کنند، بدشان نمی‌آید که کارهای آنان را به چاپ‌های بعدی برسانند. من نمی‌گویم معرفی پر فروش‌های کتاب کار نادرستی است اما باید به گونه‌ای برنامه ریزی شود که در کنار فروش این کتاب‌ها، آثار خوب دیگر مهجور نمانند.

**فکر نمی‌کنید معرفی کتاب‌هایی که محتوای ارزشمندی ندارند، در نهایت به وضعیت کتاب و کتابخوانی ضربه می‌زند؟**

همین الان هم در شرایطی هستیم که با به کار بستن این راهکارها برای فروش بهتر کتاب، متأسفانه افراد کمی اهل مطالعه دائمی‌اند. یعنی حتی کسانی که نوع حرفه‌شان جوری است که باید با کتاب سروکار بیشتری داشته باشند گاهی از آن دوری می‌کنند. میان روزنامه‌نگاران، فرهنگیان و اصحاب رسانه و حتی برخی از مدیران هم کسی که کتاب رفیق گرمابه و گلستانش باشد، خیلی زیاد نیست. در این شرایط هم بسیاری از ناشران دغدغه کار فرهنگی را رها کرده‌اند و تنها به منافع شخصی نظر دارند.

**سید علی میرفتاح معمولاً از چه راه‌هایی به کتاب‌های خویش می‌رسد؟**

کتاب مثل عطر می‌ماند. وقتی از عطری که کسی زده خوششان می‌آید اسمش را می‌پرسید و به آن می‌رسید. دوستان خوبی دارم که در انتخاب کتاب به آنها اعتماد می‌کنم. تا به هم می‌رسیم از کتاب‌های خوب حرف به میان می‌آید. جو بازار کتاب و فروشگاه‌های انتشاراتی‌ها و زرق برق تصویرسازی‌های روی جلد و البته و البته پر فروش‌ترین‌ها، روی من تأثیری نمی‌گذارند.



دور است

معصومه اصغری

فهرست پر فروش‌های کتاب؛ از واقعیت تا...

# آواری بر سر انتخابی آزادانه



تابلوی پر فروش‌ترین‌ها را داریم و نه سایت یا محفلی از نویسندگان که تبلیغ کتاب‌هایمان را کنند. بنابراین، تنها به ویرترین تکیه زده‌ایم و اتفاقاً نتایج خوبی هم از این بابت گرفته‌ایم.»

«علی بیگ» صادقانه می‌گوید که ویرترین این فروشگاه ویژه کتاب‌های مروارید است. چون کتاب‌هایشان در فروشگاه‌های دیگر عرضه نمی‌شوند. او می‌گوید: «در کنار ویرترین، میزی هم هست که تازه‌ترین کتاب‌ها را روی آن به نمایش می‌گذاریم و نمی‌گویم کدام پر فروش است. زمانی که کتابی خوب باشد، همه خواندن آن را به یکدیگر پیشنهاد می‌کنند.» مسوول فروشگاه نشر مروارید از کنار احساسی که نسبت به روند تازه معرفی پر فروش‌ترین کتاب‌ها دارد، نمی‌گذرد و آن را این گونه بیان می‌کند: «اگر برای خرید به این فروشگاه بروم، توجهی به این چیزها نمی‌کنم. شاید به این دلیل باشد که سال‌هاست با کتاب مأنوسم. اما یادمان نرود که این تابلوها مورد توجه جوانانی‌اند که دوست دارند در کتاب خواندن هم به روز باشند و از این قافله عقب نمانند. پس باید کاری کنیم که آنها بیشتر به خواندن کتاب راغب شوند. نه این که با یک معرفی نامناسب، فاصله‌شان را با کتاب از همین چیزی که در جامعه‌مان وجود دارد هم بیشتر کنیم.»

## جرات معرفی کتاب را ندارم!

فروشگاه نشر «نی» همسایه دیوار به دیوار نشر چشمه است. شاید به همین دلیل است که وقتی کتاب مورد نظر مشتریان‌شان را ندارند، او را به هم پاس می‌دهند، اما اینجا تابلوی پر فروش‌ها خبری نیست. مدیر فروش این انتشارات می‌گوید که مدت‌هاست کتابی را به کسی معرفی نکرده است و دلیلش را تنوع سلیقه‌ها می‌داند: «بارها پیش آمده کتابی را به یکی از مشتریان معرفی کرده‌ام اما بعد از مدتی، با گلایه سرانجام آمده و گفته‌اند آقا این چی بود که ما دادی؟ حالا می‌دانم که هر چیزی مورد پسند من باشد، حتماً مورد توجه دیگران قرار نمی‌گیرد.»

لطیف لطیف زاده سوالی هم مطرح می‌کند که خودش پاسخش را در آستین دارد: «ما از کجا، آن هم با این سرعت می‌توانیم آمار پر فروش‌ها را داشته باشیم؟ بارها دیده‌ام که هنوز داریم کتابی را در ویرترین می‌چینیم که خبر رسیده نام فلان کتاب در فهرست پر فروش‌ترین‌ها آمده است! فروشگاه‌هایی که این کار را انجام می‌دهند، باید عنوان کنند که تنها دارند آمار خودشان را ارائه می‌دهند. البته باید نظارتی بر این روند حاکم باشد تا کتاب‌های ضعیف به چاپ‌های بعدی نرسند.»

پر فروش می‌شود. نمی‌شود گفت که تمام پر فروش‌ها کتاب‌هایی‌اند که تمام سلیقه‌ها را راضی می‌کنند. یک موضوع دیگر را هم باید اضافه کنم. اگر چنین اتفاقی هم در برخی انتشاراتی‌ها در حال رخ دادن باشد، یکی از دلایلش ضعیف عمل کردن رسانه‌های ما درباره معرفی کتاب و شفاف‌سازی در این حوزه است. این ضعف باعث می‌شود انتشارات مختلف برای به فروش رساندن کتاب‌هایشان دست به دامن چنین راهکارهایی شوند، اما باز هم تکرار می‌کنم که ما اینجا تنها قصد اطلاع‌رسانی داریم و این به آن معنا نیست که پر فروش‌ترین‌های ما، بهترین کتاب‌های فروشگاه‌ها هم باشند.

## معرفی پر فروش‌ها: تحمیل به خوانندگان

انگار مسوول فروش انتشارات ققنوس دل‌پروردی از این ماجرا دارد. از همان ابتدا رک و راست شروع به انتقاد از این شیوه می‌کند و آن را باعث آسیب رساندن جدی به کتاب‌های خوب دیگری می‌داند که به هر دلیلی راهی به این تابلوها پیدا نکرده‌اند. او می‌گوید: «روش خوبی نیست؛ برای گفته‌ام هم دلیل دارم. بیشتر کتاب‌هایی که نامشان روی این تخته‌ها ذهن مخاطبان را برای انتخاب کتاب به بازی می‌گیرند، اصلاً قابلیت و جذابیت این را ندارند که به چاپ‌های بعدی برسند. با کمی تفکر می‌توان متوجه شد که راهکاری است غیر حرفه‌ای برای رسیدن به سود بیشتر در حوزه نشر کتاب.»

شاهرخ نادرپور، با اشاره به این که مخاطب باید برای انتخاب کتاب آزادی عمل و اندیشه داشته باشد، معرفی پر فروش‌ها را، تحمیل به خوانندگان می‌داند و می‌گوید: «ممکن است کتابخوانان حرفه‌ای از این دام برهند، اما ما که کار فرهنگی انجام می‌دهیم، باید حواسمان به مخاطبی هم باشد که تازه در ابتدای دوستی با کتاب است. بیشتر این افراد به دلیل فقر آگاهی، جذب پر فروش‌ها می‌شوند. فکرش را بکنید که مخاطبی غیر حرفه‌ای در دام همان حقه‌ای که در برخی انتشاراتی‌ها در جریان است بیفتد و کتاب ضعیفی را به عنوان بهترین کار بخرد و بخواند. آیا پس از به اتمام رساندن کتاب، ما شناس ملاقات دوباره آن مشتری را که احساس رو دست خوردن دارد خواهیم داشت؟»

## معرفی کتاب، وظیفه‌ای بر عهده ویرترین

«معرفی پر فروش‌ها تنها به کار آن دسته از مخاطبانی می‌آید که شناخت زیادی از نویسنده‌گان خوب ندارند و جذب این نسخه‌ها از پیش تعیین شده می‌شوند.» مدیر فروش انتشارات مروارید با این گفته‌ها به ویرترین فروشگاه اشاره می‌کند و می‌گوید: «اما نه

دیگر گذشت زمانی که می‌شد به این جمله دل خوش کرد: «هر کتابی ارزش یک بار خواندن را دارد.» این روزها همه انگار در کشاکش سرعت زندگی ماشینی، در رفت و آمدند و با آن همگام شده‌اند. وقت همیشه تنگ است و حکم آن ماهی بیقراری را دارد که مدام از ما می‌گریزد. بی‌تعارف، همه‌مان یک جورهای دنبال لقمه‌ای آماده‌ایم. حتی در انتخاب کتاب. کافی است بشنویم فلان کتاب به چاپ چهاردهم رسیده، آن وقت است که شال و کلاه می‌کنیم و می‌رویم و می‌خریم و می‌خوانیمش! و خدا کند که پشیمان نشویم.

واقعیت این است که برخی پر فروش‌های این روزها، آنقدر با کتاب‌های خوبی که هنوز بعد از گذشت سال‌ها در ذهن مان ستایش‌شان می‌کنیم، فاصله دارند که هم‌زمان با رسیدن به پایان‌شان گرفتار این سوال می‌شویم که دل‌مان باید به چه چیز آنچه خوانده‌ایم خوش باشد؟ مهم‌تر این که، چه عاملی باعث پر فروش شدن چنین کتاب‌هایی می‌شود؟ گزارش پیش‌رو، تا اندازه‌ای روشن می‌کند که فراز و فرود این ماجرا دست چه کسانی است و مقابل این جریان، چه رفتاری باید پیش گرفت.

## پر فروش‌ها همیشه بهترین نیستند

از نیمه خیابان کریمخان که بگذرید، فروشگاه نشر چشمه را پیدا می‌کنید، جایی که گاهی می‌توان جلو ویرترین کمی درنگ کرد و با تازه‌های جهان داستان آشنا شد. روز به نیمه رسیده، اما فضای فروشگاه مثل همیشه نیمه تاریک است. هر کس از راه می‌رسد یکراست سراغ میز مستطیلی شکل بزرگی می‌رود که تازه‌های نشر را روی آن قطار کرده‌اند. بعضی‌ها با نسخه از راه می‌رسند و نام کتاب دلخواه‌شان را به فروشنده‌گان می‌گویند و بدون این که نیم‌نگاهی به اوزانی کتاب‌های دیگر کنند، راهی صندوق می‌شوند. خیلی‌ها هم حواس‌شان را داده‌اند به تخته‌ای که بالای میز نصب شده و با ماژیک، عنوان پر فروش‌ترین‌های ماه را روی آن نوشته‌اند. سرجمع، تعدادشان به ۱۰ مورد می‌رسد. کافی است مشتری، بعد از سر چرخاندن از روی تخته، نگاهش را روی میز بچرخاند تا آنها را پیدا کند. وقتی از مدیر فروش نشر چشمه می‌پرسیم: «پر فروش‌ها با استناد به چه ساز و کارهایی به این شکل معرفی می‌شوند؟» رایانه را نشان‌مان می‌دهد: «این کتاب‌ها به راحتی با آمار فروشی که در رایانه‌مان ثبت است، همخوانی دارند و قابل استنادند. این تنها یک نوع اطلاع‌رسانی است که ما به این وسیله آن را در دید مشتریان کتاب قرار می‌دهیم.»

وقتی از «رسول حقیقت» می‌پرسیم که خودش در انتخاب کتاب به پر فروش بودن آن اکتفا می‌کند، یا نه؟ پاسخش منفی است: «من همیشه به دوستانی که اینجا می‌آیند هم می‌گویم که همیشه پر فروش‌ها بهترین‌ها نیستند و خودم هم خیلی به این موضوع بسنده نمی‌کنم. عوامل مختلفی ممکن است دست به دست هم بدهند تا کتابی عنوان پر فروش به خود بگیرد و این نمی‌تواند پاسخگوی سلیقه‌های متنوعی شود که پا به اینجا می‌گذارند.»

مدیر فروش نشر چشمه، این فرضیه را که «این نوع معرفی، برای شناساندن کتاب اولی‌هایی است که حرف و زبان‌شان به خط‌مشی انتشاراتی‌ها می‌خورد و کسانی می‌خواهند این کتاب‌ها را، هر قدر هم که ضعیف باشند، به چاپ‌های بعدی بکشاند»، رد می‌کند و می‌گوید: «نه، به نظرم می‌آید که این، یک نوع خیانت است، ولی گاهی پیش می‌آید که کتاب نسبتاً ضعیفی هم با توجه به همان عوامل مختلف،





مهم ترین جشن فرهنگی کشور آماده استقبال از کتاب دوستان می شود

# نمایشگاه کتاب؛ رویدادی به یاد ماندنی

بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران به عنوان مهم ترین رویداد فرهنگی کشور، اردیبهشت ماه هر سال در شهر تهران و با استقبال گسترده علاقه مندان کتاب و کتابخوانی برگزار می شود.

مهم ترین ویژگی نمایشگاه کتاب تهران را باید در اقبالی که مخاطبان کتاب به آن نشان می دهند جست و جو کرد.

سال گذشته، تعداد بازدیدکنندگان این رویداد فرهنگی در ۱۰ روز نمایشگاه از مرز پنج میلیون نفر عبور کرد تا به تنهایی به عنوان بزرگ ترین نمایشگاه کتاب در سطح جهان مطرح شود.

بیست و سومین دوره نمایشگاه بین المللی کتاب تهران نیز در فاصله چند روز پس از برگزاری دوره قبل با تشکیل فوری شورای سیاست گذاری، وارد مرحله آماده سازی شد تا نقص های دوره های گذشته در روندی جدی تر و با بهره گیری از تجربیات گذشته رفع شود.

تعیین محل برگزاری که به روال چند سال گذشته، باز هم مصلاهی امام خمینی (ره) انتخاب شد، نشان داد که تجربه مناسبی از برگزاری چندین دوره نمایشگاه کتاب و البته نمایشگاه هایی نظیر نمایشگاه قرآن و رسانه های دیجیتال در اختیار مسوولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفته تا بار دیگر به برگزاری نمایشگاه کتاب در این محل رای دهند.

در قدم بعدی، با انتخاب مدیران کمیته های مختلف و بررسی پیشنهادها و راهکارهای تازه، با استفاده از کارشناسان و صاحب نظران، برخی از مشکلات در دو حوزه داخلی و خارجی رفع شد.

این در حالی بود که در آن زمان، یعنی در تابستان سال گذشته، برخی رسانه ها از ناآماده بودن مصلاهی امام خمینی (ره) برای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران خبر داده بودند و همچنین از مایل نبودن مسوولان شهری برای برگزاری چنین نمایشگاهی در مصلا سخن می گفتند.

اما اصغر نادری، مدیر مصلا با رد این شایعه ها گفت: «در صورتی که برگزاری نمایشگاه کتاب محدودیت های مهمی برای ساخت و ساز این محل ایجاد نکند، پس از ایجاد توافق های لازم با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، این نمایشگاه در سال آینده نیز آمادگی میزبانی از بیست و چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران را خواهد داشت.

مدیرعامل مصلاهی امام خمینی (ره) گفت: «تنها مرجعی که می تواند درباره برنامه های این مکان اطلاع رسانی کند، روابط عمومی این سازمان است و اظهار نظر های مبتنی بر حدس و گمان های مختلف، فاقد ارزش و مبنای صحیح اند.»

وی ادامه داد: «از نظر ما، برگزاری هرگونه مراسمی که مانعی جدی برای ادامه ساخت و ساز در فضای مصلاهی امام خمینی (ره) باشد، منتفی است؛ ولی مراسم و برنامه هایی که مشکلی را برای ما ایجاد نکنند، مانعی برای برگزاری نخواهند داشت.»

مرتضی طلائی، رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر تهران نیز در سخنانی گفت: «در صورت آمادگی مدیران مصلاهی امام خمینی (ره) برای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران آماده هرگونه همکاری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستیم و تمام تلاش خود را برای تامین امنیت و ایمنی این مکان به کار خواهیم گرفت.»

سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در بازدیدی که در فصل زمستان از مصلا، به



همراه دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی خود و دیگر مسوولان نمایشگاه داشت، بر آمادگی این محل به عنوان بهترین گزینه صحه گذاشت و گفت: «نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، اعتباری برای نظام جمهوری اسلامی ایران است.»

حسینی گفت: «طبیعی است که مصلاهی امام خمینی (ره) در حال ساخت و ساز است و ما اگر می خواهیم مقدمات را برای برگزاری نمایشگاه کتاب فراهم کنیم، باید این فعالیت های ساختمانی را تعطیل کنیم تا فرصت کافی برای آمادگی شرایط برگزاری فراهم شود.»

مصلاهی امام خمینی (ره) در رواق های خود به دلیل سرعت فعالیت های عمرانی در سال جاری، امکان استفاده از رواق شرقی را که محل سالن های آموزشی، کودک و نوجوان بود، از مسوولان اجرایی نمایشگاه گرفت، اما فضای گسترده این محل، همراه استفاده از بهترین امکانات نمایشگاهی، فرصت را در اختیار دست اندرکاران گذاشت تا تمهیدی مناسب برای این مسأله بیندیشند.»

حمید قبادی، معاون اجرایی نمایشگاه، در مراسم پایانی جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از استفاده از «سازه های مدرن زیبا» برای سالن های آموزشی، دانشگاهی و کودک و نوجوان خبر داد و گفت: «تلاش می کنیم نمایشگاه بین المللی کتاب تهران را با بهترین امکانات ممکن که در کشور قابل استفاده باشند، برگزار کنیم و تاکید بر استفاده از رواق های مصلاهی امام خمینی (ره) برای برگزاری نمایشگاه نداریم.»

وی ادامه داد: «مهم ترین نکته برای بهره مندی از

گرفته؛ اما همواره از مشاوره این نهادها بهره مند می شویم و نظرات کارشناسی آنها را اعمال می کنیم تا ضریب ایمنی نمایشگاه افزایش یابد.»

صفری افزود: «در صحن اصلی، بخشی به شکل کارگاهی است که به طور کامل از فضای نمایشگاه کتاب جدا شده و از سمت ایستگاه مترو مصلی نیز به سمت شبستان، سالن های بخش های مختلف در نظر گرفته شده اند.»

به گفته صفری، زیرزمین سالن شبستان که ناشران عمومی در آن مستقرند، به کمیته فعالیت های جنبی اختصاص یافته است و بخش ریالی ناشران خارجی نیز در سمت جنوبی مصلاهی امام خمینی (ره) مستقر خواهد شد.

حمید قبادی نیز به عنوان معاون اجرایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران گفت: «در طول تعطیلات نوروزی، دو گروه مهندسی وظیفه شناسایی محل های مصلا، ارزیابی مساحت هر بخش، امکان تردد مردم، شناسایی نوع سازه های متناسب با آن محل و در نهایت مهندسی مختصات نواحی مختلف را برعهده داشتند که همه این موارد را به دقت انجام دادند.»

وی ادامه داد: «با توجه به انجام این فعالیت ها، طول و عرض خیابان های نمایشگاه و مسیرهای امدادی تعبیه و نواحی جدید به چهار منطقه تقسیم شدند.»

معاون اجرایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران همچنین تصریح کرد: «هر یک از این نواحی دارای مسیرهای امدادی مستقل اند و براساس این مسیرها، نقشه همه سالن های نمایشگاه طراحی شده اند.»

قبادی تصریح کرد: «آمادگی هر یک از پیمانکارانی که در مناقصات قانونی شرکت کرده و اسناد لازم را ارائه کرده بودند، پس از ابلاغ شورای برنامه ریزی، بررسی و صورتجلسات مناسبی با آنها تنظیم شد تا میزان فضا و زمان انجام فعالیت ها، روشن و تعریف شود.»

به گفته وی، جدول زمان بندی برای همه کمیته های نمایشگاه آماده شده تا فعالیت خود را براساس آن تنظیم کنند.

اما کمیته ناشران داخلی نمایشگاه کتاب نیز بی کار نماند و جاناتمی ناشران کودک و نوجوان آموزشی و دانشگاهی را به پایان رساند.

محمود سالاری، مدیر کمیته ناشران داخلی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در این باره گفت: «ناشران بخش دانشگاهی، آموزشی و کودک و نوجوان برای حضور در نمایشگاه کتاب تهران جاناتمی شده اند.»

وی ادامه داد: «ناشران بخش عمومی نیز در شبستان حاضر خواهند بود.»

مدیر کمیته ناشران داخلی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران همچنین افزود: «غرفه بندی دیگر سالن ها نیز تا اوایل اردیبهشت ماه به پایان خواهد رسید.»

سالاری با اشاره به تغییر نقشه و محل برگزاری سالن های بخش دانشگاهی، آموزشی و کودک و نوجوان از رواق های مصلا به سالن های آماده گفت: «در نمایشگاه این دوره به دلیل این تغییرات، مترائز غرفه ها نیز تغییراتی نسبت به سال های گذشته خواهد داشت.»

بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از ۱۵ تا ۲۵ اردیبهشت ماه در مصلاهی امام خمینی (ره) برگزار خواهد شد.

## نوروز ۸۹

در حالی که بسیاری از حوزه های فرهنگی در تعطیلات نوروزی فعالیت عمده ای نداشتند، مسوولان برگزاری نمایشگاه کتاب تهران به شدت پیگیر آماده سازی فضای نمایشگاه بودند.

کمیته اجرایی به مدیریت حسین صفری با هماهنگی نهاد های شهری زمینه بازدید نمایندگان این نهادها از مصلا فراهم آورد که رضایت نمایندگان از نقشه نمایشگاه را به دنبال داشت.

صفری، مدیر کمیته اجرایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، پس از بازدید از نمایندگان نهایی نظیر آتش نشانی، اورژانس، نیروی انتظامی و ستاد مدیریت و بحران شهرداری تهران از محل های آماده شده برای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران گفت: «این نمایندگان از کلیت نقشه نمایشگاه، اظهار رضایت کردند.»

وی افزود: «برای ایمنی بیشتر و امکان ارائه خدمات دهی و مسیر دهی، این بازدید توسط نمایندگان نهادهای شهری انجام شد. در این بازدید میدانی، نقشه های اصلی نمایشگاه به نمایندگان نهادهای شهری ارائه شد و این نمایندگان از نقشه های نمایشگاه کتاب استقبال و اظهار رضایت کردند.»

مدیر کمیته اجرایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران همچنین تصریح کرد: «برای جابه جایی سالن های مختلف نمایشگاه پیش بینی لازم را انجام داده ایم و وسایل ایمنی مورد توجه قرار



محمود حکیمی، نویسنده و پژوهشگر کتاب‌های ادبی - تاریخی از چهل و پنج سال پیش کتاب‌های بسیاری را برای نوجوانان و جوانان منتشر کرده است. اما کتاب «تاریخ معاصر ایران در دوره قاجار» را برای همه پژوهندگان تاریخ نوشته است. این کتاب سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات نامک با شمارگان ۱۶۵۰ نسخه و قیمت یازده هزار تومان منتشر شده است. وی در مقدمه مفصل این کتاب از اهمیت مطالعه تاریخ سخن گفته است. با او به بهانه انتشار کتاب جدیدش گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در پی می‌آید.

محمود حکیمی، نویسنده و پژوهشگر کتاب‌های ادبی - تاریخی:

# بسیاری از مورخان، جبرگرا بوده‌اند

خواسته‌اید که برای رسیدن به حقیقت به خواندن یک اثر بسنده نکنند. علت تأکید فراوان شما به مطالعه کتاب‌های متعدد تاریخی چیست؟

من در کتاب‌هایی که در زمینه تاریخ اسلام برای جوانان تألیف کرده‌ام، بر این نکته اصرار فراوان داشته‌ام. بگذارید در این باره یک مثال تاریخی از تاریخ اسلام بیاورم تا نشان دهم ثبت یک دروغ در یک کتاب تاریخی چه مصیبت‌های عظیمی را پدید می‌آورد. محمد بن جریر طبری مورخ مشهور در جلد سوم کتاب تاریخ خود از قول شخصی کذاب به نام سیف بن عمر تمیمی، پدیدآورنده تشیع را شخصی یهودی به نام عبدالله بن سبا می‌داند که در زمان عثمان تظاهر به اسلام و مردم را به امامت علی (ع) دعوت کرد. وی می‌گفت علی وصی پیامبر (ص) است و سرانجام دین تشیع را بنیان‌گذاری کرد. این دروغ بی پایه را تاریخ‌نگاران بسیار در طول قرن‌ها از قول طبری نقل کردند تا این که بزرگمردانی پژوهشگر با ذکر دلایل متقن از این دروغ بزرگ پرده برداشتند. در دوران ما نیز مرحوم علامه عسگری با نگارش کتاب عبدالله بن سبا پرده از این دروغ تاریخی برداشت و ثابت کرد که آن مرد وجود خارجی نداشته و آن داستان ساخته و پرداخته جاعلان تاریخ بوده است.

برای گرفتار نشدن در دام‌هایی نظیر ماجرای عبدالله بن سبا یک پژوهنده تاریخ چه ملاحظات‌هایی را باید در نظر داشته باشد؟

قبل از هر چیز باید به این نکته مهم اشاره کنم که ما نمی‌توانیم آثار یک مورخ را به خاطر طرح چندین مورد که مورد قبول ما نیست کنار بگذاریم. همین ابوجعفر محمد بن جریر طبری مطالب درست هم در تاریخ مفصل خود دارد که من از آن استفاده فراوان کرده‌ام. آنچه هر پژوهنده تاریخ باید به آن توجه کند این است که نام و شهرت هیچ مؤلف و مورخی نباید این گمان را در ما به وجود آورد که آن نوشته حتماً درست است. ما برای داوری صحیح باید آثار زیادی را مطالعه کنیم.

درباره خاطرات ایرانیان چه نظری دارید؟

به نظر من مهم‌ترین کتاب در این زمینه «یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه» بود که ابتدا در فصلنامه گنجینه در چندین شماره و سپس به صورت کتاب منتشر شد و به راستی برای هر پژوهشگری بسیار مفید است. برای داوری درباره وقایع دوران قاجار مطالعه خاطرات رجال و نویسندگان آن دوران نیز ضروری است. تاریخ سرگذشت مسعودی که در واقع خاطرات مسعود میرزا ظل السلطان، فرزند ناصرالدین شاه است و روزنامه خاطرات میرزا محمد حسن خان اعتماد السلطنه مورخ و وزیر انطباعات آن دوران و خاطرات عین السلطنه و خاطرات ارفع الدوله و خاطرات دوستعلی خان معیر الممالک و خاطرات و خطرات مهدی قلی خان هدایت (مخبر السلطنه) و خاطرات دیگر رجال آن دوران دربردارنده بسیاری از آن دوران است. اما در مطالعه آنها باید دقت زیاد داشته باشیم. به عنوان مثال میرزا محمد حسن خان اعتماد السلطنه در صدرالتواریخ زیباترین وازگان را به پای امین السلطان صدر اعظم می‌ریزد، اما در کتاب خاطرات خود بدترین و زشت‌ترین دشنام‌ها را نثار او می‌کند. از همین روست که شناخت شخصیت مورخ را نخستین گام برای رسیدن به حقیقت می‌دانم.



یکی دیگر از فواید پژوهش تاریخی شناخت بزرگان است که در این مسیر یعنی تألیف کتاب‌های تاریخی زحمت بسیار کشیده‌اند. من همیشه از دانشجویانم خواسته‌ام که کتاب «عباس اقبال آشتیانی، معلمی سخت‌کوش و دانشمند» اثر ارزنده جمشید نوروزی را بخوانند تا بدانند آن بزرگمرد تاریخ‌نویس چقدر زحمت کشیده است.

در تألیف اثر اخیرتان بیشتر از چه کتاب‌ها و منابعی استفاده کرده‌اید؟

فهرست کامل کتاب‌ها و نشریاتی که از آنها استفاده کرده‌ام در آخر کتاب آمده است. از کتاب‌های عصر قاجاریه بیشتر از آثار رضاعلی خان هدایت و میرزا حسن اعتماد السلطنه و لسان‌الملک سپهر استفاده کردم. اگرچه در مواردی با محتوای آثار این مورخان چندین موافق نیستم، اما به هر حال برای بررسی وقایع دوران قاجاریه بسیار مفیدند. در میان آثار مورخان پس از دوران قاجار از کتاب‌های مرحوم اقبال آشتیانی و مرحوم پیرنیا بهره فراوان بردم. در میان نشریات، محتوای فصلنامه وزین گنجینه اسناد و فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران به راستی بسیار مفید و بارز شدند. از زحمات گردانندگان و نویسندگان این دو فصلنامه سپاسگزارم و خود را مدیون خدمات فرهنگی این بزرگان می‌دانم. برخی از نشریات دانشگاهی (نظیر نشریه علمی - پژوهشی دانشگاه انقلاب) شماره‌های ویژه‌ای درباره وضعیت تاریخ و تاریخ‌نگاری منتشر ساختند که از مقاله‌های آنها نیز بهره فراوان بردم.

این اثر تازه چندمین کتاب شما درباره تاریخ معاصر ایران است؟

گذشته از این اثر تاکنون آثاری چون «ایران در عصر ناصرالدین شاه»، «داستان‌هایی از زندگی امیر کبیر» و «امیر کبیر مظهر استقلال ایران» از من منتشر شده‌اند. گذشته از این کتاب‌ها، در کتاب «تاریخ تمدن جهان یا داستان زندگی انسان» چهار فصل مهم را به تاریخ دوران قاجاریه و پهلوی اختصاص داده‌ام. «ایران در عصر رضاشاه» از دیگر آثار من در زمینه تاریخ معاصر است. کتاب دیگری هم به تازگی در زمینه زندگی امیر کبیر تحت عنوان «در قریبانگاه استعمار و خودکامگی» از من منتشر شده است. این کتاب را انتشارات قلم منتشر کرده است.

شما در بیشتر آثار تاریخی خود از خوانندگان

بوده که در فصل ششم آمده است و در فصل هفتم جنبش‌های مردمی در شهرهای ایران مطرح شده‌اند. این جنبش‌ها در واقع مقدمه‌ای اند برای انقلاب مشروطیت. اما خود من فصل هشتم کتاب را که مربوط به تحولات فرهنگی عصر ناصری است جالب‌ترین فصل این کتاب می‌دانم.

در بخش اول فصل هشتم، شعر و شاعری و در بخش دوم، زندگانی و شیوه کار تاریخ‌نگاران و نویسندگان آن دوره نظیر لسان‌الملک سپهر و میرزا حسن خان اعتماد السلطنه، خاطرات رجال و سفرنامه‌های ایرانیان که به خارج رفتند و خارجیانی که به ایران آمدند نیز در این فصل آمده است. روزنامه‌نگاری و تحولات تدریجی آن در فصل بعد آمده است. روزنامه‌نگاری و تحولات تدریجی آن در دوران سلطنت ناصرالدین شاه از مهم‌ترین مباحث فصل هشتم است که در آن وحشت و اضطراب پادشاه مستبد از آزادی مطبوعات با ذکر مدارک متعدد آمده و علت صدور فرمان تشکیل اداره سانسور به ریاست اعتماد السلطنه، وزیر انطباعات مطرح شده است.

شما در مقدمه بیشتر آثار تاریخی خود از معلمان تاریخ و پدران و مادران خواسته‌اید که شاگردان و فرزندان خویش را به مطالعه کتاب‌های تاریخی تشویق و ترغیب کنند. علت این اصرار شما چیست؟ علت این اصرار فوایدی است که در مطالعه و پژوهش تاریخ وجود دارد. فراموش نکنیم که تاریخ دربردارنده تجربه‌های انسان‌های بسیاری است. بر این عقیده‌ام که هر قدر دانش و اطلاعات تاریخی ما بیشتر باشد داوری‌هایمان نیز نسبت به اشخاص صحیح‌تر می‌شود. یکی از فواید مطالعه تاریخ، تبدیل انسان‌های بی تفاوت به انسان‌های دردمند و انسان دوست است. البته هر کتاب تاریخی چنین نیست. یکی از مورخان سخت‌کوش معاصر آقای محمد علی موحد است. وی می‌گوید: «تاریخی که نه ستایشی و تمجیدی در برابر شرف و پاکی و راستی و استقامت برانگیزد و نه احساس نفرتی را از غدر و دغل و خبث و شقاوت راه دهد و نه آینه عبرتی برای آیندگان باشد و نه خواب‌نشین بی‌دردی را برآشوبد، به نظر من چندان قدر و ارزش ندارد که انسان زندگی کوتاه خود را به آن مصروف دارد.»

بیشتر آثار شما داستان‌های تاریخی با درونمایه دینی است، اما در سال‌های اخیر بیشتر به ترجمه و تألیف کتاب‌های تاریخی روی آورده‌اید و «تاریخ معاصر ایران در دوره قاجاریه» آخرین اثر شماست که در سال گذشته منتشر شده. قبل از هر چیز برایمان شرح دهید که علت رویکرد شما به تألیف کتاب‌های تاریخی چیست؟

تاریخ دانشی است آگاهی بخش که کارکرد و تأثیر آن بسیار زیاد است. انتشار کتاب تاریخ به نثر ساده و روان موجب گرایش همه مردم، به ویژه جوانان پژوهشگر به تاریخ می‌شود. این مسکویه مؤلف اثر معروف «تجارب الامم» می‌گوید که کتاب‌های تاریخی را باید به گونه‌ای نوشت که همه مردم با خواندن آنها از سرگذشت مردمانی که در گذشته زندگی می‌کرده‌اند پند بگیرند و به تدریج به صف پژوهندگان تاریخ درآیند. پژوهنده تاریخ با مطالعه آثار تاریخی از ویژگی‌های مورخان و چگونگی داوری آنان راجع به پادشاهان و حاکمان آگاه می‌شود. به نظر من شناخت مورخان و آگاهی از صفات آنان، نخستین گام برای رسیدن به حقایق تاریخی است. راستگویی، حقیقت‌جویی، عدالت‌طلبی و دانش گسترده از ویژگی‌های یک مورخ برجسته است.

به نظر شما چه عواملی سبب می‌شد که برخی مورخان حقیقت را ننویسند؟

در طول تاریخ ایران، نزدیک شدن به صاحبان قدرت، مورخان را مجبور می‌کرد که انتظارات حکام را برآورند. از این جهت است که یک پژوهنده تاریخ برای رسیدن به حقیقت باید کتاب‌های بسیاری بخواند و آن‌گاه به داوری درباره اشخاص بپردازد. شناخت زندگانی مورخ و نوع نگرش او به جهان هستی و مذهب و نوع آرمان‌های او نخستین گام برای رسیدن به حقیقت است.

مذهب و نگرش مورخ به جهان هستی چگونه می‌تواند در داوری او نسبت به اشخاص نظیر پادشاهان و حکام موثر باشد؟

بسیاری از مورخان دوره اسلام می‌پیرو مکتب خلفای جبرگرا یا تقدیرگرا بودند. این نگرش در داوری آنها نسبت به اشخاص بسیار موثر است. تقدیرگرایی حتی در نگرش مورخان مشهوری چون عطاملک جوینی، مؤلف کتاب «جهان‌نگاشای جوینی» و رشیدالدین فضل‌الله، صاحب «جامع‌التواریخ» تأثیر گذاشته است. البته تقدیرگرایی همه آنان یک اندازه نیست. برخی از آنان اطاعت از هر حاکم - خواه عادل و خواه ظالم - را واجب می‌دانند. اما تقدیرگرایی ابوالفضل بیهقی از مورخان بزرگ تاریخ نسبی و همراه با خرد و عقلانیت است. بیهقی تسلیم شدن به خواسته‌های هر حاکم و صاحب قدرتی را واجب نمی‌داند و در تاریخ خود می‌نویسد «پادشاهان را چون دادگر و نیکوسیرت و نیکو آثار باشند طاعت باید داشت و گماشته به حق باید دانست و متقلبان را که ستمکار بد کردار باشند، خارجی باید گفت و با ایشان جهاد باید کرد.»

جالب‌ترین فصل کتاب تاریخ معاصر ایران در دوره قاجار را کدام فصل می‌دانید؟

فصل اول تا پنجم کتاب به تاسیس سلسله قاجاریه و دوران سلطنت آقامحمد خان، فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه اختصاص یافته است. اما بیشتر پژوهش من درباره نتایج استبداد عصر ناصری





نگاهی به تحولات «بهار» در شعر فارسی

# بهار خراسان در راه آسمان



همانند کرده اند. چراساقی؟ قطعاً پاسخ این پرسش در ارجاع به بیت فرخی کاملاً متفاوت خواهد بود با ارجاع آن به بیت حافظ. ساقی شعر فرخی، همان ساقی دربار است. ولی ساقی بیت حافظ، شخصیتی است که تا امروز استادان و شارحان بسیار از او گفته اند و در واقع، هر کدام از ظن خود یار او شده اند. ثلاثه غساله، که برخی به وقت صبح می نوشیده اند و اعتقاد داشته اند که به قول فرهنگ «غیاث اللغات»، «شونیده غم ها و شونیده فضول تن و مزیل کدورت بشریات» است. آیت الله حاج شیخ حسنعلی نجابت شیرازی از همزمان آیت الله دستغیب، در تحلیل این بیت می گوید شاعر آرزوی مقام سرو و گل و لاله را دارد و در پاسخ، کارش به ثلاثه غساله که پاک کننده فرد از نجاسات و طهارت بخش اوست، حواله می شود. سرونماد استقامت و پایداری، گل نماد شکفتگی و در حالت کودکی و غنچگی نماندن و لاله نماد سوختن در آتش عشق الهی است. آیت الله نجابت تحلیل کاملی از ثلاثه غساله را نیز ارائه می دهد. مهم این است که آن سروی که نماد بلندقامتی ساقی درباری بود، حالا تبدیل به چه نماد نیرومندی شده که ۶۰۰ سال پس از درگذشت حافظ، یک عالم دینی خبره می تواند تفسیری چنین دقیق بر اساس باورهای خود از آن به دست دهد. این همه قدرت، نتیجه همان بهاریه سرایی های شاعران سبک خراسانی است که یک گل را طی دو تا سه قرن آنچنان پروردند که در شعر عراقی، توانست تبدیل به رمز مهم ترین و اساسی ترین مفاهیم معنوی شود؛ در عین حال که دلالت های طبیعی خود را نیز (بنا به طبیعت نماد) حفظ می کرد. بهاریه سرایی شاعران نخستین، به برداشت های عرفانی هم محدود نشد و در دوران اخیر از سه قرن پیش تاکنون، بارها رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت. اختناق حکومت های قاجار و پهلوی و ماجرای مشروطه، بسیاری از شاعران را به بهاریه سرایی ترغیب کرد که فصل گشودگی و رهایی (بهار آزادی) از اختناق پاییزی و زمستانی (خزان اختناق) است. میرزاده عشقی، عارف قزوینی و ملک الشعرای بهار، بهاریه هایی سرودند که قابلیت تعبیرهای سیاسی تند بر ضد حکومت پادشاهی وقت داشتند.

مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، بهاریه را در دو بخش از آغاز تا مشروطه و از مشروطه تا امروز بررسی کرده است و این معقول ترین شیوه بررسی تاریخی بهاریه ها است. در مدخل «بهاریه» این دایرة المعارف، جدا از تقسیم بندی تاریخی بالا، تقسیم بندی دیگری بر اساس مضمون بهاریه ها صورت گرفته و این شعرها به دو نوع آفاقی و انفسی تقسیم شده است. آنچه در بخش انفسی جدا از دو موردی که در این مطلب بدان ها اشاره شد (یعنی عرفانی و سیاسی)، دیده می شود، توصیفات بهار در شعر سبک اصفهانی و سبک هندی است که بررسی آن، مجال دیگری می طلبد.

اینجا نیز صدق می کند. در بررسی سنت بهاریه سرایی شعر فارسی نباید صرفاً به شعر خراسانی سده های آغازین اکتفا کرد. در واقع هرگونه محدود کردن مساله به بررسی بهاریه ها بر اساس عناصر صرفاً طبیعی که دلالت های طبیعی نیز داشته باشند، بخش عمده ای از قدرت بهاریه های سروده شده از قرن ششم به بعد را می گیرد؛ چراکه بسیاری از عناصر معمول بهاریه ها، در شعرهای قرن ششم به بعد، دیگر عناصر طبیعی صرف نیستند و به نوعی، دلالت های معنوی را در خود حمل می کنند. حتی اگر کلمه «حمل» را در جمله اخیر به دو معنای آن بگیریم، یعنی هم جابه جا کردن و هم بارداری (که معنای اصلی «حمل» در زبان عربی است)، راه دوری نرفته ایم. گل ها و درختان و بار و ابر و دیگر عناصر شعرهای بهاری شاعران قرن های سوم تا ششم، در شعر قرن ششم به بعد، متحمل و باردار مفاهیمی به غایت معنوی هستند و دیگر نمی توان به حوزه دشت و کوهسار طبیعت اطراف، تحدیدشان کرد.

نمونه دیگر، «سرو» است. بیت هایی چون «سرو ساقی و ماه رودنواز/ پرده بر بسته در ره شهناز» فرخی سیستانی که بیت نخست قصیده ای در مدح یکی از وزرای آن دوره است، بدل به بیت هایی این چنین می شوند: «ساقی حدیث سرو و گل و لاله می رود/ و این بحث با ثلاثه غساله می رود» که از مشهورترین ابیات حافظ است. شباهت دو بیت با بسیاری دیگر از ابیاتی که در آنها «سرو» برای بلندی قامت معشوق استفاده شده، حضور موثر عنصر «ساقی» است. از قرن پنجم که روزگار فرخی است تا قرن هشت که حافظ می زیست، بارها و بارها، شاعران مختلف قامت ساقی را به سرو

گل صدبرگ که تا صد یا دویست سال پیش صرفاً گل صدبرگی بود که همه می دیدند، تبدیل به نماد تمامیت معنوی می شود و نقشی رمزی و اساسی به خود می گیرد. گل صدبرگ در شعر این دوره، به دلیل شمار زیاد گل برگ هایش، تمامیت معنوی مطلوب را به نمایش می گذارد و ابیاتی چون «گل صدبرگ و مشک و عنبر و سیب/ یاسمین سپید و مورد به زیب/ این همه یکسره تمام شده است/ نزد تو ای بت ملوک فریب» رودکی، جای به چنین ابیاتی می دهند: «چو از رخس گل صدبرگ می توان چیدن/ مرو به طرف گلستان و رنج خار مکش». این بیت اخیر که کار دست خواجوی کرمانی است، نمونه بسیار خوبی است. گل صدبرگی که در شعر رودکی تنها یک گل چون دیگر گل ها بود، در شعر خواجوی بدیل صورت معشوق می شود. بهترین راه تعبیر این بیت این است که مرجع ضمیر «ش» را در آن، معشوق آسمانی بدانیم و گلستان و خار را، به زیبارویان زمینی و مشکلات پیش روی فرد در راه وصال آنان برگردانیم. چرا صورت معشوق به این گل خاص همانند شده؟ به همان دلیلی که پیش از این ذکر شد: گل صدبرگ نماد تمامیت است و معشوق آسمانی، بهترین نمودار تمامیت معنوی است.

در شعر شاعران خراسانی قرن های میانه نیز گل صدبرگ به رمزی صوفیانه تغییر جهت می دهد و دیگر چون شاعران متقدم، گلی صد در صد طبیعی نیست. نمونه اش این رباعی مولوی بلخی: «مرا چون تاقیامت یار این است/ خراب و مست باشم کار این است/ گل صدبرگ دید آن روی خوش/ به بلبل گفت گل گلزار این است». باز هم گل صدبرگ بدیل چهره معشوق است و دقیقاً همان دلالت بیت خواجو در

## دفاع نامور مطلق از بهار طبیعی در «بهار ایرانی»

کتاب مجموعه مقالات همایش «بهار ایرانی» به کوشش دبیر علمی این همایش فاطمه راکعی و با همکاری مرکز تحقیقات شعر و هنر دانشگاه الزهرا و معاونت علمی پژوهشی فرهنگستان هنر، توسط مرکز تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری منتشر شده است.

این کتاب که در آغازین روزهای سال گذشته منتشر شد، شامل ۱۴ مقاله برگزیده از همایش «بهار ایرانی» است. محورهای کلی این همایش «تاثیر شعر معاصر بر نقاشی معاصر»، «تاثیر شعر قدیم بر نقاشی سنتی»، نوگرا و معاصر» و «شاعران نقاش، نقاشان شاعر» بوده است. از این مقالات می توان «نگارگری و رنگ آمیزی در اشعار منوچهری و سپهری» از اسماعیل امینی و «نمادشناسی هنر انقلاب در شعر و نقاشی» از عفت السادات افضل طوسی را نام برد. در مقاله «نگارگری و رنگ آمیزی در اشعار منوچهری و سپهری» نویسنده مهم ترین نقطه اشتراک شعر منوچهری و سپهری را توجه به تصویرگری عناصر طبیعت و رنگ ها و شکل ها برای باز آفرینی هنری جهان می داند و اعتقاد دارد منوچهری شاعری است که نقاشانه به جهان می نگرد و سپهری نقاشی که جهان را شاعرانه می بیند. «بهار طبیعی و بهار عرفان: تقابل یا مکمل «جانشین یا همنشین». بررسی بینامتنی و هستی شناسانه بهار در ادبیات و هنر ایرانی» از بهمن نامور مطلق مقاله پایانی این مجموعه است. نامور مطلق به بررسی هستی شناسانه بهار در ادبیات و به ویژه هنر ایرانی پرداخته است و با ارائه نمودهایی از وجوه طبیعی و عارفانه آن، از بهار طبیعی در نقاشی و ادب ایرانی دفاع می کند. وی با یادآوری پاره ای از نظریه ای هنری که به طبیعت گریزی و طبیعت ستیزی دست یازیده است، تعمیم یک نظریه بر دیگر نظریه ها و به عبارتی تعمیم قواعد یک جزء بر کل را از آسیب های جدی ای می داند که همواره نظریه و نقد هنری را تهدید کرده است. نامور مطلق در بخشی از این مقاله می نویسد: «طبیعت و به ویژه بهار در فرهنگ و اندیشه ایرانی نمودی چند بعدی و چند ساحتی دارد. این اندیشه در مقابل اندیشه هایی مادی قرار می گیرد که برای هستی و طبیعت فقط یک ساحت مادی قائل اند. بر همین اساس، بهار فقط در جنبه بیرونی و مادی آن در هنر و ادبیات ایرانی بروز نیافته، بلکه این فصل نماد و نمودی از تحولات درونی شاعران و هنرمندان نیز به حساب می آید. آن گونه که بهار نزد شاعران عارف ایرانی دارای وجود انفسی و مثالی نیز هست.»

«مجموعه مقالات بهار ایرانی» سال گذشته در ۳۲۸ صفحه در قطع وزیری با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه چاپ و به تازگی با قیمت ۶۵۰۰ تومان عرضه شده است.

از قرن سوم، از نخستین نشانه های بالش شعر فارسی، توجه به طبیعت است. شاعران که عموماً در دربارها حضور دارند و وصف معشوق و طبیعت را ذیل مدایح پرصله ای می گویند که برای سلطان و اطرافیان سروده اند، به بهار التفاتی بیشتر دارند. برای آنها بهار فصل پرتنگی است که پس از فصلی تک رنگ از راه رسیده و بنابراین فرصت مغتنمی است تا از سویی قدرت شاعری خود را با رقابت با طبیعت در تصویر کردن این همه رنگ و زیبایی به رخ هم قطاران بکشند و هم با به شغف آوردن سلطان و اطرافیان از وصف این همه رنگ، سال نو را به سالی به دور از فقر و فاقه بدل کنند.

از همین جاست که شعر فارسی سده های آغازین، به طبیعت توجه بسیار دارد و بالطبع، بهاریه های زیادی از آن دوره در دست است. رودکی، عنصری، منوچهری، فرخی، عسجدی و بسیاری دیگر، ذیل قصایدی که عموماً در مدح شاه و وزیر سروده می شد، به وصف بهار می پرداختند. عناصر مهم در این وصف، گل ها و درختان، چهره دشت و کوهسار، رود و آبشار، پرندگان و حیوانات، ابر و باد و باران و آفتاب درخشان بود. برای مثال اسامی گل ها و درختان بسیاری در این وصف ها آمده که از منابع مهم شناخت طبیعت هر منطقه و پوشش گیاهی آن نیز محسوب می شود. گل هایی چون گل سوری یا گل سرخ، گل صدبرگ، لاله، مریم، نسترن، یاس و یاسمن، زنبق، و درختانی چون شمشاد، نارون، سرو، چنار و بید بنا به منطقه خراسان که رویشگاه طبیعی این گیاهان بوده در این شعرها حضور سرنوشت سازی دارند. ولی بهاریه ها صرفاً به توصیف طبیعت منحصر نماند و این مهم، خود موضوع مقاله ای مستقل است. در اینجا به اشاره برخی از نتایج بهاریه سرایی در شعر فارسی را یاد می کنیم.

بهاریه های نخستین، به گونه ای طبیعی نوشته می شد. برای مثال شاعران هر گیاه زیبایی را که طی این فصل در اطراف خود می دیدند، در شعر خود ذکر می کردند. سنت سیصدساله ای که از شعر خراسان به جا ماند، ماده خام بسیار مناسبی در اختیار شاعران سده های بعد گذاشت و آنها توانستند با توجه به توصیف این همه عناصر، آنها را که برای مقاصد خود مناسب می دیدند از آن میان اختیار کنند. با توجه به این که شعر پس از سبک خراسانی، شعر مکتب عراقی است، مشخص می شود که این استفاده به چه شکل بوده است.

درواقع استفاده شاعران مکتب عراقی از عناصر شعر خراسانی، عموماً معطوف به حوزه عرفان است. در این شعر، سرو و گل که در شعر خراسانی بیشتر به عنوان خود درخت سرو، و نیز استعاره ای از قامت بلند معشوق مد نظر بود، بار استعاری پیچیده تری می گیرد و به نوعی نردبان لاهوت می شود. معشوق شعر عراقی در عین این که می تواند همچنان معشوق زمینی بماند، قدرت دلالت به معشوق آسمانی را هم کسب می کند و قامت بلندش، نمادی می شود از میل شاعر به طی مدارج معنوی تا آسمان. گل هایی چون لاله و یاسمن و مورد حفظ می شوند، ولی در کنار آنها



یگانه وصال

جان گریشام، نویسنده ۵۵ ساله آمریکایی است که بیشتر به خاطر داستان‌های هیجان انگیزش شهرت دارد. او پیش از اینکه به حرفه نویسندگی روی بیاورد وکیل و سیاستمداری موفق بوده و تا ۳۰ سالگی هیچ کتابی را ننوخته بود از سال ۲۰۰۸ تاکنون کتاب‌های او بیشتر از ۲۵۰ میلیون نسخه در سراسر جهان فروش داشته و به ۲۵ زبان زنده دنیا ترجمه شده‌اند. این نویسنده موفق اکنون مشغول نوشتن مجموعه‌ای برای کودکان است که اولین کتاب از این مجموعه تا اوایل ژوئن در سراسر دنیا منتشر خواهد شد. داستان این مجموعه درباره پسر بچه‌ای به نام تتودور بون است که علاقه بسیاری به مسائل حقوقی و قانونی دارد و اتفاقاتی که برای او رخ می‌دهد. گفت‌وگوی حاضر بیشتر درباره کتاب‌ها و سبک نوشتاری اوست.

## گفت‌وگو با جان گریشام

# بی‌عدالتی در جامعه آمریکا موج می‌زند

### چانه زدن با ناشر؟

تعداد زیادی از دست‌نویس‌های چاپ‌نشده را به این امید که نویسنده‌ای خارق‌العاده را کشف کنم می‌خوانم و اگر روزی چنین اتفاقی بیفتد و من چنین کسی را کشف کنم، حتماً برای کمک به او به چند جا تلفن خواهم زد.

شما تا به حال هیچ وقت در دوره‌های نگارش و نوشتن شرکت نکرده‌اید. اما در جایی گفته بودید که ای کاش این کار را می‌کردید. اگر می‌توانستید با یکی از نویسندگان این کلاس‌ها را بگیرید، کدام نویسنده را انتخاب می‌کردید؟

مطمئناً مارک تواین.

تا به حال اتفاق افتاده است که کسی پیش شما بیاید و بگوید که یک ایده بسیار عالی برای کتاب بعدی تان دارم. ایده را به شما می‌دهم، شما آن را بنویسید و آخر کار سود را با هم نصف نصف شریک می‌شویم.

خیلی، اما جالب اینجاست که همیشه قضیه تقسیم کردن سود را از همان اول مطرح نمی‌کنند و معمولاً در جلسه بعدی این بحث مطرح می‌شود. اما اغلب حدوداً دو بار در هر ماه شده که کسی بیاید پیشم و بگوید: «یک ایده خیلی عالی برای کتاب بعدی ات دارم» و من هم هر بار جواب می‌دهم: جدی! چه جالب، چون خودم هم یکی دارم.

رمان «دلال» بخش‌هایی را در بر دارد که شامل فرهنگ، غذا و جغرافیای ایتالیا هستند و این بخش‌ها اجزا اصلی پیرنگ داستان را تشکیل می‌دهند و وجودشان اجتناب‌ناپذیر است، اما این خطر هم وجود دارد که به جای یک رمان مهیج کتاب، راهنمای جهانگردی از کار در بیاید. شما چگونه بین بخش‌های کتاب تعادل به وجود آوردید؟

وقتی در ژانر دلهره و تعلیق داستان می‌نویسید، نمی‌توانید بیش از حد خاصی راجع به عناصری چون غذاها، محل‌ها، نوشیدنی‌ها و روابط و خیلی چیزهای دیگر توضیح بدهید، بلکه باید اطمینان حاصل کنید که روند خوانش مخاطب، روندی پر سرعت باشد.

پیرنگ‌هایتان را چگونه بسط می‌دهید؟ تا چه حد در شروع به نوشتن پیرنگ‌هایتان دقیق و بسط داده شده هستید. آیا از روش نوشتن رئوس مطالب‌پاروش‌های دیگری استفاده می‌کنید؟

نوشتن رئوس مطالب اجتناب‌ناپذیر است. من با فصل یک شروع می‌کنم و یک پاراگراف می‌نویسم. بعد فصل دو و بعد هم فصل سه و وقتی به فصل چهارم رسیدم، دیگر بهتر است کتاب را تمام کرده باشم و گرنه من دچار مشکل خواهم شد. نوشتن رئوس مطالب اصلاً سرگرم‌کننده و مفرح نیست اما نویسنده را وادار می‌کند تا کل داستان را ببیند.

برخی از نویسندگان ژانر دلهره روی پیرنگ تأکید می‌کنند و برخی دیگر بر روی فضا و شخصیت‌ها.

تأکید شما در هنگام داستان‌نویسی بر روی چیست؟ به نظر من پیرنگ مهم‌ترین عامل نوشتن یک داستان خوب است. فضاها و شخصیت‌ها در روند داستان خودشان شکل می‌گیرند.

مهمترین و اساسی‌ترین پند شما برای نویسندگان جوان چیست؟

اینکه حداقل روزی یک صفحه بنویسند. و اینکه اگر قصد نوشتن یک کتاب را دارید و دست‌کم روزی یک صفحه مفید از آن رانمی‌نویسید، هیچ‌گاه آن کتاب را به پایان نخواهید رساند.



تمام روند نوشتن به تحقیق و تفحص بگذرد. می‌خواهم از نوشتن لذت ببرم. نوشتن داستانی از چیزهایی که لمسشان کرده‌ام برایم لذت‌بخش است، حالا هر جا که می‌خواهد اتفاق بیفتد.

چه اهدافی را در کتاب‌های آینده تان دنبال می‌کنید؟ همیشه هدفم این است که بهترین کتابم را بنویسم. آیا خرافه خاصی راجع به نوشتن دارید یا برای شانس آوردن از طلسمی، چیزی استفاده می‌کنید؟ واقعاً نه، همیشه در محل مشخصی می‌نویسم، میز همیشگی، صندلی همیشگی، فنجان و قهوه همیشگی و کامپیوتری که هجده کتاب اخیرم را با آن تایپ کرده‌ام. من اصلاً آدم خرافاتی‌ای نیستم.

دن براون دیگر نویسنده‌ای که کتابش از سوی نشر دابل دی روانه بازار شد، از شهرت قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده و جی‌کی رولینگ هم هر روز رکورد جدیدی در فروش از خودش بر جای می‌گذارد، به عنوان یکی از معدود نویسندگانی که دقیقاً درک می‌کنند که آنها چه حسی را تجربه می‌کنند، چه پیشنهادی برای براون و رولینگ دارید؟

اینکه همه چیز موقتی و زودگذر است. این کتاب‌ها همیشه این طور پر فروش نخواهند ماند. پس به نظر من از موفقیت لذت ببرند و به خودشان اجازه ندهند که به این خاطر مغرور شوند.

هر دوی این نویسندگان کم‌حرف، گوشه‌گیر و به دور از مصاحبه و حضور در جامعه هستند. اگر می‌توانستید همه چیز را از ابتدا آغاز کنید سعی می‌کردید که حریم خصوصی تری برای خود و خانواده‌تان فراهم کنید؟

شاید، اما از حریم خصوصی بسیار عالی برخوردار هستیم.

این روزها مشغول خواندن چه کتابی هستید و آخرین کتابی که به شدت شما را به هیجان آورد چه بود؟ در حال حاضر در حال خواندن یک زندگی‌نامه از «ویلی موریس» هستم و آخرین کتاب خوبی که خواندم «مارچ» اثر ای. ال. دکتر و ف بود.

دوست شما استفان کینگ با کمک به ران مک لارتی به خاطر چاپ کتابش به نام «خاطرات دویدن» به حق، توجه زیادی را به خود جلب کرد. آیا تا به حال وسوسه شده‌اید که به یک نویسنده ناشناس کمک کنید، آن هم به این شکل، یعنی با حمایت یا حتی

واقع چندین کتاب متفاوت نوشته بودم. از ابتدا من با داستان‌های مهیج حقوقی شروع کردم، مثل «تجارخانه» و «موکل» و خیلی دیگر که نامشان الان خاطرم نیست. ایده آنها، ایده‌های ناب بود، جدید و تازه و سرشار از حس تعلیق و البته خیلی هم پر طرفدار شدند. اما آن کتاب‌ها فقط کتاب‌های سرگرم‌کننده بودند، همین و بس، نه پیامی و نه نکته خاصی در آنها بود. سرگرمی‌ناب. اما همین طور که سال‌ها می‌گذشت، بیشتر درگیر پیام‌ها و نکات خاصی در داستان‌هایم اتفاق می‌افتاد. شدم. هر چه بیشتر می‌نوشتم بیشتر درگیر مسائلی که در جامعه و اطرافم رخ می‌داد، می‌شدم. بی‌عدالتی و تعلیق نه تنها در داستان‌های من، بلکه در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنم موج می‌زند. ایده‌های بسیار زیادی می‌توان از اشتباهاتی که در سیستم رخ می‌دهد گرفت. گاهی در یک داستان شاید بتوان علاوه بر عنوان کردن این مشکلات راه حلی هم برای آن یافت. نه اینکه من بدانم چگونه، اما حداقل می‌توانم آن مشکلات را به وضوح نشان دهم.

شما در داستان‌هایتان تصویر زیبایی از اینکه ضعیف بودن چگونه است و نادیده گرفته شدن و در اقلیت قرار داشتن، چه حسی است، ترسیم کرده‌اید. چطور به این موضوع‌ها رسیدید؟

شاید به این خاطر که من همیشه در خودم زندگی می‌کنم. اما هر کسی که در می‌سی‌سی‌پی یا آرکانزاس زندگی کند و بزرگ شود، مطمئناً با این چیزها غریبه نخواهد بود.

من اکثر کارهای شما را خوانده‌ام. در تمام آنها دزدان و متجاوزانی وجود دارند و به کسی ظلم می‌کنند تا اینکه یکی از شخصیت‌های اصلی و قهرمان داستان پیدایش می‌شود و او را از مهلکه نجات می‌دهد. قبول دارید که شما برقراری عدالت را فقط در همان شهر کوچک و در این قالب نشان می‌دهید؟

بله، این تمام چیزی است که می‌دانم. من در شهر کوچکی بودم و البته این جور چیزها را در پرورده‌هایی که داشته‌ام هم خوانده و دیده‌ام. شاید بتوان این گونه تفسیر کرد که خواسته‌ام در قالب این شهر کوچک، جامعه بزرگتری را نشان دهم. علاوه بر آن، دوست دارم نوشتن برایم مفرح هم باشد. دلم نمی‌خواهد

اواخر دهه هشتاد، وکیل مدافعی موفق بودید، چه عاملی انگیزه نوشتن یک رمان را در شما، با توجه به برنامه کاری شلوغتان، ایجاد کرد؟

همه چیز از یک داستان شروع شد. در واقع این درام دادگاهی را در یک شهر کوچک می‌سی‌سی‌پی از دید وکیل مدافع جوانی، شبیه به خودم، خلق کردم. صادقانه بگویم انگیزه‌های من برای نویسنده شدن خیلی ناب بودند. شاید بیشتر نوشتن خودم، اما به هیچ وجه به اینکه اسمم وارد فهرست پر فروش‌های جهان شود یا حتی به گرفتن چک‌های مبلغ بالا باشم فکر نمی‌کردم.

اخیراً در جایی می‌خواندم که شما رمان «زمانی برای کشتن» را با هزینه خودتان چاپ کردید. دوست داشتم دقیقاً بگویم که چگونه رمانتان از سوی نشر وینوود انتشار یافت؟

وینوود در سال ۱۹۸۹ انتشارات کوچک و ناشناخته‌ای در نیویورک بود. دیگر انتشاراتی‌ها از چاپ «زمانی برای کشتن» سر باز می‌زدند و این وینوود بود که حاضر به انجام چنین خطری شد و پنج هزار نسخه از کتاب را با جلد کالینگور به چاپ رساند. البته بعداً نتوانستیم از شر این تیراژ بالا خلاص شویم. رینوود هم بعدها ورشکسته و از دور نشر خارج شد. از چه هنگام دریافتید که نوشتن برای شما فقط تفریح نیست، و موفقیت شما هم یک دستاورد زودگذر و موقتی نیست، بلکه قرار است شغل و حرفه شما شود؟

دقیقاً قبل از انتشار رمان «تجارخانه» در مارس ۱۹۹۱، انتشارات دابل دی برای دو کتاب با من قرارداد بست. در آن موقع دریافتم که می‌توانم برای مدت طولانی کتاب‌های متعددی بنویسم و نگران مسائل مالی هم نباشم.

شما تاکنون نزدیک به بیست و چند عنوان کتاب تألیف کرده‌اید. عادات نوشتن در شما چه تغییری کرده‌اند؟ آیا الان شیوه خاصی را به کار می‌گیرید که کاملاً با شیوه نوشتن «زمانی برای کشتن» یا «تجارخانه» متفاوت است؟

نه، کتاب‌هایم را همیشه از آگوست تا نوامبر می‌نویسم. از ۶ صبح تا ظهر می‌نویسم و فقط ۵ روز در هفته. می‌دانید که، ترک عادت موجب مرض است. فکر می‌کنید در طول این سال‌ها کارتان تغییر کرده است؟

تعمداً نه، اگر اول «تجارخانه» را و بعد «دلال» را بخوانید، خودتان قضاوت می‌کنید. به نظر من هیچ تلاش خودخواسته‌ای برای تغییر سیاق نگارش وجود نداشته است. در طول این سال‌ها فقط سعی کرده‌ام که با واژگان تأثیر بیشتری بر مخاطب بگذارم و به جای نوشتن پانصد صفحه، چهارصد صفحه مفید بنویسم، البته شاید این هم نشأت گرفته از تبلی من است.

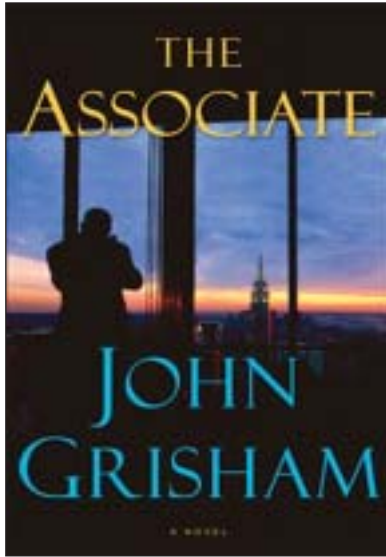
می‌دانم که بیشتر نویسندگان، اغلب نمی‌دانند که از چه منبعی الهام گرفته‌اند یا اینکه چطور شد که داستان به ذهنشان خطور کرد و اغلب هم دوست ندارند کسی در این باره چیزی از آنها بپرسد. اما درباره شما موضوع کمی فرق می‌کند، آیا خودتان هم این عقیده را دارید که سرنوشت شما این حس عنوان کردن و حتی مبارزه با بی‌عدالتی که اغلب در داستان‌های شما رخ می‌دهد، شکل داده است؟ بله، در دو سه کتاب آخرم من کاملاً روی این موضوعات کار کرده‌ام. اما کتاب‌های اولم نه، در



# وکیل خوشبخت؛ نویسنده خارق العاده

شب های طولانی با کوهی از کاغذ که سدی را در برابر ماموران قانون می سازند تا نکند که جواب یک سوال را بیابند و گناهکار از ظالم جدا شود، معمولا سراسر خستگی و افسردگی است. اما برای خوانندگان این رمان ها قضیه طور دیگری است. انگار خوانندگان از دوره تلاش بی وقفه این انسان ها که به دنبال حقیقت اند نه تنها خسته نمی شوند، بلکه لذت هم می برند. جان گریشام بی شک این قضیه را به خوبی متوجه شده و از ابتدای نویسندگی اش این ژانر را دنبال کرده و بسیار هم موفق بوده است. او خودش می گوید: «به خوبی می دانم کاری که من انجام می دهم ادبیات نیست.» و اضافه می کند: «برای من موضوع اصلی داستان هایم توطئه ای است که در جایی نامعلوم شکل می گیرد. هدف من این است که خوانندگان داستان هایم بخوانند با سرعت هر چه بیشتر صفحات را ورق بزنند و به پایان داستان برسند و اگر بخوام با پیچیدگی های ذهن خوانندگانم آشنا شوم زمان را از دست می دهم و آن وقت مانند وکیلی خواهم بود که در جلسه دادگاه احساساتی می شود و نمی تواند از موکلش دفاع کند.»

جان گریشام ۵۵ ساله با رمان «شرکت» در سال ۱۹۹۱ توانست نام خود را در ذهن همه ثبت کند. حتی آنانی که اهل کتاب و کتابخوانی نبودند دو سال بعد در ۱۹۹۳ با دیدن فیلمی با همین عنوان جان گریشام را شناختند. در این فیلم تام کروز و اد هریس (با بازیگران مشهور سینمای هالیوود) به ایفای نقش پرداختند. جرقه نوشتن برای اولین بار در سال ۱۹۸۴ هنگامی برای گریشام زده شد که شاهد اعترافات دخترکی ۱۲ ساله بود. این گونه که از دستنوشته های گریشام در سایت رسمی اش برمی آید وی پس از بررسی این پرونده در زمان های خالی اش شروع به نوشتن کرد و خلاقیت و تجربه های شخصی اش را از پرونده های مشابه قبلی چاشنی داستانش کرد. گریشام حاصل سه سال تلاش بی وقفه اش را در رمانی با عنوان «زمانی برای کشتن» در سال ۱۹۸۹ منتشر ساخت. این رمان که در ابتدا بارها از سمت ناشران متفاوت دست رد به سینه اش خورده بود توانست در کمتر از یک سال چیزی حدود پنج هزار جلد فروش کند. این گونه که جان گریشام می گوید وی دقیقا در فردای روزی که «زمانی برای کشتن» منتشر شد نوشتن رمان دیگرش را شروع کرد. کتاب دومش «شرکت» در سال ۱۹۹۱ به عنوان هفتمین رمان برتر سال انتخاب شد. در ادامه وی هفت رمان دیگر نوشت که هر یک توانستند به نوعی از رمان های پرفروش زمان خود به حساب آیند.



که قرار است با چه فضایی روبه رو شوند، اما با این حال این رمان ها را می خرد کمترین نویسنده ای است که بتواند با سبکی این چنین مشابه این تعداد طرفدار برای خود نگه دارد.»

به هر حال در دنیای داستانی گریشام دنبال کردن این گونه داستان ها با محوریت قانون و جلسات کشدار دادگاه ها برای خوانندگان جذاب است. با این که شاید در واقعیت این گونه نباشد.

## جان گریشام از زبان خودش

کودکی من بیشتر با کتابخوانی گذشت اما این گونه هم نبود که هیچ گونه تفریحی نداشته باشم و فقط کتاب بخوانم. شاید کسی باورش هم نشود اگر بگویم بیشتر داستان هایی را هم که خوانده ام الان به سختی به یاد می آورم. اما در آن بین جان اشتاین بک، مارک تواین و چارلز دیکنز را به همه ترجیح می دهم. برخلاف چیزی که همه درباره من می اندیشند که وکالت را خیلی دوست دارم باید بگویم که همیشه در سال های تحصیل دوست داشتم بازیکن بیس بال شوم و هدف اصلی ام این بود که آن چندسال درسم به سرعت تمام شود. خنده دار است اما وقتی که درسم تمام شد فهمیدم برای آن که کندی زمان را حس نکنم آنقدر درس می خواندم و آنقدر ها هم که فکر می کردم وکالت بد نیست. انگار که این پشتکار و سرسختی برای من عادت شده. تنها راز موفقیت هم برای آن که بتوانم «زمانی برای کشتن» (اولین رمان نویسنده - ۱۹۸۹ میلادی) را بنویسم همین بوده. در بسیاری از مقالاتی که درباره من نوشته شده منتقدان معتقدند که داستان هایم زبیده ذهن خلاقم هستند. اما این گونه نیست. من هنگامی که نوشتن را شروع کردم وکیلی بودم که حدود ۱۰ سال خود را در لابه لای پرونده های قتل و دزدی و تجاوز گذرانده بود. آنقدر همیشه ذهنم سرشار قصه ها و داستان های متفاوت است که به راحتی زمانی برای استفاده از خلاقیتم دست نمی دهد. این سیل قصه ها آنقدر زیاد است که در برابر این سوال که همیشه از من می پرسند آیا تا به حال شده که ذهنم پاک شود و نتوانم حتی یک کلمه همه بنویسم (اتفاقی که برای بسیاری از نویسندگان می افتد) باید بگویم که من کاملا برعکسم. گاه سبلی از ماجراها به ذهنم خطور می کند که به سختی می توانم یکی از آنها را آنطور که باید دنبال کنم. شاید این عاملی باشد که هیچ گاه - حتی اگر هم بخوام - نمی توانم نویسندگی را رها کنم.»

همه نویسندگان دیگر ترجیح می دادم. وضوح و صراحت نوشته هایم را هنوز هم تحسین می کنم.» وی از آن دسته نویسندگان با تجربه ای است که در طول زندگی اش چیزهای متفاوتی را امتحان کرده است. در دوران دانشجویی اش رویای ستاره بیسبال شدن را در سر می پروراند. گریشام خود در این باره می گوید: «انگار مربی بیس بالم مرا بهتر از خودم می شناخت. مرا از تیم بیرون کرد و گفت به کتاب بچسبی بهتر است.»

اما او پیش از آن که قلم در دست بگیرد و داستان بنویسد، در دادگاه های آمریکایه عنوان وکیلی زیر دست به شکایات مردم رسیدگی می کرد. گریشام وکیل موفقی است، اما شاید نویسنده ای موفقی تر باشد. از آن دست آدم هایی که به هر چه دست می زند طلا می شود. گریشام تا سال ۲۰۰۸ توانست ۲۵۰ میلیون جلد از رمان های خود را به فروش برساند. وی مثل بیشتر نویسندگان دیگر در دنیای سیاست نیز بیکار ننشست. سال ۱۹۸۳ میلادی، به عنوان نماینده رسمی انجمن دموکرات می سی سی پی انتخاب شد و تا سال ۱۹۹۰ در این انجمن به فعالیت پرداخت.

رمان های این نویسنده در نمایه ای کاملا مشابه دارند. اما با این حال خوانندگان و طرفداران او روز به روز، رو به افزایش است. این گونه که یکی از منتقدان آثار جان گریشام می گوید: «جان گریشام برگ برنده ای در دست دارد. آن هم برای این است که خوانندگان و طرفدارانش وقتی کتاب هایم را می خردند و می دانند

قانون همانطور که می تواند برای انسان ها خوشبختی بیاورد، گاهی هم می تواند دست و پاگیر شده و مانع پیشرفت شود. برای کایل مک کوی در آخرین رمان جان گریشام، نویسنده آمریکایی رمان های «قانونی» همین اتفاق افتاده است.

کایل، جوانی آمریکایی است که تمام تلاش هایم را معطوف هدف خود در زندگی کرده. وی برای آن که بتواند وکیلی چیره دست شود در سال های تحصیلش از هیچ تلاشی رویگردان نبوده است. او بعد از چند سال تلاش بی وقفه و گذراندن شب های طولانی در کتابخانه دانشگاه بیل و خواندن کتاب های فطوری که تمامی ندارند به سکوی پرتاب خود رسیده است. کار بسیار مناسبی در یکی از دفترهای وکالت نیویورک پیدا می کند. حقوقش آنقدر بالاست که نمی داند آیا هرگز فرصت خرج کردن آن دست می دهد یا خیر. اما عمر خوشبختی کوتاه است. روزهای کوتاه طلایی کایل با فیلم ویدئویی از سمت یک ناشناس در عرض چند دقیقه در سرازیری نابودی می افتد. فیلمی که در زمانی که کایل مک کوی در کالج درس می خوانده در آپارتمان وی ضبط شده است.

ماجرا از این قرار بوده که کایل در آپارتمان دانشجویی خود جشن تولد می گیرد. جمعیت زیادی به مهمانی می آیند به طوری که کایل کنترل رفت و آمد مهمانان را از دست می دهد. همان جا در یکی از اتاق های آپارتمانش حادثه ای شیطانی اتفاق می افتد. دو نفر از دوستان نزدیک او تحت تاثیر مصرف الکل به دختری از مهمانان تعرض می کنند. دخترک بعد از مهمانی به دادگاه شکایت می کند. از آنجایی که پزشکی قانونی به جز نشانه هایی از اعتیاد در دخترک چیز دیگری پیدا نمی کند، دادگاه این پرونده را مختومه اعلام کرده و کایل و دوستانش تبرئه می شوند.

اینک پس از گذشت چند سال فیلم ویدئویی آن شب به دست کایل مک کوی رسیده است. مشکل، حضور کایل در چند دقیقه از فیلم است. وی با دیدن این فیلم برای آن که از موقعیت شغلی اش دفاع کند مجبور به پرداخت حق السکوت می شود. اما تا کی؟ وی کم کم به بررسی پرونده می پردازد و برای یافتن کسانی که او را مجبور به پرداخت حق السکوت کرده اند از هیچ تلاشی کوتاهی نمی کند. این رمان که «شریک» نام گرفته در سال ۲۰۰۹ توسط انتشارات دوئل دی به قلم جان گریشام منتشر شد.

جان گریشام ۸ فوریه ۱۹۵۵ در آمریکا به دنیا آمد. در نوجوانی با تشویق های مادرش به خواندن رمان های کلاسیک روی آورد. گریشام درباره آن برهه از زندگی اش این گونه می نویسد: «جان اشتاین بک را به

## فیلم شناسی گریشام

رمان های جان گریشام، این نویسنده آمریکایی، مثل نوشته های دن براون، باب دندان کارگردانان سینما هالیوود است. چرا که سراسر کنکاش و درگیری است. چشمان بینندگان همان طور که صفحات رمان های گریشام را دنبال می کنند به دنبال پایان فیلم نیز هستند. شاید این برگ برنده ای است که پای گریشام را به دنیای سینما باز کرده. از آثار گریشام چیزی حدود ۱۳ فیلم ساخته شده است که بیشتر این آثار عینا مانند رمان ساخته شده و حتی نام آن نیز تغییر نکرده است. در سال ۱۹۹۳ دو فیلم (شریک و پرونده پلیکان) از این نویسنده در سینماهای هالیوود اکران شد که در آنها به ترتیب تام کروز و جولیا روبرتز و دنزل واشنگتن به ایفای نقش پرداختند. تام کروز در همان سال جایزه بهترین بازیگر مرد را برای بازی در این فیلم از آن خود کرد. در سال ۱۹۹۴ جوئل شوماخر از رمان «موکل» گریشام فیلمی سینمایی ساخت که توانست حدود ۹۲ میلیون دلار در آمریکا و خارج از آمریکا ۲۵ میلیون

دلار فروش کند. جان گریشام درباره فیلم هایی که از روی رمان هایم ساخته شده می گوید: «تا به حال چندین بار به من پیشنهاد شده که صرفا برای سینما فیلمنامه بنویسم اما من نویسنده رمان هستم. شاید این دیگر هنر کارگردان باشد که از رمان های من فیلمنامه بنویسد و سپس از آن فیلمی تهیه کند.» پس از آن که فیلم «موکل» با موفقیتی اینچنینی روبه رو شد بین سال های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۶ سریالی نیز از این داستان ساخته شد.

جوئل شوماخر در مصاحبه ای با نیویورک تایمز این گونه می گوید: «نوشته های گریشام برای من راحت است. احساس می کنم به راحتی می توانم از آنها بهترین فیلم ممکن را بسازم.» شاید برای همین بود که وی در سال ۱۹۹۶ فیلمبرداری «زمانی برای کشتن» را با بازی ساندرا بولاک و ساموئل لیکسون آغاز کرد. در آنجا که گریشام از کارگردانی شوماخر رضایت کامل داشت و همچنین مایل بود تجربه ای هم در صنعت سینما داشته باشد، خود تهیه کننده ای این فیلم را برعهده گرفت. او در این باره می گوید: «زمانی برای کشتن اولین رمان من بود و واقعا دوست داشتم که تمام استانداردهای آن زیر نظر شخص خودم رعایت شود.» سه سال بعد پنجمین فیلم از روی رمان «اتاق» گریشام ساخته

شد که در مقایسه با فیلم های قبلی مورد استقبال واقع نشد و منتقدان بسیاری از درونمایه تلخ آن ایراد گرفتند. راجر ابرت، منتقد سینمایی در مقاله ای منتقدانه صراحت فیلم و خشونت های نمایش داده شده در آن را زیر سوال برد و اعلام کرد: «لزومی ندارد که هر چه در رمان اتفاق می افتد با همان کراهت و زندگی به تصویر درآید. تماشاگران سینما، مخاطبان عام تری نسبت به خوانندگان کتاب هستند و این وظیفه کارگردان است که جانب احتیاط را رعایت کند.»

«هیأت منصفه فراری» نیز با هنرمندی جان کیوسک و داستین هافمن در سال ۲۰۰۳ توسط گری فلدر ساخته شد. گری فلدر در این فیلم با توجه به باز خورد هایی که از طرف منتقدان در تجربه های قبلی دیده بود، تغییراتی جزئی را وارد داستان فیلم کرد. اما در همان زمان در تمام رسانه ها تک تک تغییرات را ذکر کرد. در نظر او نوشته های گریشام حقیقت محض است و حتی اگر تحت شرایطی مجبور به تغییر آنها باشند باید تغییرات وارده ذکر شوند.

«شریک»، «خانه نقاشی شده» و «باران ساز» از دیگر فیلم هایی هستند که جان گریشام نویسنده رمان آنهاست.

## گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۸۸/۱۲/۲۲ تا چهارشنبه ۸۸/۱۲/۲۶، ۲۱۴۶ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع ادبیات و سپس کودک و نوجوان بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم عملی، دین، آموزشی و کمک‌درسی و سایر موضوعات قرار دارند.

### گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	صفحه متوسط
۱	کلیات	۳۴	۲۹	۵	۱۹	۱۵	۲۶	۸	۲۳۵۹	۲۶۶
۲	فلسفه و روانشناسی	۸۸	۴۳	۴۵	۳۳	۵۵	۷۱	۱۷	۲۸۹۰	۲۴۵
۳	دین	۲۸۱	۲۳۴	۴۷	۱۵۳	۱۲۸	۱۱۸	۱۶۳	۳۰۲۷	۳۱۵
۴	علوم اجتماعی	۱۷۰	۱۵۲	۱۸	۸۴	۸۶	۱۲۸	۳۲	۲۴۶۸	۳۱۵
۵	زبان	۵۹	۵۳	۶	۳۱	۲۸	۵۰	۹	۲۲۴۹	۲۲۴
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۵۲	۴۵	۷	۲۸	۲۴	۲۷	۱۵	۲۱۲۷	۳۳۳
۷	علوم عملی	۲۸۶	۲۲۳	۶۳	۱۸۷	۹۹	۱۸۹	۹۷	۱۷۹۹	۲۹۸
۸	هنر	۶۵	۴۸	۱۷	۳۹	۲۶	۵۵	۱۰	۱۷۲۵	۱۷۹
۹	ادبیات	۴۴۷	۳۰۳	۱۴۴	۱۷۸	۲۶۹	۳۸۴	۶۳	۲۲۵۹	۳۰۲
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۱۰۶	۹۴	۱۲	۵۳	۵۳	۸۵	۲۱	۲۲۸۸	۲۷۰
۱۱	آموزشی و کمک‌درسی**	۲۳۲	۲۲۹	۳	۵۱	۵۱	۲۱۷	۱۵	۳۶۰۵	۲۰۹
۱۲	کودک و نوجوان	۳۲۶	۲۲۴	۱۰۲	۷۵	۲۵۱	۲۲۵	۱۰۱	۴۴۴۰	۷۶
	جمع بندی	۲۱۴۶	۱۶۷۷	۴۶۹	۹۳۱	۱۲۱۵	۱۵۹۵	۵۵۱	۲۶۸۶	۲۵۲

\* «تالیف» به تمامی آثاری اطلاق می‌شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.  
\*\* منظور از موضوع «آموزشی و کمک‌درسی» کلیه کتاب‌هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه‌های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش‌آموزان از پیش‌دبستانی تا دبیرستان هستند.

### شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
گرانترین کتاب	ریال ۹۵۰۰۰	داستان‌هایی از کلیله و دمنه؛ شیو کومار؛ ناهید رشید؛ ناشر: آسیم؛ چاپ ۲؛ ۲۸۸ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۱ مرتبه	کشتی پهلو گرفته؛ سیدمهدی شجاعی؛ ناشر: کتاب نیستان؛ ۱۶۰ صفحه؛ ۵۵۰۰ نسخه؛ ۲۶۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	Ritsuko Nakata :Let's go: starter: workbook؛ ناشر: گویش نو؛ چاپ ۵؛ ۶۴ صفحه
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	طلایی، گربه‌ای که گفت متشکرم؛ اندی بیلتون؛ مریم روزدار؛ ناشر: کتیبه گیل؛ چاپ ۱؛ ۲۰ صفحه؛ ۸۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۴۹۶ صفحه	مجموعه کامل قصه‌های بهرنگ (۲۳ قصه)؛ صمد بهرنگی؛ ناشر: زرین؛ چاپ ۴؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۷۵۰۰۰ ریال

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب‌های چاپ اول، انتشارات تیموزاده با چهل و سه عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ مهدی محمودیان با چهارده عنوان پرکارترین مولف؛ و عبدالهادی مسعودی با سیزده عنوان پرکارترین مترجم بوده‌اند.

### شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزانترین کتاب	ریال ۳۰۰۰	به یاد آخرین خلیفه و حجت پروردگار؛ حسین وحیدخراسانی؛ ناشر: مدرسه الامام باقر العلوم (ع)؛ چاپ ۶؛ ۹۶ صفحه؛ ۲۰۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	ریال ۱۴۹۰۰۰۰	Wintrobe's Atlas of Clinical Hematology؛ ناشر: کتاب امیر؛ چاپ ۱؛ ۳۷۴ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۵۴ مرتبه	حکایت دولت و فرزاتگی؛ مارک فیشر؛ گیتی خوشدل؛ ناشر: قطره؛ چاپ ۸۳؛ ۱۲۰ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۲۳۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰۰ نسخه	عاقبت لوطی صالح؛ ناشر: نشر شهر؛ چاپ ۱؛ ۳۲ صفحه
کمترین شمارگان	۱۰۰ نسخه	الشیعة الامامیه فی التاریخ؛ سیدمیرحسین علامه؛ ناشر: خاتم الانبیاء؛ چاپ ۱؛ ۲۵۰ صفحه؛ ۳۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۹۱۲ صفحه	مجموعه قوانین و مقررات مربوط به استان، شهر، شهرستان، روستا و شهرداری؛ تقسیمات کشوری - انتخابات - شوراهای اسلامی - قوانین شهرداری ...؛ ناشر: دیدار؛ چاپ ۱۵؛ ۱۳۰۰ نسخه؛ ۲۵۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۶ صفحه	آنزین صدی؛ ناشر: تیموزاده؛ چاپ ۱؛ ۲۰۰۰ نسخه؛ ۱۰۵۰۰ ریال

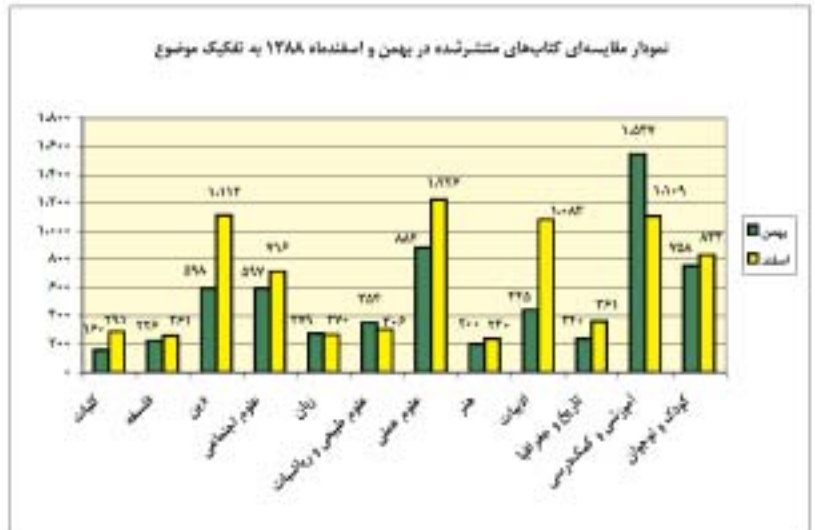
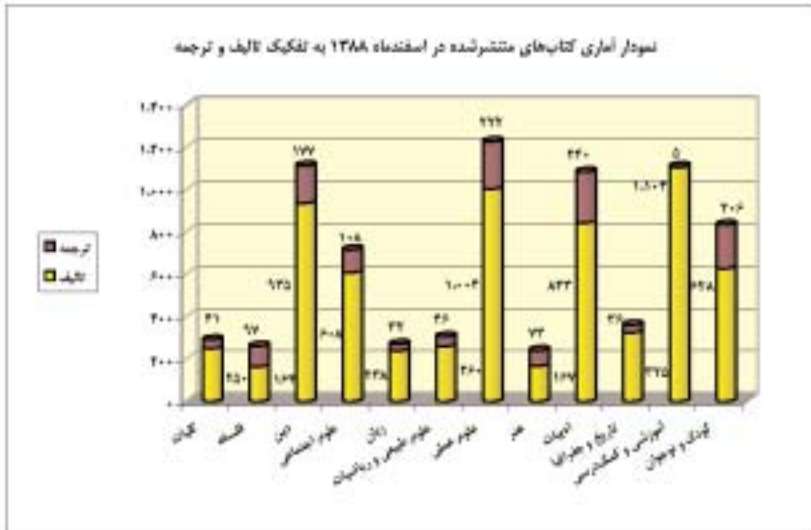
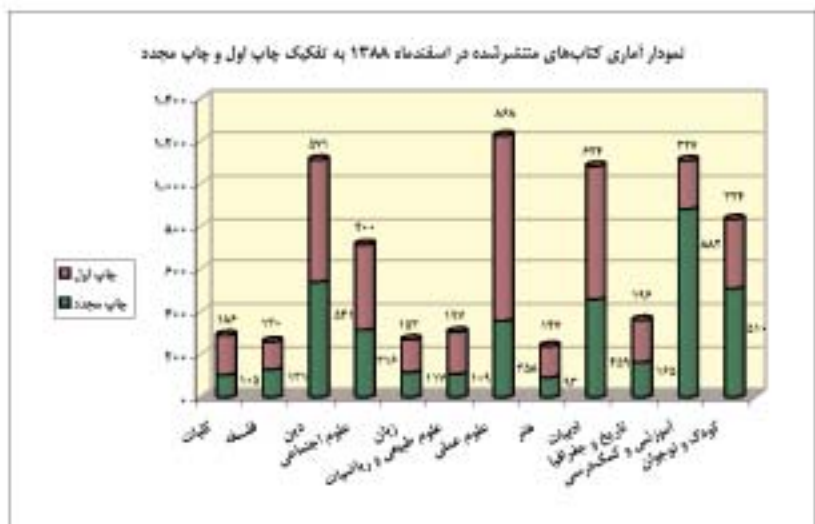
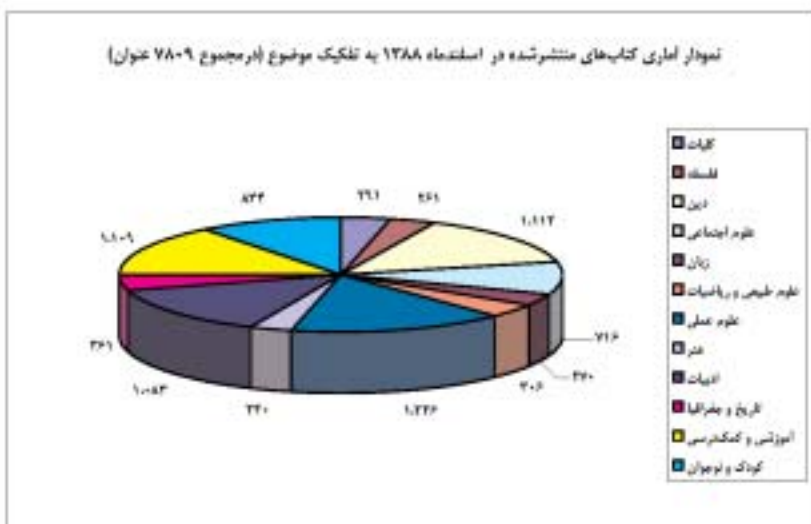
### شاخص‌های آماری کتاب‌های کمک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزانترین کتاب	ریال ۵۰۰	سوالات عمومی، اختصاصی و پاسخ پیش‌دانشگاهی ریاضی؛ ناشر: موسسه خدمات علمی آموزشی رزمندگان اسلام؛ چاپ ۱؛ ۴۰ صفحه؛ ۶۴۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	ریال ۹۰۰۰۰	کتاب علوم انسانی؛ ابوالفضل دادخواه؛ ناشر: گاج؛ چاپ ۲۴؛ ۵۱۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۱۱۰۰۰۰ ریال
بیشترین نوبت چاپ	۲۲۴ مرتبه	ریاضی مدرسه؛ سال اول راهنمایی؛ آموزش، سوال‌های امتحانی با پاسخ، سوال‌های امتحانی بدون پاسخ، آزمون‌های هماهنگ استانی؛ کریم کریمی؛ ناشر: کریم کریمی؛ چاپ ۶؛ ۲۴۸ صفحه؛ ۳۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۵۰۰۰ نسخه	پیک امتحانی بهداشت و ایمنی کار؛ کلیه رشته‌های کاردانش همراه با سوالات تستی؛ نریا اکبرزاده؛ ناشر: پیک آدرس؛ چاپ ۷؛ ۱۰۴ صفحه؛ ۲۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	

تعداد ناشران در این هفته	تعداد کتاب‌های بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان			تعداد کتاب‌های افست
		مرد	زن	مرد*	
۶۶۷	۱۸۹	۲۸۵	۱۱۹	۲۹۵	۳۷

\* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و ...) به جز مترجم.

### وضعیت نشر کتاب در اسفندماه ۱۳۸۸





نگاهی به جلد دوم کتاب «در مشروطه چه گذشت؟»

# حکایت تاریخ تباردار ایران



نهضت مشروطه، حکایتی پرفراز و نشیب و یکی از سرنوشت سازترین دوران تاریخ ایران اسلامی است که طی آن چندین انگیزه برای دستیابی به اهدافی گوناگون از سوی افراد و اقشار مختلف به منصفه ظهور رسیدند. دایره این انگیزه‌ها و اهداف آنچنان وسیع و گاهی مبهم بوده است که حتی بسیاری از مورخان از درک و نگارش صحیح وقایع رخ داده و دست‌ها و انگیزه‌های پنهانی آنها عاجز مانده‌اند، هر چند که برخی مورخان نیز از روی عمد، آن گونه تاریخ مشروطه را به رشته تحریر درآورده‌اند که خود یا اربابانشان خواسته‌اند.

امام خمینی (ره) بنیان‌گذار انقلاب اسلامی که با بصیرتی بالا، حوادث دوران مشروطه را ناظر بوده در این باره می‌گوید: «اکثر مورخین، تاریخ را آن گونه که مایلند و یا بدان گونه که دستور گرفته‌اند می‌نویسند، نه آن گونه که اتفاق افتاده است. از اول می‌دانند که کتابشان بناست به چه نتیجه‌ای برسد و در آخر هم به همان نتیجه می‌رسند... همیشه مورخین اهداف انقلاب‌ها را در مسلخ اغراض خود یا اربابانشان ذبح می‌کنند. تاریخ جهان پر است از تحسین و دشنام عده‌ای خاص و یا علیه عده‌ای دیگر یا واقعه‌ای در خور بحث.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۳۹، تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۵)

اما به راستی «در مشروطه چه گذشت؟» این سوال، عنوان کتابی است دو جلدی که جلد دوم آن به تازگی از سوی موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت منتشر شده است.

پیش از آن که به بررسی و معرفی جلد دوم این کتاب پرداخته شود، بجاست اندکی درباره جلد نخست آن سخن به میان بیاید. در جلد نخست، اصول حرکت علمای شیعه در فراز و نشیب‌های کشور، سوابق تحركات و تفکر در ابرقدرت روس و انگلیس نسبت به حکومت‌ها و حرکت‌های ملت ایران و نقش این دو همراه با انجمن‌ها و روشنفکران که در حال شکل‌گیری و تثبیت خود بودند، بیان شده است.

جلد نخست این مجموعه، مقطع مهم و سرنوشت ساز قیام عمومی ملت ایران به رهبری علما برای برپایی عدالتخانه و جلوگیری از خودکامگی و خودسری‌های شاه و درباریان و تغییر این خواسته به مشروطه و صدور دستخط آن توسط مظفرالدین شاه را به تماشا می‌گذارد.

این کتاب در دو بخش به بررسی دو موضوع اساسی می‌پردازد. نخست این که حوادث و وقایع منتهی به صدور فرمان مشروطیت چه بودند و دیگر این که تحلیل مستند وقایع مهاجرت و تحصن چگونگی تحلیلی است و چه موضوعاتی را دربرمی‌گیرد.

بخش نخست با روایت واقعی و فراموش‌نشده‌ی هجرت علما به قم و بست‌نشینی مردم در سفارت انگلیس آغاز می‌شود و در ادامه به سختگیری حکومتیان بر علما اشاره می‌کند.

البته این اثر هرگز به کلی گویی روی نمی‌آورد و سعی دارد با تشریح جزئی‌ترین اتفاقات و بیان روایت گونه سوم شخص، خواننده خود را گام به گام با حوادث همراه کند؛ به گونه‌ای که در برخی از صفحات، فضایی فیلمنامه‌ای به تصویر کشیده می‌شود که این را می‌توان از ویژگی‌های این اثر به حساب آورد؛ زیرا انگیزه و کشش لازم را برای مخاطب ایجاد می‌کند که ۳۳۸ صفحه این اثر را از

نظر بگذراند به طور مثال، در جریان بیان وقایع بعد از پایان هجرت صغری (بست‌نشینی علما و مردم در حرم حضرت عبدالعظیم) و بردن حاج شیخ محمد واعظ اصفهانی توسط ماموران دولتی به سوی مجلس و در نهایت هجوم مردم برای آزاد کردن وی در حوالی سربازخانه، این گونه نوشته می‌شود: «احمدخان سلطان، مسؤول مأمورین دولتی دستور تیراندازی داد. یک تیر به ران ادیب‌المجاهدین اصابت کرد و او به زمین افتاد.

سید عبدالمجید که از درس آقا میرزا محمد تقی گرگانی مراجعت می‌کرد، رو به احمد خان گفت: «مگر تو مسلمان نیستی، چرا امر به شلیک کردی؟ احمد خان با عصبانیت به طرف او شلیک کرد و تیر به سینه‌اش اصابت کرده و او را به قتل رساند. مردم شروع به گریه و شیون نمودند. قزاق‌ها به فرماندهی سیف‌الدین میرزا، مدیر توپخانه رسیدند و جسد سید را با خود بردند. مردم نیز تن مجروح شیخ محمد واعظ را به خانه‌اش رساندند.»

بیان روایی این کتاب هنگامی که با ادله و اسناد تاریخی همراه می‌شود، خواننده را بهتر و با بصیرتی بیشتر به درک این پاسخ رهنمون می‌سازد که «در مشروطه چه گذشت؟»

## نقش‌هایی با دنیایی از تفاوت

بخش دوم این کتاب با عنوان تحلیل مستند است که در آن به نقش و عملکرد سه دسته و گروه مهم و تاثیرگذار اشاره می‌شود.

نخست نقش روشنفکران، فراماسونرها و انجمن‌های مخفی در وقایع منتهی به صدور فرمان مشروطیت است و پس از آن نیز نقش دولت انگلیس در تحصن سفارت و صدور دستخط مشروطیت و نقش علما و روحانیون در نهضت عدالتخواهی تا صدور دستخط تشخیص مجلس شورا تشریح و

بررسی می‌شوند.

مولفان این کتاب در این بخش، اصل را بر مستند بودن گذاشته‌اند و مطالب را با مستندات موثق به رشته تحریر درآورده‌اند.

بر اساس مطالب کتاب «در دوران مشروطیت، تعداد بی‌سابقه‌ای از انجمن‌های عمدتاً مخفی که اعضای آنها غالباً از افراد تحصیل کرده هوادار غرب تشکیل می‌شدند، به وجود آمدند. مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه) تعداد این انجمن‌ها را تنها در تهران ۱۳۰ گروه برشماری می‌کند.»

این پاراگراف مدخل ورودی به بحث نقش روشنفکران، فراماسونرها و انجمن‌های مخفی در

وقایع منتهی به صدور فرمان مشروطه است. این فصل با پرده برداری از انجمن سری باغ سلیمان خان میکده (انجمن ملی) آغاز می‌شود. انجمنی که محل حضور افرادی بود که هر یک به شکلی در تحولات کوچک و بزرگ دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه نقش داشتند. این افراد شبانه در کمال خفا و پنهان کاری وارد این منزل (باغ سلیمان خان میکده) که در خیابان گمرک قرار داشت، می‌شدند و سحرگاهان پراکنده می‌گشتند. قرار بود که در صورت لورفتن، هدف جلسات را تشکیل کتابخانه ملی و بسط معارف ذکر کنند.

انجمن مخفی اول و دوم، منورالفکران، روحانیون، شاهزادگان و درباریان، افراد جاه طلب و خودخواه، بازاریان و تجار، اعضای اقلیت‌های دینی و فرق شبه‌دینی، تاسیس مدارس جدید و روزنامه، انتشار شب‌نامه‌ها و نامه‌ها، تهدید، ترور، قتل و اختلاف افکنی، جذب روحانی‌نماها، به وجود آمدن فرق به اصطلاح نواندیش دینی، نزدیک شدن و نفوذ در پیوست علما، توهمین؛ افترا و تخفیف جایگاه علما و نسبت دادن حرکت علما به سلسله جنبانی بیگانگان، از جمله مباحث مطرح شده در این فصل از بخش دوم کتاب به شمار می‌روند.

یکی از مباحث مهمی که در این کتاب بیان می‌شود، تلاش شیخ فضل‌الله نوری برای جلوگیری از ایجاد تشدید اختلاف میان علماست.

بر اساس مطالب کتاب، او تلاش می‌کرد جناح علما در این نهضت به مشی واحدی برسند، اما دشمنان این تلاش‌ها را ناکام گذاردند و کوشیدند ممانع از وحدت علما که به معنای پیروزی شریعت‌خواهان در نظام سیاسی جدید بود، بشوند. در پایان باید اشاره کرد که مجموعه دو جلدی «در مشروطه چه گذشت؟» در تلاش است حقایق مهم مشروطیت را بیان کند و در راستای تبیین صحیح تاریخ مشروطیت و بهره‌وری ملت به ویژه نسل جوان در حرکتی که پیش رو دارد، گام بردارد.

چاپ نخست جلد دوم کتاب «در مشروطه چه گذشت؟» از سوی موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت با شمارگان ۵۰۰۰ نسخه، ۳۸۳ صفحه و قیمت ۴۵۰۰۰ ریال منتشر شده است.

برای حضور در سال آینده زمانی باقی مانده

فرصت را از دست ندهید !!!

کتاب مرجع نشر ایران سال ۱۳۸۹

درج آگهی شما در مجموعه کامل اطلاعات مرجعی

ناشران، کتابفروشان، مراکز پخش، صحافی‌ها،

لیتوگرافی‌ها، چاپخانه‌ها، تصویرگران، طراحان گرافیک،

ناشران الکترونیک، نمایندگان ناشران خارجی و ...

سازمان آگهی‌های کتاب مرجع نشر ایران، موسسه فرهنگی و هنری همراهان جوان؛

تلفن: ۰۲-۸۸۵۲۳۵ - ۳۷ ۲۹ ۵۲ ۸۸ همراه: ۰۲-۳۴ ۴۵ ۱۹ - ۰۹۱۲





## روایت اول شخص

### ۱۴ تصحیح از بیدل

■ اکبر بهدار وند، شاعر و مصحح



از جمله کتاب هایی که این روزها در دست انتشار داریم «غزلیات و مخمسات بیدل دهلوی» است که انتشارات سایه گستر قزوین چاپ آن را برعهده دارد. این دیوان را بر اساس نسخه خطی شماره ۳۶۵۶ کتابخانه رضا رام پور هند تصحیح کرده ام. این نسخه در سال ۱۱۳۱ هجری و دو سال پیش از فوت بیدل و زیر نظر خودش کتابت شده است. ۲۵۷ غزل نوشته شده توسط بیدل در حاشیه برخی از صفحات کتاب به چشم می آید و علاوه بر غزل های بیدل که مشهورترین قالب شعری او هستند، این نسخه شامل ۳۰ مخمس نیز می شود. همچنین کتاب مقدمه ای به قلم من دارد و در این مقدمه ویژگی های نسخه خطی رضا رام پور و ویژگی های شعری و شخصیتی بیدل را توضیح داده ام.

محمد وارث صدیقی، کاتب ویژه بیدل بوده است. این نسخه خطی جدید نیز توسط وارث صدیقی کتابت شده و بیدل خود بر کتابت آن نظارت داشته است. عکس برداری این نسخه خطی در دو جلد ریحی شهرپور سال گذشته به دست من رسید، البته تاکنون ۱۳ تصحیح از کلیات بیدل را براساس سایر نسخه های موجود منتشر کرده ام.

دیگر شعرهای بیدل دهلوی نیز شامل ترکیب بند، ترجیع بند، مخمس، قطعه، قصیده، رباعی، مثنوی و نثرهای او را به انضمام مقدمه ای جامع در توضیح آثار و کتاب شناسی بیدل توسط نشر نگاه در دست چاپ است. تصحیح من از کلیات «ظہیر فاریابی» نیز از دیگر کتاب های در دست انتشار است. ظہیر از جمله قصیده سرایان فارسی در قرن ششم هجری است و دیوان اشعاری مشتمل بر چهار هزار بیت دارد که آن را همراه مقدمه ای برای چاپ به نشر نگاه سپرده ام.

تصحیح «غزلیات ظهوری ترشیزی» نیز توسط نشر مولا در دست چاپ است. در تصحیح غزلیات این شاعر به پنج نسخه که در کتابخانه های مجلس شورای اسلامی گلستان، میراث فرهنگی و کتابخانه ای در هند موجود بوده مراجعه کرده ام. این کتاب مقدمه جامعی در حدود ۱۵۰ صفحه درباره زندگی و ویژگی های شعر ترشیزی، شاعر قرن دهم نیز دارد. دیوان ظهوری شامل مثنوی ها، قصیده ها، رباعی ها و غزل های بسیاری است. بر همین اساس تصحیح «رباعیات ظهوری ترشیزی» نیز به پایان رسیده و توسط همین انتشارات در دست چاپ است.

همچنین تصحیح «کلیات خیالی بخارایی» از شاعران قرن نهم هجری قمری به پایان رسیده و توسط انتشارات گستره در دست چاپ است. سعی کرده ام این کلیات را با نگاهی نو و به شیوه ای شاعرانه تصحیح کنم. همچنین این تصحیح شامل مقدمه ای جامع در شرح زندگی و ویژگی های شعری بخارایی است.

انتشارات زوار نیز تصحیح کتاب های «کلیات سحابی استرآبادی»، «کلیات اقبال لا هوری» (به انضمام شعرهای منتشر نشده اقبال) و «کلیات غنیمت پنجابی» را در دست چاپ دارد. از سوی دیگر تصحیح «کلیات حزین لا همیجی» توسط نشر مولا منتشر می شود. همچنین چاپ دوم «کلیات طبیب اصفهانی» نیز توسط نشر نگاه به تازگی منتشر شده است.

به تازگی نیز گزیده چهل سال شاعری ام با عنوان «شهریانو و خاکسترهای سبز» و شمارگان ۱۲ هزار نسخه توسط نشر تکا به چاپ دوم رسیده است. این شعرها در قالب های غزل، دوبیتی، رباعی و آزاد سروده شده اند.

### معرفت شناسی از منظر مولانا

■ محمد کاظم یوسف پور، پژوهشگر

آخرین کتاب به قلم من در سال ۱۳۸۰ توسط انتشارات روزنه با عنوان «نقد صوفی» منتشر شد. در حقیقت این کتاب به بحث و بررسی انتقادی تاریخ تصوف تا قرن هفتم هجری می پرداخت. به دلیل مشغله های روزمره زندگی مدتی از تالیف کتاب فاصله گرفتم. اما این روزها جدیدترین اثر من با عنوان «توتیای چشم جان» تا پیش از بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران توسط انتشارات خانه کتاب راهی بازار نشر می شود. محور تالیف این کتاب، عوامل و موانع شناخت در «مثنوی معنوی» و تحلیل موضوع معرفت از نگاه مولاناست و شامل بخش های معرفت صوفیانه، اشراق و شهود و عواملی که با عالم بالا در ارتباط می شود.

این کتاب عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد من بوده به انتخاب انجمن استادان زبان فارسی به عنوان پایان نامه برتر به دست چاپ سپرده شده است. بحث و موضوع اصلی آن معرفت شناسی از منظر مولاناست. البته این شناخت نه از دیدگاه فلسفه بلکه از زاویه اخلاق و عرفان عملی حاصل می شود.

در این اثر، مثنوی معنوی مولانا محور اصلی بررسی ها بوده است. البته به آثاری که مولانا مطالعه می کرده و متأثر از آن متون نیز بوده است مراجعه کرده ام. آثاری چون معارف پدر مولانا، آثار امام محمد غزالی، حکیم سنایی و عطار نیشابوری که همواره مدنظر مولانا بوده اند.

کتاب دیگری که در دست نوشتن دارم، تهیه یک نسخه خوش خوان از «مثنوی معنوی» با توضیحاتی برای خوانندگان مبتدی و متوسط است تا برقراری ارتباط با مولانا برای این افراد راحت تر شود.

مولانا به دلیل نحوه ویژه آفرینش «مثنوی معنوی» مسائل مختلفی را در متن اثر خود راه داده است. گاه مطلب را از ابتدا تا انتها بررسی نمی کند و در میانه راه گریزهای متنوعی به دلایل مختلف در متن پدید می آورد. این گریزها برای خواننده مبتدی ایجاد دشواری می کند. در این اثر سعی دارم نشان دهم مولانا در چه مواقعی از مطلب اصلی فاصله گرفته یا دوباره به متن اصلی بازگشته است. این کار با افزودن تیتروایی در خلال ابیات امکان پذیر شده است.

البته تفسیر و توضیح ابیات و واژگان دشوار «مثنوی معنوی» نیز در این کتاب گنجانده خواهد شد.

### زندگی نامه های داستانی

■ خسرو آقایی، نویسنده



«از قبیلہ باران: زندگی نامه داستانی شیخ مرتضی زاهد» عنوان آخرین کتابم است که توسط انتشارات سوره مهر راهی بازار نشر شد. اما تا پایان فروردین امسال نمایشنامه «پل دو تکه» توسط انتشارات نیستان منتشر می شود. این نمایشنامه پیرامون مبحث سنت و مدرنیته نوشته شده است. از سوی دیگر این روزها دو کتاب در دست تهیه دارم. یکی از این کتاب ها مجموعه افسانه ای برای کودکان است. این کتاب شامل هفت افسانه می شود که پیش تر در برخی از مطبوعات به چاپ رسیده اند اما هنوز عنوانی برای این کتاب در نظر نگرفته ام.

همچنین در حوزه ادبیات بزرگسال کتابی درباره شخصیت «شیخ روزبهان» در دست انتشار دارم. این شخصیت اهل عرفان و معرفت بوده، مباحث نظری رادر زمینه عرفان و قرآن پژوهی مطرح کرده و آثار بسیاری نیز در این زمینه داشته است. این کتاب را به شیوه زندگی نامه داستانی نوشته ام و در خلال این داستان به بررسی آثار او نیز پرداخته ام. کار تالیف این کتاب رو به پایان است و به زودی آن را برای چاپ به انتشارات سوره مهر خواهم سپرد. در حوزه نظریه ادبی و نقد نیز کتابی در دست اقدام دارم. این کتاب با عنوان «نظریه ادبی» مروری دارد بر پیشینه نظریه ادبی در دنیای غرب و از سوی دیگر زیرساخت های نظری - معرفتی در فرهنگ و ادبیات ایرانی - اسلامی. به بیان دیگر کتاب بررسی بومی سازی زیرساخت های فکری و معرفتی در ایران است.

### راهنمایی برای کتاب های دینی

■ مجتبی رحماندوست، نویسنده



«مقدمه ای بر نهضت معجم نویسی» را شامل معرفی کتاب های کلیدی و راهنمای قرآن و سنت، توسط انتشارات علمی فرهنگی در دست چاپ دارم. حرکتی که در کشورهای جهان اسلام آغاز شده است مبنی بر تهیه کلید و راهنمایی برای کتاب های حوزه قرآن و سنت من را بر آن داشت تا این کتاب را تالیف کنم.

در این مجموعه، کتاب های راهنما بر اساس طبقه بندی لفظی، موضوعی و همچنین نرم افزارهای موجود در این زمینه معرفی شده اند. اما کتاب دیگری که به انتشارات بوستان کتاب سپرده ام برای گروه سنی کودک و نوجوان است. این کتاب که «حکایت سلطان» نام دارد به قلم سمیره شفیق، نویسنده مصری نوشته شده و از زبان عربی به فارسی برگردانده شده است.

«حکایت سلطان» ماجرای طنز آلود زندگی یک پادشاه را نقل می کند. یکی از وزیران این سلطان رفتار متفاوتی با دیگر درباریان دارد و شیوه رفتاری او طنزی جالب پدید می آورد که برای نوجوانان جالب توجه است. این روزها مجموعه داستانی را نیز آماده انتشار دارم. اما هنوز عنوانی برای آن برنگزیده ام و به ناشر نسپرده ام، چرا که به نظر حجم این داستان ها برای تبدیل شدن به یک مجموعه مستقل کم است. داستان هایی که تاکنون برای این مجموعه در نظر گرفته ام شامل ۱۴ داستان کوتاه و در فضاهای دفاع مقدس، اجتماعی و طنز هستند.

مجموعه شعری نیز با عنوان «گل لبخند» در قالب های کلاسیک و سپید آماده انتشار دارم که منتخبی از سروده های من را شامل می شود. البته انتشار این کتاب هنوز قطعی نشده است.

### کتاب های فرانسوی برای کودکان

■ ناکتارودگری، مترجم

از آخرین کتاب هایی که با ترجمه من راهی بازار نشر شده اند می توانم کتاب های «چگونه خر ها خر شدند» نوشته ژاک پرور (شاعر قرن بیستم فرانسه که آثاری در حوزه ادبیات کودک نیز دارد) در مجموعه «کتاب روشنا» توسط نشر نگاه معاصر و «بازگشت دایی فریتس» اثر آن ماری نوردن توسط نشر هرمس را نام ببرم. «بازگشت دایی فریتس» را به صورت مشترک با همکارم سوسن همایون ترجمه کرده ام. حدود پنج سال پیش مجموعه داستانی با عنوان «هفت داستان» نوشته میشل تورتیه را ترجمه و به انتشارات نگاه معاصر سپرده ام. تاریخ انتشار کتاب و عنوان نهایی آن هنوز مشخص نیست.

انگیزه ام برای ترجمه کتاب تورتیه این جمله است از است که می گوید: «ناب ترین لحظات نگارشم متعلق به ناب ترین اندیشه های من است و آن اندیشه ها از آن کودکان است.» او فیلسوف فرانسوی است که اندیشه ها و بازتاب یافته است. تورتیه داستان های متنوعی را در این مجموعه کنار هم قرار داده که به نوعی از یک بیوستگی ویژه برخوردار هستند. انتشارات ملدا طرح گستر نیز کتاب «اعضای گروه پنج در مهمانی جاسوسان» نوشته انید بلایتون را با ترجمه من در دست انتشار دارد. ترجمه این اثر حدود دو سال پیش به پایان رسید. بلایتون در ژانر پلیسی و کارآگاهی توانسته به خوبی با نوجوانان ارتباط برقرار کند و دیگر آثار او از جمله «دوقلو های اوسالیوان» و «بچه های محل» نیز با استقبال خوبی روبه رو شده اند. ترجمه اثری از پیزگری پاری، نویسنده معاصر فرانسه با عنوان احتمالی «شیطون کوچولو مهربون و داستان هایی از خیابان بروکا» به پایان رسیده و آماده تحویل به ناشر است. البته هنوز ناشری برای چاپ آن برنگزیده ام.

علاوه بر ترجمه در حوزه ویراستاری نیز فعالم. تازه ترین کتابی که با ویرایش من در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب ارائه می شود «گل هایی به نام آلر جرنون» نام دارد که با ترجمه مهرداد بازیاری توسط نشر معین منتشر می شود.

### یادداشت

اکبر اکسیر

شاعر



### شعر جوان؛ جاری چون آب



اگر در عصر پارینه سنگی پدران شاعر ما با میخ و کلنگ، دغدغه های خود را بر دیواره غارها می کنند، امروزه همان راپسران شاعر ما با موس روی صفحات وبلاگ

منتشر می کنند. ابزار عوض شده است. اما موضوع همان هراس همیشگی انسان است؛ تنهایی در سیاره وحشت!

اگر تادیروز پدران مادر الواح گلی و پاپیروس به ثبت آرزوهای خود می پرداختند، امروزه پسران ما همین کار را بر روی صفحات کوچک موبایل انجام دهند. آرزو ها هنوز بزرگند فقط صفحات جهان کوچک شده اند. در جهانی کوچک تر از دهکده به سرعت رعدوبرق شاعران مامی نویسند منتشر می کنند و شعر مثل آب جریان دارد.

در عصر دیجیتال، شاعران دیجیتالی با روزنامه های الکترونیکی یک واقعیت گریز ناپذیرند که باید باورشان کرد. انقلاب دیجیتال به شاعران جوان این فرصت را داد که آنها بی منت سردبیر و مدیر مسئول و قوانین دست و پاگیر چاپ و نشر به انتشار آثار خود بپردازند. بی کاغذ کاهی، بی خودکار بیک، بدون تمبر و پاکت و اداره پست. بدون ماندن در نوبت چند ماهه برای دیدن نام خود در ستون وحشتناک نامه های رسیده یا چاپ دست و پا شکسته شعر. شاعران جوان در وبلاگ های خود شعر می تایپند و با ویگردی شبانه روزی طرفدار و منتقد و مخاطب پیدا می کنند و افکار جوانشان را از مجاری مجازی به گوش و چشم های حقیقی ارسال می دارند.

شعر وحشی جوان جسور و گستاخ شکل می گیرد و اقتدار دیرین صفحات شعر شکسته می شود. ذوق هایی یکی پس از دیگری کشف و شکوفامی شوند و نسلی از شاعران جوان به بار می نشینند. نسلی خودساخته در پشت سنگر های مانیتور های اقساطی قد می کشند و شعر و ادبیات دلخواه خود را انتخاب و ارائه می دهند، نسلی که بدون تعارف شاعر و منتقد فردای این سرزمین است.

پس بر ما واجب است که این حرکت را جدی بگیریم و به معرفی، تشویق و هدایت آنها برخیزیم. سره را از ناسره تمیز دهیم و آنها را که نه به سودای نام و سرگرمی آمده اند بشناسیم؛ چرا که اغلب این عزیزان برای دل خود می نویسند نه برای خوشایند منتقدان رسمی و نیمه رسمی شب های شعر و نهادهای شعر ساز شاعر باز.

آنها به پاسخگویی شیدایی خود آمده اند تا روح نا آرام خود را با نوشته های بکرشان فروشانند و اندیشه خود را به جامعه ادبی ارائه دهند. این گروه که نسل آینده نگاران، شاعران و منتقدان ما را تشکیل می دهند هر یک در وبلاگ خود تازه ترین آثار خود را به معرض دید رهگذران مجازی می گذارند و نظرات آنها را که اغلب با طنزی وحشی اما هوشمندانه نوشته می شود به جان و دل می پذیرند.

گروهی از این نویسندگان و شاعران دستی در روزنامه نگاری دارند و در پرپاری صفحات ادبی می کوشند و گه گاهی اگر فرصتی و سرمایه ای به دست آورند با چاپ مجموعه ای در طربناکی عرصه ادبیات سهم می شوند. هرچه کتابشان مورد اعتنای پخش ها نباشد معرفی این عزیزان در رسانه های مختلف و نقد و بررسی آثار این گروه بی شک در رشد و شکوفایی شعر امروز موثر خواهد بود.